



گزارش کارورزی

حسن زرکری

۹۲۲۳۶۰۲۰۱۵

استاد راهنما:

دکتر آرمغان

بهار ۹۵



فهرست

۴	 سخنان بزرگان
۶	 مقدمه
۱۰	 در کارورزی ۲ چه گذشت؟ (شرح روایت)
۱۰	 پیشگفتار
۱۰	 سخنی با خواننده
۱۲	 بازگشت دوباره (اولین روز کارورزی)
۱۲	 سر آغاز روز
۱۳	 وصال دوباره
۱۵	 پایان انتظار (زنگ ریاضی)
۱۷	 زنگ قرآن
۱۷	 امتحان علوم
۱۸	 زنگ چهارم
۱۹	 دومین روز کارورزی
۱۹	 صبحی زیبا
۱۹	 کلاس پنجمی ها نیستند
۲۰	 زنگ اول (ریاضی)
۲۰	 خواننده شدن دعای فرج در زنگ قرآن
۲۱	 زنگ علوم
۲۲	 زنگ چهارم (فارسی)
۲۴	 سومین روز کارورزی (اولین اجرای فعالیت)

۲۴	 پگاهی دل انگیز
۲۴	 حرکت به طرف مدرسه
۲۵	 سال نو مبارک، استاد!.....
۲۵	 تمرین های ریاضی ...
۲۶	 زنگ قرآن
۲۷	 مرور مبحث بی مهرها (اولین فعالیت یادگیری اجرایی)
۲۸	 صفت فاعلی (زنگ فارسی)
۲۹	 چهارمین روز کارورزی
۲۹	 صبحی دیگر
۲۹	 پیاده روی اجباری
۲۹	 زنگ اول و ماجرای طاقها
۳۰	 زنگ دوم
۳۱	 زنگ سوم (اجرای دومین فعالیت یادگیری - یادگیری مشارکتی)
۳۲	 زنگ چهارم (فارسی)
۳۳	 پنجمین روز کارورزی
۳۳	 شروعی که به ظاهر خوب نبود!.....
۳۳	 در مسیر
۳۴	 به مدرسه رسیدیم
۳۵	 جلسه ی توجیهی استاد با ما
۳۵	 زنگ اول
۳۶	 زنگ تفریح
۳۶	 زنگ قرآن
۳۷	 اجرای سومین فعالیت

۳۷	زنگ چهارم.....
۳۹	ششمین روز کارورزی.....
۳۹	یک شروع خوب.....
۳۹	خبری از ترافیک سابق نبود!.....
۳۹	به مدرسه رسیدیم.....
۴۰	زنگ ریاضی.....
۴۰	اجرای چهارمین فعالیت یادگیری.....
۴۳	آخرین روز کارورزی.....
۴۳	طبق روال معمول؛ آماده‌ی رفتن شدم.....
۴۳	مسیر دانشگاه تا مدرسه.....
۴۳	در حیاط مدرسه.....
۴۳	زنگ اول در کلاس آقای اسماعیلی.....
۴۴	دومین زنگ در کلاس چهارم ۴.....
۴۴	زنگ سوم در کلاس خانم خالقی.....
۴۵	آخرین زنگ در مدرسه‌ی سلمان فارسی.....
۴۸	طراحی فعالیت‌های یادگیری.....
۵۰	فعالیت شماره ۱: مرور مبحث.....
۶۲	فعالیت شماره ۲: یادگیری مشارکتی.....
۷۷	فعالیت شماره ۳: رفع بدفهمی.....
۸۶	فعالیت شماره ۴: رفع عقب‌ماندگی تحصیلی.....
۱۰۷	سخن پایانی.....

سخنان بزرگان ...

امام صادق (ع) :

چون عالم به علم خویش عمل نکند موعظه او از دلها می لغزد چنان که باران از سنگ سخت و صاف.

امام خمینی (ره) :

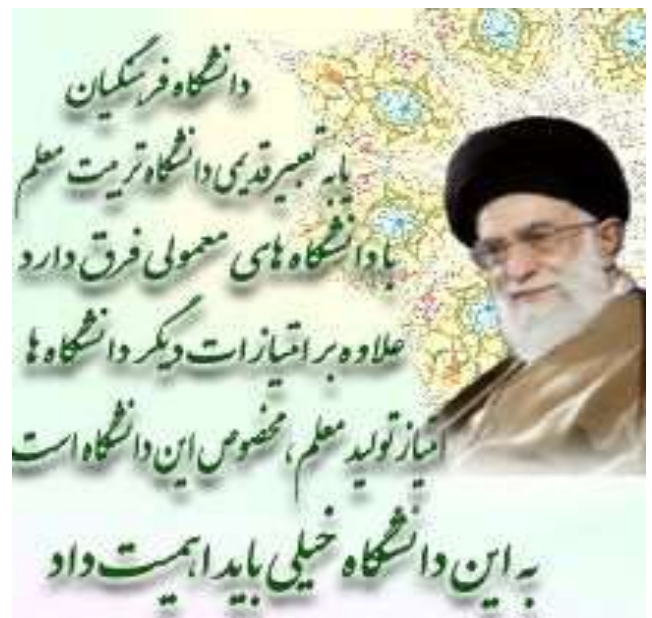
"معلم امانت داری است که امانت او غیر از همه امانت‌هاست، انسان امانت اوست."

"معلمی شغل نیست، عشق است، اگر به عنوان شغل انتخابش کردی رهایش کن و اگر عشق توست، مبارک باد."



مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای :

دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است. همه‌ی فرایندهایی که منتهی می‌شود به جذب معلم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می‌خواهید؛ هم مورد رضای خدا خواهد بود، هم برای آینده‌ی کشور -همان طور که عرض کردم- مولّد یک نسل باعظمت و امیدبخش خواهد بود؛ اگر این رعایت‌ها نشود، نه. در دانشگاه فرهنگیان، هم موادّ درسی و محتوای دروس مهم است، هم اساتید مهمند، هیئت علمی مهم است. بنا است ما چه کسی را، چه جور



آدمی را تربیت کنیم و بفرستیم سراغ بچه‌های مردم که بروند آن‌ها را بسازند و تولید انسان بزرگ بکنند؟
این خیلی مهم است.

شهید رجایی :

اگر مسیح مرده ای را جان می بخشد معلم می تواند امتی را زنده کند.



مقدمه

دانشگاه فرهنگیان با در نظر گرفتن رویکرد تربیت معلم فکور و کسب شایستگی‌های اساسی برای حرفه معلمی، به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم، پرداخته است. واحدهای درسی کارورزی در برنامه درسی تربیت معلم نقش قانونی دارد، چرا که این مهم در اسناد قانونی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است و می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند تا دانشجو معلم با موقعیت‌های واقعی در مدرسه روبرو شود و به پیوند نظریه و عمل در امر آموزش دست یابد.

دستیابی به تحقق اهداف کارورزی در راستای تربیت معلم فکور در گرو تعامل مؤثر میان استاد راهنما، معلم راهنما و دانشجو معلم است و به شکل گیری چشم‌اندازی مشترک میان آن‌ها کمک می‌کند. فضای گفتگوی حرفه‌ای امکان انتقال تجربیات به معلمانی که در آغاز مسیر حرفه‌ای خود قرار دارند، را فراهم می‌کند. فعالیت‌های یادگیری، فرصت‌هایی برای کسب تجربیات مستقیم، ارزیابی و بازاندیشی درباره یادگیری است. انواع فعالیت‌های یادگیری که می‌توان به آن اشاره کرد، عبارتند از: درگیری تحصیلی، مرور مباحث، سنجش آموخته‌ها، یادگیری مشارکتی، مهارت‌های تفکر، طراحی تکلیف، رفع بدفهمی، رفع عقب ماندگی تحصیلی، و ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان.

در طراحی، اجرا و ارزیابی فعالیت‌های یادگیری این نکته مهم است که دانشجویان کارورزی با این حقیقت روبرو شوند که بسیاری از مسائل تعلیم و تربیت، پیچیده و به هم پیوسته و وابسته به زمینه‌اند. از این رو فرصت‌های یادگیری تدارک دیده شده در کارورزی ۲، به دنبال آن است تا دانشجویان را در معرض دانش کاربردی که ترکیبی از انواع مختلف دانش بیانی، رویه‌های، موقعیتی، فراشناختی است قرار دهد. آنچه مهم است این است که دانشجویان در فعالیت‌های یادگیری انتخاب شده، درگیر شوند و در صورت لزوم مسائل مختلف آموزشی را از ابعاد مختلف و زوایای گوناگون ببینند و در تمرین معلمی، ملزم شوند برای انجام هر فعالیت یادگیری، به تدوین برنامه، مشخص کردن نحوه اجرای آن فعالیت و نیز ارزیابی آن بپردازند و با بازاندیشی درباره فعالیت یادگیری، علت موفقیت و یا عدم موفقیت خود را بیابند و در صورت نیاز مجدداً به تدوین، اجرا و ارزیابی برنامه بپردازند. بنابراین نمونه‌های معرفی شده صرفاً مثالی است و با توجه به ابعاد مختلف و موقعیت‌های گوناگون، انتظار می‌رود مراحل مختلفی برای تدوین، اجرا، ارزیابی و بازاندیشی از سوی دانشجو شناسایی و به کار گرفته شود.

فعالیت‌هایی که باید در کارورزی ۱ صورت می‌گرفت و گرفت به شرح زیر هستند :

۱. مشاهده تأملی
 - الف) توصیف
 - ب) تشریح
 - ج) بازنگری
۲. روایت نویسی

👉 واکاوی : (۱) کدگذاری باز

(۲) کدگذاری محوری

(۳) نوشتن مضامین

(۴) تبیین مسئله

۳. مربی گری

اما در کارورزی ۲ چه باید بکنیم ؟

فعالیت‌هایی که در کارورزی ۲ باید صورت بگیرد به موارد زیر می‌باشند :

۱. نوشتن روایات و واکاوی آن‌ها در تمامی جلسات (پژوهش روایتی)؛
۲. طراحی حداقل چهار فعالیت یادگیری و اجرای آن‌ها در کلاس درس؛

چیزی که آشناست و ساده به نظر می‌رسد مورد اول، یعنی روایت نویسی است. اما موردی که دشوار به نظر می‌آید طراحی فعالیت یادگیری است. اما با کمی تأمل درمی‌یابیم که هر دو مورد به سادگی قابل انجام و صورت گرفتن هستند.

برای آموزش حرفه‌ای معلمان از دو روش می‌توان استفاده کرد؛ به عبارت دیگر در آموزش حرفه‌ای معلمان دو رویکرد وجود دارد :

۱. رویکرد تکنیکی و فنی (روش تدریس)
۲. رویکرد واکاوی تجربیات

چرا واکاوی می‌کنیم ؟

- (۱) می‌خواهیم به سبک معلمی معلمی خود پی ببریم،
- (۲) همچنین می‌خواهیم به بصیرت دست پیدا کنیم.

" در این ترم با هر مسئله‌ای روبرو شدیم باید بر اساس نظر اندیشمندان عمل کنیم و نباید بر اساس اظهار نظر شفاهی عمل کنیم."

" در این ترم کارورزان باید خود را برای حداقل بیست دقیقه و یک جلسه و در مجموع در طول ترم در چهار جلسه خود را تست کنند."

" این ترم، ترم مشارکت است."

" در این ترم کار اصلی، طراحی فعالیت یادگیری است و طراحی فعالیت یادگیری با طرح درس متفاوت است."

در کارورزی ۲ چه گذشت؟

(شرح روایت‌ها)



«کارورزی ۲ چه گذشت؟» (شرح روایت ۱)

پیشگفتار

در این بخش از گزارش کارورزی قصد بر این است که روایت‌ها و ماجراهایی که در طول کارورزی در این ترم رخ داده‌است ذکر شود و پس از آن واکاوی این روایات صورت گیرد و مسائلی که با آن‌ها برخورد شده‌است به صورت موردی ذکر گردند.

در توضیح عنوان باید عرض شود که منظور از عنوان "در کارورزی چه گذشت؟" رویدادها و اتفاقات در طول کارورزی می‌باشد که به صورت روایت بیان شده‌اند.

تعداد جلسات کارورزی برگزار شده در این ترم، هشت جلسه می‌باشد که جلسه‌ی اول در دانشگاه برگزار شد تا استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر آرمان، که در اینجا از ایشان کمال تشکر و قدردانی را دارم در مورد هدف و وظایف کارورزان در طول این دوره را متذکر شوند. هفت جلسه دیگر هم در مدرسه‌ی سلمان فارسی برگزار گردید.

سخنی با خواننده

نکاتی که لازم دانستم در ابتدا متذکر شوم تا فهم روایات برای شما خواننده گرامی سهیل‌تر گردد، به قرار زیر هستند:

- ✓ کلاسی که در روایات از آن یاد می‌شود، کلاس چهارم ۲ است که در طبقه‌ی همکف مدرسه‌ی هیئت امنایی سلمان فارسی واقع شده‌است؛ لازم به ذکر است که در ترم گذشته کلاس مذکور در طبقه‌ی اول، در سمت راست پله‌های رابط بین این دو طبقه قرار داشت.
- ✓ معلم راهنمای اینجانب، که در این روایات از آن یاد می‌کنم سرکار خانم خالقی هستند که در همین‌جا از ایشان نهایت تشکر را دارم.
- ✓ در این نوشته روایت هفت روزی را که در مدرسه‌ی سلمان فارسی مشغول به گذراندن جلسات کارورزی بوده‌ام را نوشته‌ام که شامل ایام زیر می‌باشد:

۱. اولین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰.
۲. دومین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷.
۳. سومین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۳.
۴. چهارمین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۳۰.

۵. پنجمین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۶
۶. ششمین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۳
۷. آخرین روز حضور در مدرسه‌ی سلمان فارسی، در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰
- ✓ برنامه‌ی کلاسی کلاس چهارم ۲، در روزهای دوشنبه هر هفته به قرار زیر می‌باشد:

زنگ	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
نام درس	ریاضی	قرآن	علوم	فارسی خوانداری	فارسی نوشتاری

به دلیل این‌که هر هفته می‌بایست چهار ساعت برای کارورزی سپری شود از زنگ آخر (فارسی نوشتاری) در روایات و گزارش‌ها اسمی برده نشده است چون در زمان برگزاری این کلاس در مدرسه حضور نداشته‌ام.

✓ جلسات کارورزی در روزهای دوشنبه‌ی هر هفته برگزار می‌شد.

بازگشت دوباره (اولین روز کارورزی)

سر آغاز روز

ساعت ۰۶:۴۵ دقیقه بود که از خواب بیدار شدم. بقیه دوستان بیدار شده بودند و قصد داشتند که به سلف بروند. من نیز پس از آن که آبی به دست و صورتم زدم به جمع آن‌ها در سلف سرویس دانشگاه پیوستم. صبحانه را که پنیر و تخم‌مرغ بود خوردیم و به اتفاق به اتاق بازگشتیم. لباس‌هایم را که شب قبل برای امروز شسته‌بودم و اتو کرده‌بودم را پوشیدم؛ یک پیراهن کتان مشکی و شلوار مشکی پارچه‌ای. پس از شانه کردن موها و پوشیدن کفش‌هایم به همراه هادی و ابراهیم به طرف درب دانشگاه حرکت کردیم. دمای هوا ۹ درجه‌ی سانتی‌گراد بود و هنوز زمستان داشت خودنمایی می‌کرد. امروز ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ هجری شمسی که مصادف می‌شود با بیستم جمادی‌الاول ۱۴۳۷ هجری قمری؛ به عبارت دیگر مصادف با ۲۹ فوریه ۲۰۱۶. در مسیر رسیدن به درب پردیس بخار هوا از دهانمان خارج می‌شد و کمی صورتمان قرمز شده بود. بقیه بچه‌های گروه قبل از ما رفته‌بودند ...

چجوری به مدرسه رسیدیم؟

به درب دانشگاه رسیدیم. کمی که این‌طرف و آن‌طرف را واری کردیم اما بقیه را ندیدیم.

- یعنی رفته‌اند.

+ این طور به نظر می‌رسد. اگر بودند حتماً همین دور و بر بودند.

- بگذار زنگی به صادق بزنم.

همان‌طور که گوشیم‌ام را در می‌آوردم و شماره‌ی صادق را می‌گرفتم به طرف دستگاه عابربانک رفتم و همان‌گونه که با یک دست گوشی‌ام را جلوی گوشم گرفته‌بودم، کارتم را نیز از جیبم درآوردم. چند نفری جلوی دستگاه خودپرداز در صف ایستاده‌بودند.

- الو، صادق شما کجا هستین؟

+ وقتی ما رسیدیم حمیدرضا ماشین گرفته‌بود، پس ما جلوتر حرکت کردیم و جلوی مدرسه منتظرتون هستیم.

- باشه پس ما هم الآن ماشین می‌گیریم و میایم. وایسین تا ما خودمون رو برسونیم.

گوشی را که قطع کردم و رو به هادی کردم و گفتم: « بچه‌ها رفته‌اند. تا من از عابر بانک پول می‌گیرم شما بروید و ماشین بگیرید و بیاین اینجا دنبال من. »

دفتر آژانس "عرفان سیر" در نزدیکی دانشگاه قرار داشت. هادی و ابراهیم به طرف آژانس رفتند و من هم بعد از این از دستگاه پول گرفتم به کنار خیابان آمدم و منتظر ایستادم. در این فرصت اندک غرق در فکر خیال شدم؛

"امروز چکار باید بکنم؟"

"خانم معلم این ترم اجازه می‌دهد که فعالیت‌هایم را به راحتی اجرا کنم؟"

"نکند کتاب‌هایشان به آخر رسیده‌باشد."

"راستی یادم باشد حتماً فایل‌های مربوط به کارورزی را از استاد بگیرم."

"راستی اگر ..."

رد شدن ماشینی که هادی و ابراهیم داخل آن نشسته بودند، از کنارم رشته‌ی افکارم را پاره کرد. درب عقب ماشین را باز کردم و داخل ماشین نشستم. راننده با موهای جوگندمی، کت و شلواری توسی رنگ، پیراهنی سفیدرنگ و عینکی که روی صورتش قرار گرفته بود. از جلوی دانشگاه حرکت کردیم. به سر راه که رسید با زدن راهنما به داخل خیابان "سلمان فارسی" پیچید. به انتهای خیابان سلمان فارسی که رسیدیم به طرف "میدان علی ابن ابی طالب (فابریک)" پیچید و پس از گذشتن از خیابان "مدرس" و "مطهری" به "سراهِ احمدی" که رسیدیم به طرف غرب پیچیدیم و وارد خیابان "طالقانی" شدیم به اولین چهارراه که رسیدیم به سمت چپ پیچید و وارد خیابان "امام خمینی (ره)" شدیم که به "میدان قره‌نی" منتهی می‌شد و با رسیدن به میدان مذکور به سمت راست پیچید و وارد خیابان "سپهد قره‌نی" شدیم.

آنقدر غرق در افکارم بودم و شوق رسیدن دوباره به مدرسه را داشتم که متوجه گذر زمان، ترافیک مسیر، تکان‌های ماشین در چاله‌ها و حتی ایستادن پشت سه چراغ قرمز را هم متوجه نشدم.

پس از آن با پشت سر گذاشتن خیابان "سپه" و "فردوسی" و با عبور از "چهارراه سمیه" و رسیدن به "بلوار جهاد"، خیابان "شهید نامجو (اقبال)"، "بهمنیار" و در نهایت "زهره کرمانی". ماشین بعد از سرعت گیر متوقف شد. از ماشین پیاده شدیم.

وصال دوباره

هوا کمی گرم‌تر شده بود اما هنوز سرمای زمستانی محسوس بود. نگهبان مدرسه جلوی در، مشغول مدیریت رفت‌وآمد وسایل نقلیه‌ای بود که به مدرسه وارد می‌شدند و یا از آن خارج می‌شدند. پس از سلام کردن با وی وارد حیاط مدرسه شدیم.



زنگ صبحگاه مدرسه خورده بود و اکثر دانش‌آموزان در صفوف ایستاده بودند و تعدادی نیز در حال نزدیک شدن به صف‌ها بودند. استاد آرمان قبل از ما وارد حیاط مدرسه شده بود و در کنار ماشینش، که یک پژو نقره‌ای رنگ بود، ایستاده بود. همگی به دور استاد جمع شده بودیم تا بدانیم که در این ترم چه باید بکنیم. اگرچه هفته‌ی گذشته توضیحات کاملی در مورد اینکه چه باید بکنیم را داده بودند اما هنوز نکاتی وجود داشت که باید یادآوری می‌شد. صحبت‌های دکتر آرمان که تمام شد به طرف ساختمان آموزشی به راه افتادم.

دو ماه و ۱۷ روز یا به عبارتی ۷۷ روز می‌شد که به مدرسه نیامده بودیم. حس عجیبی داشتم. شاید حسی شبیه احساس دانش‌آموزی که پس از تعطیلات به مدرسه بازگشته است. شوق زودتر رفتن به سر کلاس باعث می‌شد در عین شمرده بودن قدم‌هایم، سریع‌تر گام بردارم.

بعد از خواندن قرآن و دعا توسط خود دانش‌آموزان مدرسه، دانش‌آموزان با صف وارد ساختمان آموزشی شدند. یکی از معاون آموزشی نیز جلوی در ورودی ایستاده و مانع از ورود دانش‌آموزانی می‌شد که موهای بلند و نامناسب داشتند. وقتی داشتم وارد ساختمان می‌شدم یکی از دانش‌آموزان با مزاح گفت: «آقا موها بلند. نمی‌تونی بری داخل.»

دانشجویان کارورزی دکتر پایندان در راهرو ایستاده بودند. از کنار آن‌ها رد شدم و وارد دفتر مدرسه شدم. سلام و علیکی با آقای قلعه‌خانی کردم و گفتم که با خانم رنجبر کار دارم و می‌خواهم که لیست حضور غیاب کارورزان را بگیرم. با راهنمایی آقای قلعه‌خانی متوجه شدم که خانم رنجبر در اتاق بایگانی و سایت مدرسه هستند و پس از گرفتن اجازه وارد اتاق شدم و سلام علیکی با خانم رنجبر کردم و گفتم که لیست حضور و غیاب را می‌خواهم و همچنین اطلاع‌رسانی کردم که دانشجویان سر همان کلاس‌هایی می‌روند که ترم قبل حضور داشتند.

پس از چند دقیقه‌ای ایستادن و شنیدن صدای جابجا کردن صندلی‌ها که در کلاس بالای سر دفتر، در طبقه‌ی دوم که کاملاً در فضای اتاق پیچیده بود، خانم رنجبر رو کرد به من و گفت که لیست را پیدا

نمی‌کند پس برگه‌ای سفید به من داد و گفت اسمهایتان را روی این برگه بنویسید و آن را امضا کنید و در آخر وقت تحویل دهید. برگه را گرفتم و از دفتر خارج شدم.

بقیه‌ی بچه‌های گروه در راهرو ایستاده بودند و به جمع آن‌ها پیوستم و پس از امضا کردن لیست یک به یک به سر کلاس‌هایشان رفتند. من نیز به همراه حمیدرضا دوباره پیش استاد برگشتیم تا کلاس و معلم راهنمای حمیدرضا را عوض کنیم اما صحبت کردن با خانم رنجبر افاقه نکرد و به دلیل پر بودن بقیه‌ی کلاس‌ها نشد کاری بکنیم.

به طبقه‌ی دوم رفتم. صادق در حال پخش کردن برگه‌های امتحانی در بین دانش‌آموزان کلاسش بود که در راهرو نشسته بودند. به آرامی در زدم و وارد کلاس شدم...

فضای کلاس و چیدمان صندلی‌ها مثل گذشته بود. با ورود من به کلاس دانش‌آموزان بلند شدند و صلوات فرستادند و دوباره نشستند. قیافه‌ی دانش‌آموزان به نظرم آشنا نیامد. نگاهم را به طرف میز معلم چرخاندم. خانم معلم سرش را بالا آورد ...

یعنی چه اتفاقی افتاده است ؟

چهره و ویژگی‌های ظاهری خانم معلم کاملاً تغییر کرده بود. یعنی چه؟ صدایم را صاف کردم. به آرامی چند قدمی به میز معلم نزدیک‌تر شدم. سلامی کردم و گفتم که دانشجوی کارورزی هستم و ترم قبل در این کلاس جلسات کارورزی را گذرانده‌ام. اما الآن ...

مکثی کوتاه کردم و در این مدت مسیری را که طی کرده بودم تا به کلاس برسم را مرور کردم.

- نکند کلاس را اشتباهی آمده‌ام ؟
 - نه، درست آمده‌ام؛ اولین کلاس سمت چپ وقتی از پله‌ها بالا آمدم.
 - شاید خدایی نکرده برای خانم خالقی اتفاقی افتاده است.
 - اگر خدایی نکرده این فرض درست باشد، پس چرا هیچ کدام از دانش‌آموزان ترم قبل را نمی‌بینم.
- « کلاس خانم خالقی به طبقه‌ی اول منتقل شده. » خانم معلمی که پشت میز ایستاده بود این جمله را گفت. من نیز با این جمله جواب تمام سؤالاتم را گرفتم. معذرت‌خواهی کردم و از کلاس خارج شدم.

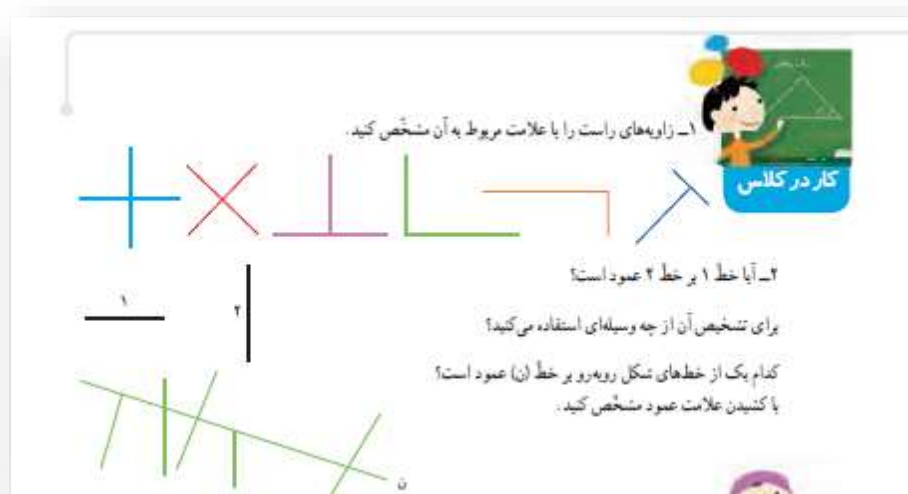
پایان انتظار (زنگ ریاضی)

به طبقه‌ی اول برگشتم و تابلوی کلاس چهارم ۲ را پیدا کردم. چند بار با دقت تابلو را بررسی کردم و سپس وارد کلاس شدم. با زدن در و باز شدن آن همه دانش‌آموزان چشم دوخته بودند که چه کسی

می‌خواهد وارد کلاس شود. وارد کلاس که شدم همه‌های در کلاس پیچید. «خانم این همان آقای پارسالی است.»، «وای! آقا دوباره اومده سر کلاس ما.»، «آقا تو این چند وقت کجا بودید؟» و ... جملاتی بودند که در بین همه و صحبت‌های دانش‌آموزان شنیده می‌شد. پس از سلام و علیکی که با خانم معلم که در وسط کلاس ایستاده بود، کردم. به دانش‌آموزان کلاس نگاه کردم. برق شادی در نگاه بعضی از آن‌ها موج می‌زد و به راحتی از روی لبخند روی لب‌هایشان می‌شد این موضوع را فهمید، اما بعضی دیگر نیز بی‌تفاوت بودند.

خانم معلم از من خواست تا بررسی کنم که دانش‌آموزان فعالیت صفحه‌ی ۱۲۲ را انجام داده‌باشند. کتاب اولین دانش‌آموز را گرفتم تا ببینم چه باید انجام داده‌باشند و هدف این فعالیت چیست؟

کتاب چند نفری را بررسی کردم و دانش‌آموزان با گرمی، صمیمیت و صبر و حوصله صحبت می‌کردم. تا اینکه خانم معلم گفت: «حالا صفحه‌ی ۱۲۳ کتاب را بیاورید تا کار در کلاس بالای صفحه را با هم در کلاس حل کنیم.» سپس از یکی از دانش‌آموزان به نام امیرحسین خواست تا پای تخته بیاید و به سؤالات این صفحه‌ی کتاب جواب دهد. سؤالات با مشارکت سایر دانش‌آموزان کلاس حل شدند و خانم معلم از همان دانش‌آموزی که پای تخته بود خواست تا پاسخ سؤالات فعالیت همان صفحه را نیز بدهد و توضیحات عکس‌ها را بنویسد تا بقیه هم آن‌ها در کتابشان بنویسند.



دانش‌آموزان با رهنمایی معلم پاسخ سؤالات را دادند و دانش‌آموز مذکور آن‌ها را روی تخته می‌نوشت. پاسخ‌هایی را که روی تخته‌ی وایت‌برد معمولی می‌نوشت کمتر کج می‌شدند و با خطی ریزتر می‌نوشت اما بر روی تخته‌ی هوشمند کلمات و حروف درشت‌تر و انحراف از خط اصلی بیشتر به چشم می‌خورد.

چند غلط املایی هم مشاهده شد که معلم توجه زیاد به آن‌ها نشان نمی‌داد. پس از آن دانش‌آموز به سر جایش برگشت و در فرصت باقی مانده معلم به دانش‌آموزان این اجازه را داد که به تمرین‌های صفحه‌ی بعد نگاهی بیاندازند و آن‌ها برای جلسه‌ی بعد انجام دهند.

با به صدا در آمدن زنگ تفریح خانم معلم و دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند. من نیز به همراه آن‌ها کلاس را ترک کرد و در حیاط مدرسه به جمع بقیه‌ی بچه‌های گروه پیوستم. مربی پرورشی مدرسه مداحی در مورد فاطمیه گذاشته بود و صدای آن در حیاط مدرسه پیچیده بود.

زنگ قرآن

با به صدا در آمدن زنگ دوباره به کلاس برگشتیم. دانش‌آموزان کتاب‌های قرآن‌شان را بیرون آورده بودند و روی دسته‌های صندلی گذاشته بودند. خانم معلم وارد شد. دانش‌آموزان از جایشان بلند شدند و با صدای واقعاً بلندی صلوات فرستادند و با حرکت دست خانم معلم سرجایشان نشستند. خانم معلم کتاب آموزش قرآن را باز کرد و پس از چند لحظه آن را بست و رو به دانش‌آموزان گفت: «درس قرآنتان جلو هستید و یک درس دیگر مانده تا کتاب تمام شود پس در این زنگ کتاب‌های علوم‌تان را بیرون بیاورید و بخوانید؛ چون ساعت بعد امتحان دارید از اول کتاب تا جایی که درس داده‌ام.»

دانش‌آموزان مشغول مطالعه شدند و در آخرین لحظات قبل از خوردن زنگ تفریح چند سؤال از چند نفر پرسید و با خوردن زنگ دوباره همگی از کلاس خارج شدیم.

امتحان علوم

زنگ دوباره به صدا در آمد و دوباره به کلاس‌ها برگشتیم. تا آمدن خانم معلم فرصت خوبی که خودم را محک بزنم که ببینم می‌توانم کلاس را اداره کنم یا نه؟ اول به آرام کردن کل کلاس پرداختم سپس به سراغ دانش‌آموزانی پرداختم که هنوز در حال ایجاد سر و صدا بودند. تا رسیدن خانم معلم تقریباً کل کلاس ساکت و آرام روی صندلی‌هایشان نشسته بودند. خانم معلم وارد کلاس شد و رو به دانش‌آموزان گفت که صندلی‌هایشان را جابجا کنند تا امتحان بگیرد.

بعضی از دانش‌آموزان صندلی‌هایشان را روی زمین می‌کشیدند که صندلی‌های فلزی با این کشش و ارتعاش صدای بلند و گوش‌خراشی ایجاد می‌کردند. دانش‌آموزان که سر جایشان نشستند خانم معلم سوال‌ها را بین آن‌ها پخش کرد و پس از آن رو به من کرد و گفت که به دفتر می‌رود و کاری دارد و از من خواست تا مراقب دانش‌آموزان باشم. خانم معلم که از کلاس خارج شد، چند نفری از سر جایشان بلند شدند تا سؤال بپرسند. سؤالات تقریباً تکراری بودند و مربوط به سؤالاتی بودند که به طور واضح

پرسیده نشده بودند و البته در مورد سوالی که در بالای برگه به درستی چاپ نشده بود، نیز پرسش می شد.

خانم معلم در آخرین لحظات وقت امتحان وارد کلاس شد و اعلام کرد که هر کس که به سؤالات پاسخ داده است، برگه اش را تحویل دهد. چند نفری برگه اشان را تحویل دادند و تقریباً چند دقیقه ای به خوردن زنگ مانده بود که همه ی دانش آموزان برگه هایشان را تحویل دادند و با خوردن زنگ از کلاس خارج شدند.

زنگ چهارم

با به صدا درآمدن مجدد زنگ دانش آموزان به کلاس بازگشتند و ما نیز به طرف کلاس ها به راه افتادیم. وقتی به کلاس رسیدم سعی کردم همچون زنگ گذشته دانش آموزان را ساکت کنم تا کلاس برای ورود معلم آماده باشد اما دو دعوای هم زمان که یکی در جلوی کلاس و دیگری در انتهای کلاس بود باعث شد فقط بتوانم یکی از آن ها را به صلح تبدیل کنم. وقتی خانم معلم وارد کلاس شد دعوای دوم تقریباً تمام شده بود که با ورود خانم معلم دانش آموزان به دور معلم ریختند و شروع به چغلی کردن کردند. معلم با هر دوی آن ها با تندی صحبت می کرد و آن ها را مجبور کرد که سر جای شان بنشینند.

پس از آن روی تخته نوشت که از درس پنجم و ششم بیست کلمه بیرون بیاورند و با آن ها جمله بسازند خودش نیز به تصحیح برگه های امتحان ریاضی مشغول شد و از من نیز خواست تا برگه های امتحان علوم را تصحیح کنم. در تصحیح کردن برگه ها متوجه شدم که همه ی دانش آموزان به چند سؤال پاسخ درست داده اند. البته لازم به ذکر است پاسخ های صحیح سؤالاتی را که برای دانش آموزان خوانده بودم بیشتر بود.

تا پایان زنگ، کلاس با همین وضع پیش رفت و با خوردن زنگ از کلاس خارج شدیم. در راهرو از خانم خالقی خدا حافظی کردم و در حیاط به جمع بقیه پیوستم و همگی به دانشگاه بازگشتیم.

دومین روز کارورزی

صبحی زیبا

با پیچیدن صدای آلامر گوشیم از خواب بیدار شدم. ساعت دقیقاً ۰۶:۳۰ بود. نگاهی به بقیه‌ی بچه‌های اتاق انداختم. هنوز خواب بودند. از تخت پایین آمدم و اتاق را به قصد سرویس‌های بهداشتی ترک کردم. آبی به دست و صورتم زدم و برگشتم به اتاق. صدای نفس کشیدن‌های در حال خواب هم‌اتاق‌هایم فضا را پر کرده بود. صادق بیدار شده بود و در حال آماده شدن بود.

تا وقتی که لباس‌هایم را عوض کردم بقیه بیدار شدند و آماده‌ی رفتن به سلف شده بودند. همگی به سلف رفتیم و پس از خوردن صبحانه که پنیر و تخم مرغ بود به اتاق برگشتیم. من و صادق جلوتر از بقیه حرکت کردیم و به جلوی دانشگاه رفتیم.

هفدهمین روز از آخرین ماه سال ۱۳۹۴ خورشیدی بود.

زنگ زدم به آژانس و دو تا ماشین خواستم ولی گفت که یک ماشین بیشتر نیست. پس مجبور شدیم تا آمدن بقیه یک ماشین دیگر پیدا کنم. من، صادق، رضا و ابوالفضل سوار اولین ماشین شدیم و حرکت کردیم.

"... ۳۱ دقیقه از ساعت هفت گذشته است ... " وقتی به چهار راه احمدی رسیدیم این جمله را مجری رادیو گفت. در مسیر تقریباً ترافیکی روان در حرکت بود ولی باعث می‌شد که کمی دیرتر از زمانی که پیش بینی کرده بودیم به مدرسه برسیم.

اول خیابان زهر کرمانی پیاده شدیم و قدم زنان به طرف مدرسه حرکت کردیم تا بقیه هم برسند و وارد مدرسه شویم.

کلاس پنجمی‌ها نیستند.

وارد مدرسه که شدیم هنوز زنگ صبحگاه مدرسه نخورده بود. چند دقیقه‌ای که گذشت سروکله‌ی بقیه‌ی بچه‌های گروه پیدا شد. دور هم که جمع شدیم زنگ صبحگاه به صدا در آمد و دانش‌آموزان به طرف محل برگزاری صبحگاه رفتند. از خالی بودن قسمت خطوط صفوف میانی فهمیدیم که امروز کلاس پنجمی‌ها قرار نیست که به مدرسه بیایند. هنوز همه‌ی دانش‌آموزان جمع نشده بودند که معاون مدرسه "از جلو نظام" گفت و پس از گفتن "خبر دار" دانش‌آموزی شروع به قرائت قرآن کرد. هنوز بعضی

^۱ ابوالفضل رنجبر محسنی، از دانشجویان کارورزی دکتر پایندان می‌باشد که از هم‌اتاقی‌های ما نیز هست و به دلیل نزدیک بودن مدرسی که برای گذراندن جلسات کارورزی به آن مراجعه می‌کنیم، به یکدیگر، با هم و با یک ماشین می‌رویم.

دانش‌آموزان در حال وارد شدن به مدرسه و رفتن به صف صبحگاه بودند. پس از قرائت قرآن، دانش‌آموز دیگری دعای صبحگاهی را خواند و دانش‌آموزان با مکث او، با صدای بلند "آمین" می‌گفتند.

قرآن خواندن و دعا خواندن که تمام شد، معاون مدرسه به پشت تریبون صبحگاه رفت و اسم چند نفری را خواند که باید به جلوی جایگاه می‌آمدند و جایزه دریافت می‌کردند. هادی گفت: "همش کلاس چهارمی‌ها هستند. کلاس ششمی‌ها زیاد فعالیتی ندارند." هادی راست می‌گفت اسم‌هایی که خوانده می‌شد اکثراً از بین دانش‌آموزان کلاس چهارم بود. بعضی اسم‌ها که خوانده می‌شدند این جمله در بین کارورزان شنیده می‌شد: «او از دانش‌آموزان کلاس من است.» انگار آن‌ها نیز خود را در موفقیت دانش‌آموزان کلاسی که در آن کارورز هستند سهیم می‌دانستند.

پس از اهدای جوایز دانش‌آموزان وارد ساختمان آموزشی و کلاس‌ها شدند. ما نیز پس از گرفتن برگه‌ای سفید از خانم رنجبر و نوشتن اسم‌هایمان به سر کلاس‌ها رفتیم.

زنگ اول (ریاضی)

وارد کلاس که شدم دانش‌آموزان بلند شدند و صلوات فرستادند. سلام و احوال پرسى مختصرى با خانم خالقی کردم و روی صندلی مخصوص کارورز نشستم. ریاضی داشتند. خانم معلم از دانش‌آموزان خواسته بود تا در آخر دفتر ریاضی‌شان متوازی‌الاضلاع رسم کنند و در کنارش ویژگی‌های آن را بنویسند. خودش نیز در بین دانش‌آموزان قدم می‌زد تا همه فعالیت درخواستی را انجام دهند. من نیز از جای خود بلند شدم و به بین دانش‌آموزان رفتم تا خانم معلم را یاری کنم.

خانم معلم از یکی از دانش‌آموزان خواست تا پای تخته بیايد و متوازی‌الاضلاع رسم کند. ویژگی‌های آن را در کنارش، بر روی تخته سفید بنویسد. بقیه دانش‌آموزان کلاس نیز می‌بایست با مداد ویژگی‌ها را نوشته باشند و وقتی که پای تخته جواب‌ها داده می‌شود، بررسی کنند که جوابشان درست است یا خیر و اگر جواب اشتباه داده‌اند، پاسخ صحیح را بنویسند. این مراحل و جریان آموزشی برای مستطیل، لوزی و مربع نیز صورت گرفت و با به صدا در آمدن زنگ تفریح دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند.

خوانده شدن دعای فرج در زنگ قرآن

زنگ دوباره به صدا در آمد و دانش‌آموزان وارد کلاس شدند. زودتر از خانم معلم وارد کلاس شدم و بعد از ساکت کردن دانش‌آموزان از آن‌ها خواستم تا کتاب‌های آموزش قرآن را بیرون بیاورند تا کلاس برای ورود خانم معلم و تدریس آماده باشد.

خانم معلم وارد کلاس شد و به دانش‌آموزان گفت برگه‌های دعا را بیرون بیاورند. دعای فرج با خطی زیبا و تایپ شده در قالب برگه‌هایی A3 که قبلاً چاپ شده بود و در بین دانش‌آموزان توزیع شده بود. برخی از دانش‌آموزان با نایلون یا کاور آن را پوشانده بودند. برخی دیگر نیز قاب دور آن را رنگ‌آمیزی کرده بودند. بعضی‌ها هم آن‌ها را فقط لای کتابشان گذاشته بودند. چند نفری هم برگه‌هایشان را گم کرده بودند.

از مبصر تخته (نیما) هم خواست که با تخته‌ی هوشمند دعا را پخش کند. سپس رو به من کرد و گفت که چند دقیقه‌ای بیرون از کلاس کار دارد و از من خواست که نظارت داشته باشم بر کلاس تا همه همراه با تخته‌ی هوشمند دعا را بخوانند. قرائت دعا شروع شد و خانم معلم از کلاس خارج شد. اوایل دعا کسی هم‌خوانی نمی‌کرد و چند نفری با هم حرف می‌زدند. آن‌ها را ساکت کردم. کلاس کاملاً ساکت شده بود و فقط صدای قرائت دعا می‌آمد که پس از گذشت چند ثانیه‌ای کم کم دانش‌آموزان هم شروع به هم‌خوانی کردند.

دعا که تمام شد، همانطور که خانم معلم گفته بود از دانش‌آموزان خواستم تا کتاب را باز کنند و صفحه‌ی ۹۷ را بیاورند و برای خودشان مطالعه کنند. در همین حین خانم معلم وارد کلاس شد. چند دقیقه‌ای در مورد فعالیت‌هایی را که باید در طول ترم در کلاس انجام می‌دادم با هم صحبت کردیم. سپس خانم معلم از چند دانش‌آموز خواست تا از روی صفحه‌ی ۹۷ کتاب بخوانند و بعد از آن به سؤالات صفحه‌ی بعد جواب بدهند. من نیز در این مدت در بین دانش‌آموزان کلاس قدم می‌زدم و کتاب‌هایشان را نگاه می‌کردم تا همراه کلاس پیش روند.

با خوردن زنگ تفریح دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند. من نیز همراه خانم معلم از کلاس خارج شدم.

زنگ علوم

صدای زنگ بود که باعث شد دوباره دانش‌آموزان وارد کلاس شوند. در آن ساعت علوم داشتند. خانم معلم وارد کلاس شد و از دانش‌آموزان خواست تا درس ۱۱ کتاب علوم را برای خود مطالعه کنند و فرصتی چند دقیقه‌ای به آن‌ها داد. پس از چند دقیقه از یکی از دانش‌آموزان خواست تا قسمت اول درس را بخواند. کمی در مورد آن بخش توضیح داد. پس از آن از دانش‌آموزی دیگری خواست تا قسمت بعدی درس را با صدای بلند بخواند و همین طور بخش‌های بعدی توسط سایر دانش‌آموزان خوانده شد. خانم معلم توضیح مختصری داد و از یکی از دانش‌آموزان خواست تا به جلوی کلاس بیاید و درس را برای دیگران توضیح دهد.

همزمان با تمام شدن توضیحات دانش آموز، وقت کلاس نیز تمام شد و دانش آموزان کلاس را ترک کردند. من نیز به همراه خانم خالقی به دفتر مدرسه رفتم تا پرونده‌ی تحصیلی یکی از دانش آموزان به نام "م.ج" را بررسی کنم و همچنین لیستی از اسامی دانش آموزان کلاس بگیرم. به نظرم بهتر است در طول اجرای فعالیت‌های یادگیری اسامی دانش آموزان کلاس را بدانم.

زنگ چهارم (فارسی)

زنگ که خورد دانش آموزان به کلاس برگشتند. برنامه‌ی درسی که روی دیوار نصب شده بود، این را نشان می‌داد که فارسی خوانداری دارند. خانم خالقی وارد کلاس شد و از دانش آموزان خواست تا درس شانزدهم را به همراه روخوانی آن، که از تخته پخش می‌شد را خط ببرند. پس از اتمام روخوانی قسمت روانخوانی درس پانزدهم از کتاب گویا پخش شد و بقیه باید به آن گوش می‌دادند. خانم معلم از کلاس بیرون رفت و از من خواست بعد از تمام شدن این قسمت داستان مربوط به درس شانزدهم را برای کلاس بخوانم.

داستان که تمام شد کتاب را به یکی از دانش آموزان دادم تا از روی آن بخواند. اما وقتی که قرائت توسط دانش آموز تمام شد دانش آموزان گفتند که چیزی متوجه نشده‌اند. پس مجبور شدم خودم یک بار دیگر داستان را بخوانم.

خانم معلم وارد کلاس شد. رو به مبصر تخته کرد و گفت شعر حفظی "خرد و دانش" را پخش کند. صدای خوانده شدن شعر توسط تخته‌ی هوشمند در کلاس پیچید:



پس از تمام شدن روخوانی شعر، خانم معلم به بچه‌ها گفت که از روی شعر یک بار بنویسند و برای بعد از تعطیلات عید آن را حفظ کنند.

سومین روز کارورزی (اولین اجرای فعالیت)

پگاهی دل‌انگیز

هنوز نیم ساعت به ساعت هفت مانده بود که بیدار شدم؛ یا بهتر است بگویم بیدار شدیم؛ به جز سه نفر از هم‌اتاقی‌هایم شش نفر باقی مانده در روز دوشنبه کارورزی داشتند. مثل روزهای گذشته پس از رفتن به سلف، خوردن صبحانه، بازگشت به اتاق، پوشیدن لباس و برداشتن وسایل و لوازم لازم به طرف درب دانشگاه حرکت کردیم. یکی دو دقیقه‌ای ایستادیم تا همگی برسند.

با نگاه به تقویم می‌شد فهمید که بیست و سومین روز از اولین ماه از اولین فصل سال ۱۳۹۵ می‌گذرد درحالی که این روز مصادف می‌شود با سوم رجب سال ۱۳۴۷ هجری قمری یعنی روز شهادت حضرت امام علی‌النقی‌الهادی علیه‌السلام (۲۵۴ هـ. ق.) و ۱۱ آوریل ۲۰۱۶.

حرکت به طرف مدرسه

- ماشین گرفته‌اید؟

یکی از بچه‌ها با پرسیدن این سؤال مجبورمان کرد تا سریع‌تر در مورد وسیله‌ای که قرار بود با آن به مدرسه برویم تصمیم بگیریم.

- بیا به آژانس برویم و مستقیماً از آنجا ماشین بگیریم و به مدرسه برویم.

پیشنهادی بود که تقریباً همه با آن موافق بودند. پس همگی به طرف آژانس حرکت کردیم. زیاد دور نبود. تقریباً صد متری تا درب ورودی دانشگاه فاصله داشت. هنوز چند قدمی برنداشته بودیم که پرسیدم : «حمیدرضا و علیرضا چرا نیامدند؟»

- طوری نیست تا ما ماشین گرفته‌ایم آن‌ها هم می‌آیند و می‌آییم دنبالشان.

به آژانس رسیدیم و من و علیرضا داخل رفتیم و گفتیم که ماشین نیاز داریم و دفتردار آژانس به ما گفت که درحال حاضر یک ماشین آماده داریم.

- اشکالی ندارد. سه نفر با این ماشین می‌روند و سر راه حمیدرضا و علیرضا را برمی‌دارند و چهار نفر دیگر ماشین می‌گیرند و خودشان را به بقیه می‌رسانند.

- فکر خوبی است.

- پس صادق، ابوالفضل و هادی می‌روند. من، ابراهیم، علیرضا و رضا با ماشین بعدی می‌آییم.

بچه‌ها سوار ماشین شدند و حرکت کردند و ما نیز چند دقیقه‌ای ایستادیم و به محض رسیدن ماشین حرکت کردیم.

بسته بودن بعضی مسیرها، یک‌طرفه بودن خیابان شریعتی و ترافیک در بعضی خیابان‌ها باعث شد تا کمی دیرتر به مدرسه برسیم و در آخر مجبور شدیم قسمتی از مسیر را پیاده برویم.

سال نو مبارک، استاد!

به در مدرسه رسیدیم. بقیه نیز همان لحظه رسیده بودند. وارد مدرسه شدیم. شادی و کمی اضطراب در چهره‌ی بچه‌ها موج می‌زد؛ چون برخی قرار بود فعالیت‌های یادگیری را که طراحی کرده بودند در کلاس درس اجرا کنند. این اولین اجرای کاری ما بود پس شادی، اضطراب، هیجان، نگرانی و یا هر حالت روحی دیگری غیرعادی نبود.

استاد آرمان با ماشینش وارد مدرسه شد و ماشینش را در کنار آبخوری پارک کرد. همگی با قدم‌هایی شمرده و آرام به ایشان نزدیک شدیم. پس از سلام و احوال‌پرسی، روبوسی و تبریک سال نو دکتر آرمان صحبت کردن را شروع کردند.

در ابتدا از دانشجویان کارورزی ۴ گفتند که اکنون باید واحدهای یادگیری را طراحی و اجرا کنند. سپس به ما گفتند که فعالیت‌های اجراییتان را طراحی و اجرا کنید و بازخورد بگیرید و از این فرصت‌ها برای فهمیدن راه‌های برقراری ارتباط با کودکان و دانش‌آموزان استفاده کنید و تجربه کسب کنید.

پس از خداحافظی با استاد آرمان به طرف ساختمان آموزشی حرکت کردیم تا به سر کلاس‌ها برویم. در کنار راه‌پله‌ها از بقیه بچه‌ها جدا شدم و به طرف کلاس چهارم ۲ حرکت کردم.

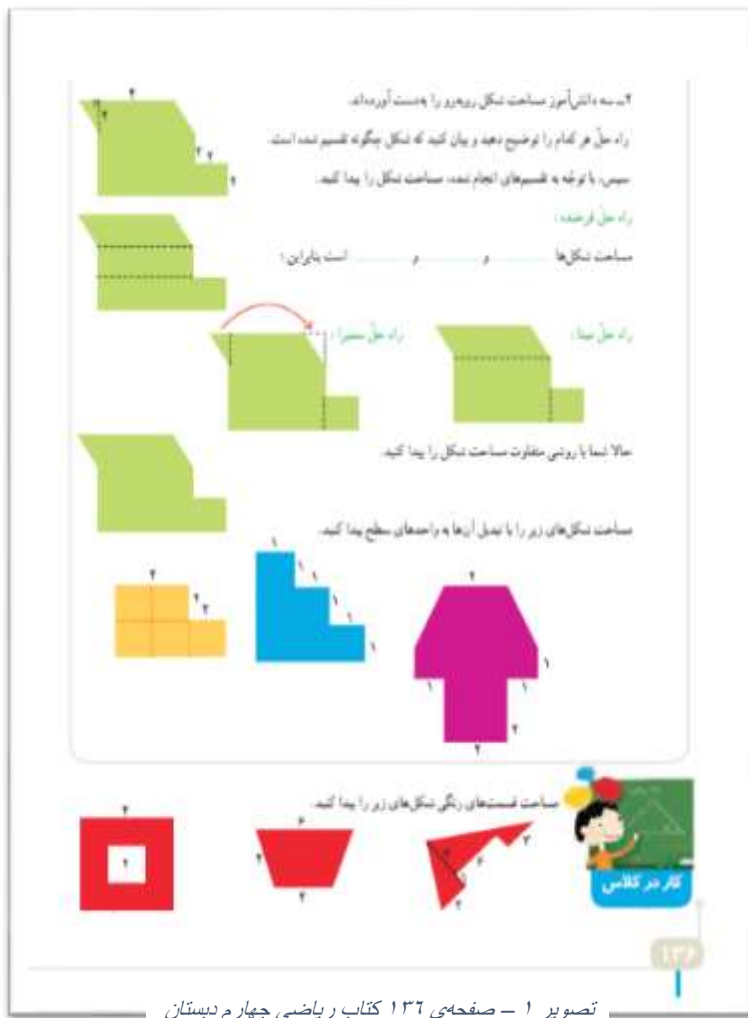
تمرین‌های ریاضی ...

به آرامی درب کلاس را باز کردم و وارد کلاس شدم. خانم معلم داشت به دانش‌آموزان می‌گفت که کتاب‌های ریاضی خود را باز کنند تا تمرین‌های کتاب را انجام دهند. سلام و علیکی با خانم خالقی کردم و سال نو را تبریک گفتم و بعد روی صندلی نشستم.

خانم خالقی به گرمی از من استقبال کرد و سپس به تذکر دادن به دانش‌آموزان در مورد حل تمرین‌ها و مسائل که پیرامون مبحث مساحت بودند پرداخت. سپس یکی از دانش‌آموزان را نام برد و از او خواست تا پای تخته بیاید و سؤال دوم فعالیت را که در بالای صفحه‌ی ۱۳۶ قرار داشت، حل کند. گویا سؤال اول را در جلسات قبل حل شده بود.

در این سؤال باید روش‌های مختلف حل مسئله با یکدیگر مقایسه می‌شدند و در پایان نیز خود دانش‌آموز روشی متفاوت ارائه می‌داد.

پس از حل شدن فعالیت در پای تخته از روی صندلی بلند شدم و در بین دانش‌آموزان رفتم و کتاب‌هایشان را بررسی می‌کردم تا دریابم که همراه با کلاس پیش می‌روند یا خیر؟



به جز تعداد اندکی بقیه زیاد توجه‌ای به اینکه باید در کلاس فعال باشند و همراه با کلاس پیش روند، نشان نمی‌دادند.

دانش‌آموزان در حال حل قسمت سوم سؤال بودند که زنگ تفریح به صدا درآمد و خانم معلم رو به دانش‌آموزان گفت که برای جلسه‌ی بعد این قسمت را پاسخ دهند.

به همراه خانم خالقی از کلاس خارج شدیم و در راهرو از یکدیگر جدا شدیم.

زنگ قرآن

با پیچیدن صدای زنگ در حیاط مدرسه و حرکت دانش‌آموزان به طرف ساختمان آموزشی متوجه شدیم باید به کلاس‌ها برگردیم.

در راهرو در جلوی در کلاس ایستاده بودم که خانم خالقی از دفتر مدرسه خارج شد و به طرف کلاس آمد و با هم وارد کلاس شدیم. با ورود ما دانش‌آموزان تقریباً به سر جای خودشان رفتند. خانم معلم از دانش‌آموزان خواست تا کتاب‌های قرآن خود را بیرون بیاورند و در حالی که در جلوی کلاس ایستاده بود گفت: «همه با هم» و دانش‌آموزان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتند

و کتاب‌های آموزش قرآن را باز کردند. خانم خالقی از دانش‌آموزان خواست تا صفحات ۱۳ و ۱۴ کتاب را مطالعه کنند.

خانم معلم رو به من کرد و گفت که دانش‌آموزان بر روی کامپیوتر رمز گذاشته‌اند و آن را فراموش کرده‌اند و مدیر مدرسه کیس آن را برده تا آن را تعمیر کند. من نیز گفتم اگر مایل باشند با لپ‌تاپ که همراهم بود کارها را انجام دهیم. خانم معلم نیز پذیرفت.

تا لپ‌تاپ را به پرژکتور و تخته‌ی هوشمند متصل کنم وقت زیادی گرفته‌شد. در این میان سیم رابط که با کوچک‌ترین حرکتی قطع و وصل می‌شد، بی‌تقصیر نبود و برای چند دقیقه‌ای مرا سر در گم کرده بود. بالاخره با هر سختی که بود تخته را راه انداختم و قرائت را پخش کردم.

تا پایان قرائت دانش‌آموزان ساکت نشسته‌بودند و پس از آن بعضی از دانش‌آموزان که خانم معلم آن‌ها را نام می‌برد یک خط از صفحه‌ی ذکر شده را می‌خواند و در آخرین لحظات کلاس روخوانی این دو صفحه به پایان رسید و دانش‌آموزان کتاب‌هایشان را داخل کیف گذاشتند و از کلاس خارج شدند.

از آنجا که باید در زنگ بعد که علوم داشتند، فعالیت یادگیری را که طراحی کرده بودم (مرور مبحث- بی‌مهرها) اجرا می‌کردم در کلاس ماندم تا مقدمات کار را فراهم کنم. دوباره کابل تخته شروع به قطع و وصل شدن می‌کرد. تا وقتی که آن را درست کنم زنگ تفریح دوباره به صدا در آمد و دانش‌آموزان یکی یکی و یا دسته دسته وارد کلاس می‌شدند.

مرور مبحث بی‌مهرها (اولین فعالیت یادگیری اجرایی)

به ساکت کردن آن‌ها مشغول بودم که خانم معلم وارد کلاس شد. اسلاید روی پرده آماده نمایش بود. دانش‌آموزان منتظر بودند ببینند چه اتفاقی قرار است بیفتد. خانم معلم به انتهای کلاس رفته‌بود و منتظر بود که کارم را شروع کنم.

منی‌دانم اسمش را چه بگذارم ... اما احساس عجیبی بود! اضطراب و هیجان از یک‌سو و به قول معروف "از خوشحالی داشتم بال در آوردم" نیز از سوی دیگر. مکثی چند ثانیه‌ای کردم سپس با گفتن "به نام خدا" کارم را شروع کردم.

- خب بچه‌ها اسم درس یازدهم کتاب علوم چیه ؟

- بی‌مهرها

وای خدای من ! همانطور که پیش‌بینی کرده بودم. تقریباً اکثر کلاس فهمیده بودند که چه می‌خواهم انجام دهم.

پس از آن با نشان دادن اولین صفحه از اسلاید که تصویر چند بی‌مهره در آن آورده شده بود کمی در مورد بی‌مهره‌ها گفتم. در صفحه‌ی بعد تعریف بی‌مهره‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها وجود داشت که از یکی از دانش‌آموزان خواستم که آن را با صدای بلند بخواند. سپس خودم با زبانی خودمانی‌تر مفهوم جانوران بی‌مهره را توضیح دادم.

سپس هر گروه از بی‌مهره‌ها را جدا جدا معرفی کردم و برای هر کدام مثال‌هایی به همراه تصویر آوردم و قبل آمدن نام هر جانور از دانش‌آموزان می‌خواستم که نام او را با توجه به آنچه که قبلاً در کتاب دیده‌اند بگویند. به جز در مورد توتیا که بعضی آن را جوجه‌تیغی گفتند، تقریباً همه پاسخ درست دادند.

توضیحات و مثال‌ها که تمام شد، نقشه‌ی مفهومی درس را نمایش دادم و توضیحات تکمیلی را به دانش‌آموزان کلاس ارائه دادم و بعد از آن سؤالاتی که از قبل آماده کرده بودم در بین دانش‌آموزان پخش کردم تا ببینم توضیحات و مرور درس تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده‌اند. با خوردن زنگ خانم معلم از کلاس خارج شد و به دانش‌آموزان گفت به سؤالات پاسخ دهند و هنگام خروج از کلاس آن را به من تحویل دهند.

صفت فاعلی (زنگ فارسی)

هنوز در حال جمع کردن لپ‌تاپ و بقیه‌ی وسایل بودم که زنگ خورد. دانش‌آموزان به کلاس وارد شدند و معلم هم پس از لحظه‌ای وارد کلاس شد. معلم در پای تخته کلمه‌ی "شنونده" را نوشت و به دانش‌آموزان گفت چه کسی می‌داند که معنی این کلمه چه می‌شود؟

دانش‌آموزان گفتند: «کسی که می‌شنود». اما در بین آن‌ها یک نفر گفت: «کسی که چیزی را می‌شنود». خانم معلم با تأکید بر حرف او معنی را روی تخته نوشت و کلمات "گوینده"، "خواننده" و چند کلمه‌ی دیگر نظیر این را روی تخته نوشت و در مورد آن از دانش‌آموزان سؤال می‌پرسید. سپس با صدایی رسا به کل کلاس گفت که بیست کلمه مثل این بنویسند و معنی آن‌ها را نیز بنویسند. دانش‌آموزان ابتدا به زیاد بودن تعداد کلمات اعتراض کردند اما در نهایت دفترباشان را بیرون آوردند و کارشان را شروع کردند. تا هنگام خوردن زنگ تفریح اکثر دانش‌آموزان کلاس سرگرم پیدا کردن کلمه و معانی آن‌ها بودند و گاهی نیز معنی برخی کلمات را می‌پرسیدند.

با خوردن زنگ از خانم معلم خداحافظی کردم و به اتفاق بقیه‌ی دانشجوها به دانشگاه برگشتیم.

چهارمین روز کارورزی

صبحی دیگر

ساعت ۶:۳۰ دقیقه بود. تقریباً همه بیدار شده بودیم. آبی به دست و صورتمان زدیم و به سلف رفتیم و صبحانه‌ای خوردیم. به اتاق که برگشتیم لباس‌هایمان را پوشیدیم و آماده‌ی رفتن شدیم. قبل از رفتن یک لیوان چای هم خوردم که خستگی دیرتر بر من غلبه کند. جلوی درب دانشگاه رفتیم و از آنجا به دفتر آژانس رفتیم تا ماشین بگیریم.

روزشمار آن روز تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۰۶ را نشان می‌داد که مصادف می‌شد با هفدهم ماه رجب سال ۱۴۳۷ و ۲۵ آوریل ۲۰۱۶.

پیاده‌روی اجباری

ماشین گرفتیم و حرکت کردیم. در جواب راننده که مقصد را از ما پرسید گفتیم: «میدان آزادی، اول بهمنیار». راننده خیابان‌ها را پشت سر می‌گذاشت. تقریباً به نزدیکی میدان آزادی رسیده بودیم که به راننده گفتیم که ما می‌خواستیم به اول بهمنیار برویم. راننده گفت: «شما گفته‌اید آزادی من هم شما را به میدان می‌رسانم.» با اینکه اکثر مسیرها بسته و یا یک‌طرفه بودند بالاخره به میدان آزادی رسیدیم. چاره‌ای نداشتیم باید بقیه‌ی مسیر را پیاده می‌رفتیم.

به راه افتادیم؛ با قدم‌هایی بلند و سریع. کمی دیر شده بود. به مدرسه که رسیدیم کسی در حیاط نبود. مستقیم به سر کلاس رفتیم.

زنگ اول و ماجرای طاق‌ها

خانم معلم در حال حل کردن فعالیت اول درس "نمودار خط شکسته" در صفحه‌ی ۱۴۴ کتاب بود. نفسی چاق کردم و وارد کلاس شدم. سلامی کردم و در گوشه‌ای از کلاس ایستاده بودم تا ببینم خانم معلم چه می‌خواهد انجام دهد تا به او کمک کنم. در همین حین در کلاس باز شد و یکی از معاونین مدرسه با یک نفر دیگر وارد کلاس شدند. معاون (مرد) در میانه‌ی کلاس ایستاد و رو به دانش‌آموزان گفت: «هرکس "طاق"، "فلش" و "گوشی" دارد خودش آن را تحویل دهد. اگر هم کسی تحویل ندهد و از کیفش برداریم پرونده‌اش را می‌دهیم و اخراجش می‌کنیم.»

حربه‌ی خوبی بود. تقریباً اکثر دانش‌آموزان طاق‌ها را از کیف‌ها و جیب‌هایشان بیرون آوردند و تحویل دادند. البته برخی از دانش‌آموزان نیز پس از گشتن کیف‌هایشان معلوم شد طاق دارند.



شاید برایتان این سؤال پیش آید که "طاق" چیست ؟

طاق به کارت‌های بازی گفته می‌شود که دارای تصاویری هستند که هر دانش‌آموز یک کارت را برعکس در وسط می‌گذارد سپس به صورت نوبتی با کف دست روی آن‌ها می‌زنند و هر کارت که برگردد از آن فرد می‌شود.

وقتی که معاون و همراهش از کلاس خارج شدند خانم معلم به کارش ادامه داد و از دانش‌آموزان خواست تا فعالیت را بخوانند و

حل کنند. من نیز در بین دانش‌آموزان شروع به قدم زدن کردم تا اگر سؤالی برایشان پیش آمد و یا مشکلی به وجود آمد به آن کمک کنم. به کنار م.ج. رفتم و از او خواستم که مثل بقیه سؤالات را بخواند و حل کند. کتابش را باز کرد ولی دیگر کاری نکرد. کنارش ایستادم و از او خواستم صورت سؤال را بخواند. او شروع کرد به خواندن اما واقعاً به سختی!

قبلاً خانم خالقی نیز گفته بود که وضعیت تحصیلی‌اش در سطح خوبی قرار ندارد و نمره‌ی همه‌ی درسهایش "نیاز به تلاش بیشتر" است. اینجا بود که تقریباً متوجه شدم مشکل او از کجا آب می‌خورد.

تا هنگام خوردن زنگ تفریح دانش‌آموزان مشغول حل کرد فعالیت‌های کتاب بودند و با خوردن زنگ تفریح از کلاس خارج شدند.

زنگ دوم

زنگ دوباره به صدا در آمد. دانش‌آموزان وارد کلاس شدند. من هم چند دقیقه پس از خوردن زنگ تفریح به همراه خانم معلم وارد کلاس شدم. زنگ قرآن بود. دانش‌آموزان کتاب‌های قرآنشان را باز کردند و خانم معلم گفت که صفحه‌ی ۲۷ کتاب را، که آیات ۲۷ تا ۵۷ سوره‌ی مبارکه‌ی واقعه در آن قرار داشتند، مطالعه کنند. من نیز تصمیم گرفتم که تخته‌ی هوشمند کلاس را راه بیندازم اما متأسفانه کابل رابط آن موجود نبود. خانم معلم یکی از دانش‌آموزان را به دفتر فرستاد تا کابلی از دفتر مدرسه بگیرد اما دانش‌آموز چند دقیقه بعد دست خالی به کلاس بازگشت.

لازم بود که تخته را راه‌اندازی کنم. باید فعالیت یادگیری را که طراحی کرده بودم اجرا می‌کردم و حتماً می‌بایست از تخته هوشمند استفاده می‌کردم. هر چه این طرف و آن طرف زدم نتوانستم آن را راه بیندازم

و مجبور شدم از ابراهیم بخواهم که کابل تخته‌ی هوشمند کلاسش را برایم بیاورد تا بعد از تدریس آن را برگردانم.

وقتی دانش‌آموزان کلاس صفحه‌ی مورد نظر را مطالعه کردند، معلم از آن‌ها خواست تا نام هر کس را که گفت از یک خط را قرائت کند. تا پایان وقت کلاس یک بار از روی آیات خوانده شد و با خوردن زنگ دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند.

زنگ سوم (اجرای دومین فعالیت یادگیری - یادگیری مشارکتی)

هنگام خوردن زنگ تفریح در کلاس ماندم تا چیدمان صندلی‌ها را برای اجرای فعالیت مناسب کنم. البته قبل از خروج خانم معلم از وی اجازه گرفتم و همچنین از دو نفر از دانش‌آموزان خواستم تا در جابجا کردن صندلی‌ها بهم کمک کنند. یک نفر دیگر از دانش‌آموزان کلاس نیز داوطلبانه در کلاس ماند تا به ما کمک کند.

چهار نفری در کلاس مشغول جابجا کرد صندلی‌ها بودیم که و من نکات را به آن‌ها می‌گفتم:

- باید سه تا از صندلی‌ها را جوری دور هم قرار بدهید که اعضای هر گروه روبه‌روی هم بنشینند.
- کاغذهای رنگی هر گروه باید یک‌رنگ باشند.
- و ...

نزدیک زنگ بود که کار چیدن صندلی‌ها تمام شده‌بود و با خوردن زنگ کم‌کم داشت سر و کله‌ی دانش‌آموزان پیدا می‌شد. دانش‌آموزان پس از ورود به کلاس از تغیر شیوه‌ی چیدمان صندلی‌های کلاس متعجب شده‌بودند؛ این را از نگاه‌ها و پیچ‌پیچ‌هایشان می‌شد فهمید.

خانم خالقی وارد کلاس شد و با همان نگاه اول فهمید که چه خبر است. از خانم خالقی اجازه گرفتم و کارم را شروع کردم. یک پلاستیک رنگی که داخلش معلوم نمی‌شد و داخل آن تعدادی کاغذ رنگی در ۱۱ رنگ که از هر رنگ سه عدد کارت؛ وجود داشت، را در کلاس گرداندم و از هر دانش‌آموز خواستم که یک کارت بردارد.

توزیع کارت‌ها به دلیل اینکه جمعیت کلاس بالا بود، وقت زیادی تلف شد و کمی اداره‌ی کلاس را مشکل کرد. وقتی که کارت‌ها در کلاس پخش شدند به جلوی کلاس آمدم و گفتم که افرادی که کاغذهای هم‌رنگ دارند در یک گروه قرار می‌گیرند. محل نشستن هر گروه با کاغذهای روی صندلی مشخص شده‌است و باید رنگ کارت‌ها و کاغذ روی صندلی یکی باشد.

اتفاقی افتاد که اصلاً پیش‌بینی نکرده بودم؛ اکثر دانش‌آموزان کلاس به جای پیدا کردن صندلی هم‌رنگ با کارتشان، کارت هم‌رنگ با صندلی‌شان را پیدا کردند! دوباره کلاس به هم ریخت و دانش‌آموزان شروع کردند به جابجا کردن کارت‌ها ولی به کمک خانم معلم از این کار جلوگیری کردیم.

پس از آن به جلوی کلاس آمدم و تصویر اول را که یک زیستگاه بود روی تخته‌ی هوشمند به نمایش گذاشتم. از دانش‌آموزان خواستم که تصویر را با دقت نگاه کنند و جدول شماره ۱ را تکمیل کنند.

اکثر اعضای گروه‌ها با هم همکاری می‌کردند. این یک نقطه‌ی مثبت در این اجرا بود. با این که از گروه‌ها خواسته بودم که فقط جدول شماره ۱ را تکمیل کنند، برخی گروه‌ها به سراغ جدول‌های بعدی رفته بودند. وقتی که متوجه شدم همه گروه‌ها کارشان را تمام کردند، از آن‌ها خواستم که جدول شماره ۲ را نیز تکمیل کنند. پس از آن یک دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شد تا به جلوی کلاس بیاید و یافته‌های حاصل از تکمیل جدول شماره ۲ (ویژگی‌های موجودات زنده) در گروه را توضیح دهد.

سپس دانش‌آموزان مشغول تکمیل جدول شماره ۳ و پس از آن جدول شماره چهار را تکمیل کردند. و سپس دانش‌آموزی به صورت تصادفی انتخاب شد تا تعریفی از جانوران گوشت‌خوار و همه‌چیزخوار را که با مشورت سایر اعضای گروه به دست آورده‌اند ارائه کند. سپس مشغول خواندن قسمتی از کتاب که زنجیره‌ی غذایی را توضیح داده‌است بودند که زنگ به صدا درآمد. از اعضای گروه‌ها خواستم تا برگه‌های جدول‌ها تحویل دهند.

زنگ چهارم (فارسی)

زنگ به صدا درآمد و دانش‌آموزان وارد کلاس شدند. من به همراه خانم خالقی وارد کلاس شدم. خانم خالقی بر روی تخته نوشت که کلمات آخر کتاب که در قسمت حروف "ب" و "پ" قرار دارند را در دفترهایشان با معنی بنویسند. دانش‌آموزان مشغول نوشتن شدند. من هم صندلی‌ام را به کار میز معلم بردم و روی آن نشستم و در مورد دانش‌آموز م.ج. کمی صحبت کردیم. خانم معلم می‌گفت که در ابتدای سال وضعیتش بسیار بدتر از وضع فعلی‌اش بوده و الآن کمی پیشرفت کرده‌است اما باید بیشتر با او کار شود، ولی نمی‌شود وقت بیشتری از کلاس را به او اختصاص داد.

پس از کمی صحبت کردن با معلم زنگ به صدا درآمد و دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند و من هم از خانم معلم خداحافظی کردم و به اتفاق بقیه‌ی بچه‌های گروه از مدرسه خارج شدیم و به دانشگاه برگشتیم.

پنجمین روز کارورزی

شروعی که به ظاهر خوب نبود!

دقیق یادم نیست ساعت چند بیدار شدم اما یادم هست که اونقدری وقت داشتم که آبی به دست و صورتم بزنم تا ببینم سردردم بهتر می‌شود یا نه. شب قبل یکم سرم درد می‌کرد اما مثل الآن شدت نداشت. همراه بقیه بچه‌های اتاق به سلف سرویس دانشگاه رفتیم و صبحانه را که مثل همیشه تخم‌مرغ و پنیر بود را خوردیم.

به اتاق برگشتم و لباس‌هایم را که شب قبل اتو کشیده‌بودم و برای امروز آماده‌شان کرده‌بودم را پوشیدم. یک پیراهن سفید با شلوار مشکی پارچه‌ای؛ این لباسی بود که برای این هفته قصد داشتم بپوشم و پوشیدم. لپ‌تاپ و بقیه وسایل که برای اجرای فعالیت‌های یادگیری مهیا کرده بودم را برداشتم و به همراه بقیه به طرف در دانشگاه حرکت کردیم.

در مسیر

وقتی که به در دانشگاه رسیدیم صادق جلوی پل ایستاده‌بود و گفت: «آژانس در حال حاضر فقط همین یک ماشین را داشت. چهار نفر می‌توانیم با این ماشین برویم، بقیه هم چند لحظه‌ای که بایستند ماشین پیدا می‌شود.» سردردم هنوز ادامه داشت. سوار ماشین شدم. علیرضا جلو نشسته‌بود. صادق سوار شد و کنار من نشست و ابراهیم هم بعد از صادق سوار شد و در کنار صادق نشست. ماشین حرکت کرد. تقریباً نزدیک سراه فاطمیه، در خیابان مطهری بودیم که رو به صادق به آرامی گفتم: «به راننده گفته‌اید که مقصدمان اول بهمنیار است؟» این حرف را به این دلیل زدم که نمی‌خواستم اتفاق هفته‌ی گذشته دوباره تکرار شود و مجبور شویم قسمتی از مسیر را پیاده برویم و دیر به مدرسه برسیم.

نفهمیدم که از کدام مسیر رفتیم اما وقتی به خودم آمدم دیدم که در "خیابان ۲۴ آذر" هستیم. کمی که فکر کردم فهمیدم راننده قصد دارد که تا انتهای خیابان برود و بعد وارد خیابان بهمنیار شود. ممکن بود در آن ترافیک خیلی دیر به مدرسه برسیم. به راننده گفتم که سر یکی از کوچه‌ها پیاده می‌شویم و بقیه مسیر را پیاده می‌رویم.

راننده که متوجه شد ما عجله داریم به داخل یکی از کوچه‌ها پیچید. در انتهای کوچه پیاده شدیم. سردردم آرام‌تر شده‌بود. زیاد از مدرسه دور نبودیم. پیاده‌روها برعکس خیابان‌ها خلوت بودند. چند قدمی که پیاده رفتیم به ابتدای خیابان زهره کرمانی رسیدیم. خاک برداری‌های خیابان بهمنیار و حرکت ماشین‌ها باعث شده‌بود گرد و غبار در هوا پخش شود. در خیابان جلوی مدرسه ترافیک شدید بود.

پدري را ديدم كه دست پسرش را گرفته بود و به اين طرف خيابان آورد و سپس خودش به آن طرف خيابان برگشت.

به مدرسه رسيديم

طبق معمول نگهبان مدرسه در جلوی در ايستاده بود و اولين نفری بود از کادر اداری مدرسه که با او روبرو شدیم و به او سلامی عرض کردیم و وارد مدرسه شدیم. بقيه‌ی بچه‌های گروه هنوز نیامده بودند. گفتم: «می‌روم تا لیست حضور و غیاب را بگیرم و می‌آورم تا امضا کنیم.» و به طرف ساختمان آموزشی حرکت کردم. در بین راه چند نفر از دانش‌آموزان کلاس را دیدم که با گرمی و احترام خاصی سلام می‌کردند. اغراق نیست اما انگار این وضع باعث می‌شد که سردردم بهتر شود.

وارد ساختمان آموزشی شدم و به طرف دفتر رفتم. در مسیر آقای قلعه‌خانی را دیدم و سلام و علیکی کردیم. سپس وارد دفتر مدرسه شدم. به مدیر مدرسه، آقای عظیمیان که پشت میزشان نشسته بودند، سلام کردم و به طرف میز کار خانم رنجبر رفتم و با او هم سلام و علیکی کردم و لیست را درخواست کردم. لیست را که گرفتم از دفتر خارج شدم و به طرف بچه‌های گروه رفتم.

وقتی بچه‌ها لیست را امضا کردند از آن‌ها جدا شدم و به طرف دانش‌آموزان و محل برگزاری صبحگاه رفتم. حس می‌کردم که بودن با دانش‌آموزان بیشتر بهم آرامش می‌دهد. هنوز به محل برگزاری صبحگاه نرسیده بودم که دانش‌آموزان کیف‌هایشان را برداشتند و به طرف درب ورودی ساختمان آموزشی حرکت کردند. کنارم که نگاه کردم دیدم که چند نفر از دانش‌آموزان کلاس، کیف به دست در کنارم ايستاده‌اند و سلام می‌کنند و می‌خواهند دست بدهند. با مهربانی لبخندی زدم و به آن‌ها نگاه کردم بهشان دست دادم و جواب سلامشان را دادم.

-آقا شما هر دوشنبه می‌آین اینجا ؟

+آره هر دوشنبه میام. راستی چرا صبحگاه برگزار نشد؟

-آقا الان یه هفته اس که برگزار نمی‌شه و ما مستقیم می‌ریم تو کلاس.

+پس الان هم برین داخل کلاس، من هم می‌آیم.

با شور و شوق خاصی به طرف کلاس رفتند. بقيه‌ی بچه‌های گروه پشت سرم بودند و تقریباً با هم وارد ساختمان آموزشی شدیم. و به طرف کلاس‌هایمان رفتیم. جلوی درب کلاس ايستادم. دانش‌آموزان در حال ورجه وورجه کردن بودند و حضور من باعث شد تا بعضی از آن‌ها سر جایشان بنشینند. اما هنوز

تعدادی از آن‌ها این‌ور و آن‌ور می‌رفتند. چند دقیقه‌ای طول کشید که کلاس را تحت اختیار گرفتم تا خانم معلم برسد.

جلسه‌ی توجیهی استاد با ما

خانم معلم وارد کلاس شد و پس از آن که سلام و علیکی کردیم گفتم که می‌روم تا صندلی بیاوردم. در نزدیک درب ورودی که صندلی آبی‌رنگ قرار داشت. به طرف آن رفتم و آن را برداشتم و به طرف کلاس برگشتم. پشت در کلاس که رسیدم صادق از پشت سر صدایم کرد. به طرف صادق برگشتم و با مکثی کردم تا بگویم که چکار دارد. کمی جلوتر آمد و گفت: «استاد آرمان. وایسا حتماً باهامون کار داره.» صندلی را پشت در کلاس گذاشتم و به طرف در ورودی برگشتم.

استاد جلوی درب ورودی به ما نزدیک می‌شد. جلو رفتم و دست دادم و سلام کردم. استاد خواست که بچه‌های گروه را در نمازخانه‌ی مدرسه جمع کنم تا کمی با ما صحبت کند. با صادق به طبقه‌ی دوم رفتیم و به بقیه خبر دادیم که بیایند.

دکتر آرمان در مورد طراحی و اجرای فعالیت‌های یادگیری توضیحات کامل و جامعی دادند و چند مثال نیز زدند تا گام‌های فعالیت نیز برای ما روشن شوند. پس از آن به سؤالاتی که در ذهن دانشجویان پیش آمده بود جواب دادند. سپس از ما خداحافظی کردند تا به بقیه‌ی دانشجویان سری بزنند و نکات لازم را یادآوری کنند. ما نیز به کلاس‌هایمان برگشتیم.

زنگ اول

درب کلاس را باز کردم و وارد شدم. خانم معلم با لحنی توأم با احترام پرسیدند که ناگهانی کجا رفته‌ام؟ توضیح دادم که استاد آرمان آمده بودند و از تأخیر پیش آمده متأسفم! دانش‌آموزان در حال حل تمرینات آخرین صفحه از کتاب ریاضی بودند. خوشحالی در نگاه بعضی از دانش‌آموزان موج می‌زد. یکی از دانش‌آموزان پای تخته آمده و در حال حل تمرین‌ها بود و بقیه هم او را در پاسخ دادن همراهی می‌کردند.

تمرین‌های کتاب که تمام شد سروصدای دانش‌آموزان بلند شد. خانم معلم از آن‌ها خواست تا تمرین‌های صفحه‌ی ۱۵۱ کتاب را که قرار بوده است در دفتر جواب دهند را بیاورند تا بررسی شود نوشته‌اند یا خیر. دو نفری با هم در حال بررسی کردن تکالیف دانش‌آموزان بودیم که زنگ خورد و از کلاس خارج شدیم.

زنگ تفریح

من که سردرد بودم توقع داشتم که دانش‌آموزان هم مثل من آرام باشند و یک گوشه بنشینند، اما انرژی آن‌ها بیش از این‌ها بود و دائماً در حیاط مدرسه در حال بازی کردن و پرسه زدند بودند. صادق و علیرضا روی سکویی، در زیر سایه‌ی درختان نشسته بودند و صدایم کردند که کنار آن‌ها بروم. به طرف آن‌ها تغییر مسیر دادم و وقتی به آن‌ها رسیدم در کنار علیرضا، بر روی سکو نشستم. ابراهیم از دور به ما نزدیک می‌شد و بعد او حمیدرضا کنارمان آمد. دانش‌آموزانی که زیر دست هر یک از کارورزان بودند از کنارمان رد می‌شدند و سلام می‌کردند و گاهی سؤالاتی نیز می‌پرسیدند. بعضی از آن‌ها هم در کنار ما می‌ایستادند و با ما به صحبت کردن می‌پرداختند.

زنگ قرآن

با به صدا درآمدن زنگ به طرف کلاس‌ها حرکت کردیم. آهسته قدم برمی‌داشتیم. وقتی جلوی کلاس رسیدم دانش‌آموزان در حال بازی‌گوشی بودند و برخی از آن‌ها در راهرو این طرف و آن طرف می‌رفتند. آن‌ها به داخل کلاس بردم و از آن‌ها خواستم که سر جایشان بنشینند و کتاب‌های قرآنی‌شان را بازکنند. چند دقیقه‌ای گذشت و خانم خالقی نیز وارد کلاس شدند.

خانم معلم از دانش‌آموزان خواست تا کلماتی را که تا درس هشتم در کتاب آمده‌اند را در دفتر با معنی بنویسند و معنی آن‌ها را یادگیرند. من هم پس از اینکه دوری در کلاس زدم به جلوی کلاس آمدم و صندلی‌ام را برداشتم و کنار میز معلم گذاشتم و روی آن نشستم.

کمی درمورد دانش‌آموز م.ج. صحبت کردیم. به خانم معلم گفتم که باید روخوانی تمرین کند تا بتواند سؤالات را درک کند و به آن‌ها پاسخ صحیح دهد. به خانم معلم گفتم که کتاب قصه‌ای آورده‌ام تا به دانش‌آموز مورد نظر بدهم و یک هفته به او وقت بدهم تا آن را مطالعه کند و در روز دوشنبه‌ی هفته‌ی دیگر در زنگ بخوانیم آن را برای کلاس بخواند. خانم معلم او را صدا کرد و از او خواست که کنار میز بیاید. او کنار میز آمد. خانم معلم کتاب را جلوی او قرار داد و گفت که از روی کتاب بخواند.

آرام و بریده بریده می‌خواند و حتی برخی کلمات را نمی‌توانست بخواند. اصلاً وضعیت خوبی نبود. خانم معلم رو به او کرد و گفت: «آقا این کتاب را برای تو آورده‌است که آن را تا هفته‌ی آینده که بخوانیم داریم، آن را برای کلاس بخوانی.» من نیز از او خواستم تا یک بار دیگر از روی کتاب بخواند. درخواندن شتاب می‌کرد برای همین بعضی کلمات را اشتباه می‌خواند. برای بار دوم وضعیت بهتری داشت اما هنوز راضی کننده نبود. وقتی با درخواست ما برای بار سوم از روی متن خواند بهتر شده بود اما لازم بود بیشتر تلاش کند.

زنگ تفریح به صدا درآمد و دانش‌آموزان و خانم معلم از کلاس خارج شدند. من نیز به طبقه‌ی دوم رفتم تا کابل تخته را از یکی از کلاس‌ها به امانت بگیرم تا در این ساعت فعالیت آموزشی را اجرا کنم. در کلاس مشغول درست کردن تخته و پرژکتور بودم که زنگ خورد.

اجرای سومین فعالیت

زنگ خورد و هنوز در کلاس مشغول راه انداختن تخته‌ی هوشمند بودم. دانش‌آموزان وارد کلاس می‌شدند و نگاهی روی تخته می‌انداختند و سر جایشان می‌نشستند. چند دقیقه‌ای گذشت و خانم معلم وارد کلاس شدند.

با گرفتن اجازه از خانم معلم اولین کلیپ را نمایش دادم. در این ویدئو تعریفی از مخلوط ارائه می‌داد. سپس در مورد مخلوط‌ها توضیح دادم و دانش‌آموزانی را که داوطلبانه می‌خواستند توضیحاتی بدهند یا مثال‌های را بزنند تشویق می‌کردم و در جریان آموزش دخالت می‌دادم.

پس از آن ویدئوی بعدی را پخش کردم که در این ویدئو تعریفی از محلول‌ها ارائه می‌داد. سپس مانند دفعه‌ی قبل به کمک دانش‌آموزان در مورد محلول‌ها توضیحاتی دادم و مثال‌هایی زدم و در پایان این دو را با هم مقایسه کردم. پس از آن به دانش‌آموزان برگه‌هایی دادم و از آن‌ها خواستم تا هر آنچه را که از تعریف مخلوط و محلول فهمیده‌اند بنویسند.

زنگ چهارم

صدای زنگ در حیاط پیچید و به طرف ساختمان آموزشی حرکت کردیم. یکی از دانش‌آموزان کلاس کنار من آمد و گفت: «آقا این زنگ هم شما درس می‌دهید؟»

-نه! این زنگ را خانم معلم درس می‌دهد.

+ای کاش شما درس می‌دادین!

-فرقی نمی‌کند عزیزم! من هفته‌ی آینده درس می‌دم.

با این حرف دانش‌آموز انگار بال درآورده بودم. گویی روی زمین نبودم. هر کس در آن لحظه مرا می‌دید می‌فهمید که از موضوعی خوشحال هستم. به خودم که آمدم خودم را جلوی در کلاس دیدم. وارد کلاس شدم و مشغول ساکت کردن دانش‌آموزان کلاس شدم. خانم خالقی که وارد شدند جلو رفتم و عذرخواهی گفتم که بچه‌های گروه در این زنگ می‌خواهند فعالیت یادگیری اجرا کنند و از من خواسته‌اند که سر کلاسشان بروم و فیلم و عکس بگیرم. ایشان نیز به من اجازه دادند و کیفم را برداشتم که از کلاس خارج شوم که دانش‌آموزان گفتند: «آقا کجا می‌روید؟»

گفتم: «کاری دارم و اگر توانستم برمی‌گردم.» و از کلاس خارج شدم.

اول به دفتر مربی بهداشت مدرسه رفتم و پروندی بهداشتی دانش‌آموز م.ج. را نگاهی انداختم و کمی با مربی بهداشت در این مورد صحبت کردم و سپس خداحافظی کردم و به طبقه‌ی دوم رفتم. از اجرای علیرضا و ابراهیم عکس و فیلم گرفتم و دوباره به کلاس برگشتم.

دانش‌آموزان در حال نوشتن کلمات آخر کتاب با معنی‌هایشان بودند. تا آخر زنگ در بین آن‌ها قدم می‌زدم و با خوردن زنگ پس از آن‌ها از کلاس خارج شدم و به اتفاق بقیه‌ی دانش‌جویان به دانشگاه برگشتیم.

ششمین روز کارورزی

یک شروع خوب

صبح روز دوشنبه ۱۳ / اردیبهشت / ۱۳۹۵ خورشیدی؛ مثل هفته‌های قبل از خواب بیدار شدم و پس از آماده شدن و به سلف رفتن به طرف در دانشگاه حرکت کردم. من و علیرضا و صادق با هم می‌رفتیم و وقتی به در دانشگاه رسیدیم هادی و ابراهیم و ابوالفضل را دیدیم که منتظر ما ایستاده‌اند.

- ماشین نگرفتین؟

+ نه منتظر بودیم شما بیاین و با هم بریم.

- پس بیا بریم. بقیه هم تا ما ماشین بگیریم می‌رسند.

به طرف دفتر آژانس به راه افتادیم. بقیه را نمی‌دانم اما حس عجیبی داشتم. شاید به دلیل این بود که هفته‌ی بزرگداشت معلم بود. یکی از دلایلی هم می‌توانست این باشد که با دانش‌آموزان کلاس خوب جور شده‌بودم و تقریباً محبوبیت و مقبولیت خود را پیدا کرده‌بودم و به وضع راضی کننده‌ای رسیده‌بودم.

خبری از ترافیک سابق نبود!

به خودم که آمدم دیدم جلوی آژانس هستم. داخل آژانس رفتم و ماشین درخواست کردم. سوار ماشین شدیم و حرکت کردیم. راننده خیابان‌ها را یکی پس از دیگری پشت می‌گذاشت. مسیرها تقریباً شلوغ بودند اما نه مثل هفته‌های گذشته. اکثر مسیرها بسته بودند. ولی وقتی که نزدیکی مدرسه رسیدیم خبری از آن شلوغی سابق نبود. جلوی مدرسه خلوت بود. راننده ما را جلوی مدرسه پیاده کرد و ما وارد مدرسه شدیم.

به مدرسه رسیدیم

هنوز هم آن حس غریب و همیشگی را داشتم. با تماشای بازی کردن دانش‌آموزان حس خوبی بهم دست می‌داد. هنوز زنگ صبحگاه نخورده بود. از بقیه‌ی کارورزان جدا شدم و وارد ساختمان آموزشی شدم تا لیست حضور و غیاب را بگیرم. به دفتر رفتم. خانم رنجبر لیست را آماده کرده بود. آن را گرفتم و به جمع دانشجوها برگشتم و همگی برگه را با امضاهایمان منقوش کردیم. پس از آن به طرف کلاس‌ها حرکت کردیم.

زنگ ریاضی

وارد کلاس شدم. کلاس پر از سروصدا بود. وارد کلاس شدم. کمی از آن شلوغی و هیاهو کاسته شد. با آرامش و خونسردی تقریباً کلاس را ساکت کردم. خانم معلم وارد کلاس شد. با وی سلام و احوالپرسی کردم و روز معلم را تبریک گفتم. سپس خانم معلم از یکی از دانش‌آموزان خواست تا دعای فرج را از حفظ بخواند. دانش‌آموز که دعا را خواند و پس از فرستادن صلوات توسط دانش‌آموزان، خانم معلم چند تمرین برای مرور درس جمع، تفریق و مقایسه‌ی اعداد اعشاری روی تخته نوشت و چند دقیقه‌ای به آن‌ها فرصت داد تا آن‌ها در دفترهایشان بنویسند و حل کنند و پس از آن از یکی از دانش‌آموزان خواست تا به پای تخته بیاید و تمرین‌ها را حل کند.

تمرین‌ها با همکاری و مشارکت دانش‌آموزان کلاس حل شد. برخی مسائل برای برخی دانش‌آموزان غیرقابل فهم بودند در حالی که برخی آن‌ها را بسیار ساده می‌دانستند.

تا هنگام خوردن زنگ تمرین ریاضی ادامه داشت و با به صدا در آمدن زنگ دانش‌آموزان کلاس را به قصد حیاط مدرسه ترک کردند. من نیز از خانم معلم جدا شدم و به حیاط مدرسه، به کنار بقیه‌ی کارورزان رفتم.

اجرای چهارمین فعالیت یادگیری

وقتی دوباره صدای زنگ مدرسه پیچید به کلاس بازگشتم.

بالاخره زنگی را که منتظرش بودم رسید. وارد کلاس شدم. منتظر ورود خانم معلم بودم. کلاس تقریباً تحت اختیارم بود. کنار دانش‌آموز "م" رفتم و جويا شدم که آیا کتابی را که به او داده‌ام خوانده‌است یا خیر؟ کتاب را از کیفش بیرون آورد و پاسخ مثبت داد.

خانم معلم وارد کلاس شد. جلو رفتم. انگار او هم منتظر بود تا ببیند نتیجه چه می‌شود؟ به آن هدفی که می‌خواستیم می‌رسیم یا نه؟ به دانش‌آموزان کلاس گفتم که کلمات آخر کتاب فارسی را که با حروف "ث"، "ج"، "چ"، "ح" و "خ" شروع می‌شوند را دفتر با معنی بنویسند. درواقع کمی وقت خرید تا ببینیم که دانش‌آموز موردنظر واقعاً تمرین کرده‌است یا خیر؟ و اگر پیشرفتی نکرده‌است با اجبار وی به خواندن از روی کتاب در جلوی کلاس موجب سرشکستگی او در مقابل سایر دانش‌آموزان نشویم.

دانش‌آموز را صدا زدم و از او خواستم تا به کنار من و خانم خالقی بیاید و کتاب قصه را نیز با خود بیاورد. دانش‌آموز موردنظر به کنار ما آمد و کتاب را روی میز گذاشت و باز کرد. خانم معلم به او گفت که از روی متن بخواند. و او شروع کرد به خواندن ...

کمی گیر داشت اما نسبت به وضعیت قبل پیشرفت باورنکردنی کرده بود. آن لحظه و حس و حالی که داشتم غیر قابل توصیف است. انگار روی زمین نبودم. در واقع از خوشحالی بال درآورده بودم. چیزی نمانده بود که اشک شوق بریزم. شاید به این دلیل ذوق زده شده بودم که این پیروزی جزء اولین و شاید یکی از ماندگارترین موفقیت‌های شغلی‌ام است.

یکبار دیگر خواستم که که از روی قصه برایم بخواند و باز هم نتیجه‌ای بهتر دربرداشت. از روی صندلی بلند شدم و در جلوی کلاس ایستادم و از دانش‌آموزان خواستم که توجه کنند که یکی از دوستانشان می‌خواهد از روی داستانی برایشان بخواند. وقتی کلاس فهمید که م.ج. می‌خواهد از روی قصه بخواند کمی صدای اعتراض در کلاس پیچید ...

-آقا این که بلد نیست بخونه.

-آقا من پیام بخونم؟

-چرا "م" بخواند؟

منی‌دانم حسادت بود یا اینکه او را دست کم می‌گرفتند. اما با کمی اخم و جدیت رو به کلاس گفتم: «همکلاسیان تمرین کرده و به خوبی از عهده‌ی این کار بر می‌آید. پس ساکت بنشینید و با دقت گوش کنید که شاید در آخر از یکی از شما بخواهم که هر چه از قصه فهمیده‌اید برای همکلاسی‌هایتان توضیح دهید.» و از دانش‌آموز خواستم که شروع کند از روی کتاب بخواند. ابتدا عنوان روی جلد را خواند و سپس کتاب را باز کرد و شروع کرد از روی متن خواندن. من نیز در کنار او با ژستی دوستانه ایستاده بودم تا اگر جایی گیر کرد به او کمک کنم. این پیشنهاد خانم خالقی بود. در تمام مدت کنار او ایستاده بودم و فقط روی چند کلمه گیر کرد که به آرامی به او کمک می‌رساندم.

وقتی داستان تمام شد با تشویق کردن او از بقیه‌ی کلاس هم خواستم که او را تشویق کنند و جایزه‌ای را که از قبل برای او تدارک دیده بودم در جلوی کلاس به او دادم و دستم را روی شانه‌اش گذاشتم و رو به دانش‌آموزان کلاس گفتم: «همگی دیدیم که همکلاسیان با تلاش، پشتکار و تمرین توانست به راحتی از روی قصه بخواند. پس به هر جایی بخواهید برسید باید تلاش و پشتکار داشته باشید و به تمرین کردن بپردازید.» برای بار دوم کلاس او را تشویق کردند و او هم به طرف صندلی‌اش رفت و روی آن نشست.

در همین حین زنگ تفریح به صدا درآمد و دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند. من نیز به همراه خانم خالقی از کلاس خارج شدیم. از خانم معلم تشکر کردم که چنین فرصتی را در اختیارم قرار دادند تا

بتوانم کارم را انجام دهم. خانم معلم نیز از این رخداد خوشحال بود و تشکر کرد که با پشتکار این کار را پیگیری کرده‌ام و در راهرو از هم خداحافظی کردیم و مدرسه را به مقصد دانشگاه ترک کردم.

آخرین روز کارورزی

طبق روال معمول؛ آماده‌ی رفتن شدم

صبح روز دوشنبه، بیستمین روز از دومین ماه سال یکهزار و سیصد و نود و پنج بود که با موسیقی ملایمی که برای زنگ آلازم گوش‌ام گذاشته بودم از خواب بیدار شدم. دست و صورتم را شستم و به سلف رفتم و صبحانه‌ای خوردم و به اتاق برگشتم، لباس‌هایم را عوض کردم و وسایلم را برداشتم تا به مدرسه بروم.

مسیر دانشگاه تا مدرسه

به در دانشگاه که رسیدم دو نفر از بچه‌های گروه جلوی در ایستاده بودند و با رسیدن نفر چهارم سوار تاکسی شدیم و به طرف مدرسه حرکت کردیم. باز هم مشکل یکطرفه بودن و مسدود بودن بعضی مسیرها و خیابان‌ها وجود داشت که این اضطراب را ایجاد می‌کرد که دیرتر به مدرسه برسیم. از کوچه و پس کوچه‌ها و بعضاً از خیابان‌ها می‌گذشتیم تا به مدرسه رسیدیم و جلوی در مدرسه از تاکسی پیاده شدیم و وارد مدرسه شدیم.

در حیاط مدرسه

در گوشه‌ای ایستادیم تا بقیه هم برسند. در این مدت نظاره‌گر آمدن دانش‌آموزان و بازی کردن‌هایشان بودیم. کیف‌هایشان را خطوط صبحگاه گذاشته بودند. زنگ به صدا درآمد. دانش‌آموزان کیف‌هایشان را برداشتند و وارد سالن آموزشی شدند. ما نیز بعد از آن‌ها وارد راهروی ساختمان آموزشی شدیم و از آنجا وارد کلاس‌ها شدیم.

زنگ اول در کلاس آقای اسماعیلی

در کلاس مشغول ساکت کردن دانش‌آموزان بودم و در کلاس باز بود. آقای قلعه‌خانی که در حال رد شدن از جلوی کلاس بود، با دیدن من جلو آمد و از من خواست که به کلاس چهارم ۴ که در مجاورت همین کلاس قرار دارد بروم چون معلمشان امروز کمی دیرتر به مدرسه می‌آید. قبول کردم اما گفتم که ابتدا باید با خانم خالقی هماهنگ کنم. سپس آقای قلعه‌خانی به مسیرش ادامه داد و من نیز به داخل کلاس بازگشتم و در را بستم. دیری نپایید که خانم معلم وارد کلاس شد و به او گفتم: «امروز آقای اسماعیلی دیرتر می‌آید و آقای قلعه‌خانی از من خواسته‌اند تا آمدن او کلاسش را اداره کنم. اگر مشکلی نباشد این زنگ را به کلاس او بروم؟» خانم معلم موافقت کرد و کیفم را برداشتم و به کلاس چهارم ۴ رفتم.

به آرامی در را باز کردم و سعی داشتم با همان نگاه‌های اول کلاس را محک بزنم. وارد کلاس شدم. دانش‌آموزان بلند شدند و صلوات فرستادند و با اشاره‌ی من روی نیمکت نشستند.

ابعاد کلاس همانند کلاس چهارم ۲ بود اما در کلاس سه ردیف نیمکت قرار داشت که ۳۲ نفر دانش آموز این کلاس بر روی آن‌ها می‌نشستند. کلاس تقریباً آرام و ساکتی بودند. باید در این زنگ آن‌ها را سرگرم می‌کردم. پس در جلوی کلاس ایستادم و پس از سلام کردن به آن‌ها گفتم که معلمشان امروز کمی دیرتر می‌آید. سپس تصمیم گرفتم که داستانی برایشان تعریف کنم. قصد داشتم داستان حضرت موسی (ع) را برایشان تعریف کنم. دلیل این انتخاب این بود که درس دوم کتاب هدیه‌های آسمان با عنوان "کودکی بر نیل" در مورد حضرت موسی (ع) هست.

ابتدا از حضرت ابراهیم (ع) شروع کردم و با ربط دادن داستان حضرت یوسف (ع) که فیلم آن از تلویزیون پخش شده بود به داستان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) توجه بیشتری را جلب کردم. در خلال داستان از کلیپ‌های مرتبط که قبلاً آن‌ها در لپ‌تاپ داشتم باعث رغبت و توجه بیشتر دانش‌آموزان می‌شد، استفاده کردم. داستان تقریباً همراه با خوردن زنگ تفریح پایان یافت و دانش‌آموزان با اجازه گرفتن از کلاس خارج شدند. من نیز پس از آن‌ها از کلاس خارج شدم.

در راهرو دانش‌آموزان کلاس خانم خالقی به سمت من می‌آمدند و دلیل اینکه چرا سر کلاسشان نرفته‌ام را می‌پرسیدند. از جهتی دانش‌آموزان کلاس آقای اسماعیلی‌نژاد کنار من می‌آمدند و می‌خواستند که زنگ بعد هم سر کلاسشان بروم. راستش این همه محبوبیت، احساس غروری را در من به وجود می‌آورد.

دومین زنگ در کلاس چهارم ۴

با خوردن زنگ پیش آقای قلعه‌خانی رفتم و پرسیدم که آقای اسماعیلی می‌آید یا خیر؟ که اگر نمی‌آید دوباره به سر کلاس ایشان بروم. آقای قلعه‌خانی گفتند که تا آمدن آقای اسماعیلی در همین کلاس بمانم. من نیز پذیرفتم و دوباره به کلاس چهارم ۴ رفتم. با ورودم به کلاس به راحتی می‌شد شادی دانش‌آموزان را فهمید. یکی از دانش‌آموزان گفت که زنگ بعد امتحان هدیه‌های آسمان دارند. پس از دانش‌آموزان خواستم که کتاب‌های هدیه‌های آسمان را باز کنند و شروع به مطالعه کنند. خودم نیز در جلوی کلاس روی صندلی نشستم و به سؤالاتی که برای بعضی از دانش‌آموزان وجود داشت جواب می‌دادم. تقریباً تا آخر زنگ، کلاس تحت اختیارم بود و با خوردن زنگ از کلاس خارج شدم.

زنگ سوم در کلاس خانم خالقی

زنگ که خورد به کلاس چهارم ۲ برگشتم. دانش‌آموزان از بازگشتم تقریباً خوشحال شده بودند. این را از رفتارشان می‌شد فهمید. چند دقیقه‌ای گذشت و خانم معلم وارد کلاس شد. پس از سلام و علیکی مجدد خانم معلم گفت که کتاب آموزش قرآن تمام شده است. پس پیش قدم شدم و درخواست کردم که

اگر ممکن باشد در این زنگ داستانی قرآنی را برای کلاس تعریف کنم. خانم معلم با کمال میل قبول کرد.

جلوی کلاس رفتم و روی سکو ایستادم و مانند کلاس قبل داستان را شروع کردم. دانش‌آموزان هم همکاری می‌کردند. هنگام پخش فیلم‌ها و کلیپ‌ها برخی از آن‌ها صحبت می‌کردند که موجب به هم خوردن نظم کلاس می‌شد اما در کل جوّ رضایت‌بخش حاکم بود. زنگ خورد و دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند. خانم معلم کمی زودتر از من از کلاس خارج شد و من هم بعد از جمع کردن وسایل از کلاس خارج شدم.

آخرین زنگ در مدرسه‌ی سلمان فارسی

پیچیدن دوباره‌ی صدای زنگ باعث شد تا دوباره به کلاس بازگردم. فارسی داشتند. تا آمدن خانم معلم به آن‌ها گفتم که کتاب‌هایشان را باز کنند. خانم معلم وارد کلاس شد و با ماژیک بر روی تخته نوشت که از صفحه‌ی ۸۰ تا پایان کتاب کلمات مشکل از نظر املائی را بیابند و در دفترهایشان بنویسند. همچنین خانم خالقی تأکید کرد که هر کس به صورت انفرادی برای خودش بنویسد تا کاملاً با شکل کلمات آشنا شوند.

صندلی‌ام را برداشتم و کنار میز معلم گذاشتم و کمی درمورد معلمی و فعالیت‌های این یک سال با هم صحبت کردیم. سپس این نکته را متذکر شدم که این آخرین جلسه‌ی کارورزی است که مزاحم کلاس ایشان می‌شوم. خانم خالقی با احترام خاصی ابراز ناراحتی کردند که دیگر نمی‌توانم در کنارشان باشم. من نیز به تشکر کردن از وی پرداختم؛ زیرا ایشان با در اختیار گذاشتن ساعات با ارزش کلاسشان به بنده نهایت همکاری و همیاری را با من داشتند.

زنگ تفریح به صدا درآمد. دانش‌آموزان قصد کردند که از کلاس خارج شوند که در جلوی کلاس رفتم و از آن‌ها خواستم که چند دقیقه‌ای بنشینند تا موضوعی را به اطلاعشان برسانم. همه ساکت و منتظر بودند که ببینند چه می‌خواهم به آن‌ها بگویم.

"خوب بچه‌ها امروز آخرین روزی است که من سر کلاستان می‌آمدم و ممکن است دیگر به سر کلاس شما نیایم." صدای اعتراض دانش‌آموزان بلند شد ...

- آقا چرا؟

- اتفاقی افتاده؟ چرا نمی‌خواین بیاین؟

- آقا یعنی دیگه نمیاین؟ و...

واقعاً جدا شدن از چنین دانش‌آموزان دوست داشتنی برایم سخت بود. با دست اشاره کردم که ساکت باشند و ادامه دادم: «در این یک‌سالی که کنارتان بودم نشان دادید که دانش‌آموزان با ادب و باهوشی هستید. من هم دلم برای شما تنگ می‌شود. امیدوارم که در آینده باز هم همدیگر را ببینیم. آرزوی خوشبختی و موفقیت برای تک تک شماها دارم. اگر در این مدت کاری کردم که ناراحت شدید مرا ببخشید. خداحافظ!»

کیفم را برداشتم و به دفتر مدرسه رفتم و برگه‌ی حضور غیاب را تحویل خانم رنجبر دادم و از او و سایر افراد حاضر در دفتر مدرسه خداحافظی کردم و از دفتر مدرسه خارج شدم. جلوی درب ورودی ساختمان آموزشی آقای قلعه‌خانی را دیدم که مشغول صحبت کردن با آقای همدانی بودند. به کنار آنها رفتم و از آنها نیز خداحافظی کردم. با قدم‌هایی آرام و شمرده حیاط مدرسه را طی می‌کردم. بعضی دانش‌آموزان کنارم می‌آمدند و خداحافظی می‌کردند. من هم از عمد آرام‌تر گام برمی‌داشتم تا دیرتر به در مدرسه برسم. می‌خواستم بیشتر در آن فضا باشم.

در نزدیکی در مدرسه از بچه‌های کلاس جداشدم و با خداحافظی از نگهبان مدرسه از مدرسه خارج شدم و مدرسه‌ی هیئت امنایی سلمان فارسی را به قصد دانشگاه خواجه‌نصیرالدین توسی ترک کردم.

طراحی فعالیت های یادگیری

طراحی فعالیت های یادگیری

مقدمه

فعالیت های یادگیری، فرصت هایی برای کسب تجربیات مستقیم، ارزیابی و بازاندیشی درباره یادگیری است. انواع فعالیت های یادگیری که می توان به آن اشاره کرد، عبارتند از: درگیری تحصیلی، مرور مباحث، سنجش آموخته ها، یادگیری مشارکتی، مهارت های تفکر، طراحی تکلیف، رفع بدفهمی، رفع عقب ماندگی تحصیلی، و ارزیابی از آموخته های دانش آموزان.

در طراحی، اجرا و ارزیابی فعالیت های یادگیری این نکته مهم است که دانشجویان کارورزی با این حقیقت روبرو شوند که بسیاری از مسائل تعلیم و تربیت، پیچیده و به هم پیوسته و وابسته به زمینه اند. از این رو فرصت های یادگیری تدارک دیده شده در کارورزی ۲، به دنبال آن است تا دانشجویان را در معرض دانش کاربردی که ترکیبی از انواع مختلف دانش بیانی، رویه ای، موقعیتی، فراشناختی است قرار دهد. آنچه مهم است این است که دانشجویان در فعالیت های یادگیری انتخاب شده، درگیر شوند و در صورت لزوم مسائل مختلف آموزشی را از ابعاد مختلف و زوایای گوناگون ببینند و در تمرین معلمی، ملزم شوند برای انجام هر فعالیت یادگیری، به تدوین برنامه، مشخص کردن نحوه اجرای آن فعالیت و نیز ارزیابی آن بپردازند و با بازاندیشی درباره فعالیت یادگیری، علت موفقیت و یا عدم موفقیت خود را بیابند و در صورت نیاز مجدداً به تدوین، اجرا و ارزیابی برنامه بپردازند.

فعالیت های یادگیری سه نوع هستند:

- ۱) فعالیت های فردی (کارکردن روی یک فرد یا نمونه)
- ۲) فعالیت های یادگیری در گروه های کوچک
- ۳) فعالیت های یادگیری گروهی که برای کل کلاس انجام می گیرد.

مرور بحث

(فعالیت شماره ۱)

فعالیت شماره ۱ : مرور مبحث

نوع فعالیت : مرور مباحث

موضوع : بی مهره ها (درس یازدهم - کتاب علوم چهارم دبستان)

مقطع آموزشی : چهارم دبستان

عنوان فعالیت : مرور درس بی مهره ها

تاریخ اجرای فعالیت : ۱۳۹۵/۰۱/۲۳

امضای معلم راهنما

پیامد	پس از پایان این درس دانش آموزان باید بتوانند : جانوران گروه های اصلی جانوران بی مهره، برخی ویژگی های ساختاری و زندگی آن ها را شناسایی و بر اساس ویژگی ها جانوران را طبقه بندی کنند و راه های حفظ این جانوران را پیشنهاد دهند.
مراحل (گام ها)	گام اول : تهیه یک موضوع یا متنی که قبلاً آموزش داده شده است.
	گام دوم : تعیین نکات مهم و غیر مهم
	گام سوم : استفاده از محتواهای آموزشی (فیلم، عکس و ...) برای تفهیم نکات مهم
	گام چهارم : خلاصه نویسی (به صورت نقشه مفهومی در نظر گرفته شده است).
	گام پنجم : بسط و گسترش (توضیح درس با استفاده از روش سخنرانی)
مواد و منابع	۱. کتاب درسی "علوم تجربی" پایه ی چهارم دبستان
	۲. ویدئوپرژکتور و رایانه
	۳. تصاویر و فیلم های آموزشی و برای ایجاد انگیزه
	۴. کتاب راهنمای تدریس علوم چهارم دبستان
	۵. کتاب مبانی آموزش علوم تجربی
روش بازخورد دادن	۱- آیا دانش آموزان نکات مهم را از نکات غیر مهم تشخیص می دهد ؟
	۲- آیا دانش آموزان نقشه ی مفهومی درس را درک کرده اند ؟

سنجش آموخته ها	در پایان با برگزاری امتحانی یا پرسش چند سؤال از دانش آموزان، از آموخته های آن ها سنجیده می شود.
بازخورد	۱. زمان همان طور که قبلاً پیش بینی شده بود پیش رفت. ۲. برخی دانش آموزان در دادن پاسخ عجله می کردند. ۳. یادگیری دانش آموزان به طور مطلوب پیش رفت و نتیجه راضی کننده بود.

توضیح جدول :

مرور، راهبرد شناختی است که به کمک آن، پیوند و ترکیب اطلاعات قبلی با اطلاعات جدید و ذخیره سازی آن ها برای به خاطر سپردن، انجام می گیرد.

پیامدها :

پیامدهای یادگیری همان اهداف یادگیری هستند اما با هدف های رفتاری متفاوت اند. که ما در آموزش های کلاسی رسیدن به هدف های رفتاری است اما اما فعالیت های آموزشی دارای هدف های پنهانی می باشند که فقط از طریق پیامد یادگیری می توان به آن دست یافت. پیامدها جنبه ی خروجی و تولیدی دارند.

فرمول پیامد این است که دانش آموز به واسطه ی آنچه که می داند قادر به انجام چه کاری خواهد بود ؟

هدف کلی در آموزش این درس آشنایی دانش آموزان با جانوران بی مهره می باشد.

اما اهداف جزئی تری که انتظار داریم با آموزش این مبحث به آن دست یافته باشیم، موارد زیر هستند:

اهداف جزئی (دانشی) :

- ۱- انواع جانوران مهره دار را نام ببرید .
- ۲- جانوران بی مهره را تعریف کنید .
- ۳- انواع بند پایان را تشخیص دهد و برای هر یک مثالی بزند .
- ۴- فایده ها و زیان های حشرات را بیان کنید .

۵- دوره ی زندگی کرم کدو را شرح دهد .

اهداف مهارتی :

- ۶- بتوانند جانوران مهره دار را از جانوران بی مهره تشخیص دهند
- ۷- بتوانند با مشاهده کرم درون باغچه ویژگی های ظاهری آن را بیان کنند.
- ۸- بتوانند بندپایان را از نظر خصوصیات ظاهری مقایسه کنند.
- ۹- بتوانند درباره زندگی اجتماعی حشرات مثل مورچه اطلاعات جمع آوری کنند .

اهداف نگرشی:

- ۱۰- به هنگام بیرون آمدن از توالت دستهای خود را با آب و صابون بشوید.
- ۱۱- نسبت به حفظ سلامت خود و مبتلا شدن به بیماری انگلی حساس شوند.
- ۱۲- به ویژگی های محیط زندگی اطراف خود علاقه و توجه نشان دهند .

گام ها :

مراحلی که در این فعالیت در نظر گرفته شده است به صورت زیر است که هرکدام جداگانه شرح داده می شوند :

✓ گام اول : تهیه یک موضوع یا متنی که قبلاً آموزش داده شده است.

در این گام از فعالیت یادگیری با همکاری و مشورت خانم خالقی، معلم کلاس، درس یازدهم از کتاب علوم تجربی تحت عنوان " بی مهره ها " انتخاب شد تا فعالیت یادگیری «مرور مباحث» پیرامون آن برنامه ریزی و اجرا شود.

✓ گام دوم : تعیین نکات مهم و غیر مهم.

نکات مهم و ضروری که باید بعد از آموزش و مرور مجدد این درس دانش آموزان به آن دست یافته باشند به صورت زیر هستند :

- بی مهره ها جانورانی بدون ستون مهره هستند.
- بی مهره ها گروه هایی گوناگون دارند.
- حشرات، عنکبوتیان، سخت پوستان و هزارپاها گروه بندپایان را تشکیل می دهند.
- بندپایان پوست اندازی می کنند.

➤ برخی از بی مهره ها در آب زندگی می کنند.

➤ برخی بی مهره ها برای ما مشکل سازند.

➤ ما باید از جانوران حفاظت کنیم.

بیشتر جانوران مثل کرم ها، حشرات و ستاره ی دریایی ستون مهره ها ندارند. اما بدن همه ی جانوران بی مهره نرم نیست. برخی از بی مهره ها پوسته ی سخت آهکی دارند. بی مهره ها به شش گروه طبقه بندی می شوند :

۱. **اسفنج ها :** این جانوران آبی و بدون حرکت اند و ظاهری گیاه مانند دارند. اسکلت این جانوران از موادی مانند سیلیس و آهک ساخته شده است. سطح بدن آن ها سوراخ های زیادی دارد که آب از طریق آن ها به حفره ی داخلی بدن وارد و از یک سوراخ که در رأس بدن قرار دارد خارج می شود. از اسکلت نرم اسفنج ها در حمام برای شستشوی بدن استفاده می شود.

۲. **کیسه تنان :** شقایق دریایی، عروس دریایی و مرجان ها از گروه کیسه تنان هستند. بدن این جانوران ساختاری کیسه مانند دارد.

۳. **کرم ها :** کرم ها بدنی نرم و بدون اسکلت دارند. بسیاری از آن ها انگل اند و به صورت بادکش یا قلاب به بدن میزبان می چسبند. کرم ها به سه گروه پهن، حلقوی و لوله ای تقسیم می شوند. کرم خاکی و زالو از گروه کرم های حلقوی اند. کرم خاکی در خاک های مرطوب و حاصلخیز زندگی می کند و شب ها از سوراخ خود خارج می شود.

۴. **نرم تنان :** بدن این جانوران از سر، پا و توده ی احشایی تشکیل شده است. در توده ی احشایی اندام های گوارش، گردش خون و تنفس جانور قرار دارند. حلزون باغ، صدف مروارید، هشت پا و لیسه (حلزون بدون صدف) نرم تن هستند.

۵. **خارپوستان :** نام گذاری این دسته از بی مهره ها به دلیل داشتن پوسته ی سخت، آهکی و خاردار است. ستاره ی دریایی، لاله ی دریایی، خیار دریایی و توتیا در این گروه قرار می گیرند.

۶. **بندپایان :** این جانوران اسکلت خارجی دارند که از بدن آن ها محافظت می کند ولی جلوی رشد آن ها را می گیرد. بنابراین بندپایان در فاصله ی زمانی معین پوست اندازی می کنند. بندپایان، همانطور که از اسمشان پیداست پاهای بند بند دارند که به حرکت سریع آن ها کمک می کنند. بندپایان به چهار گروه تقسیم می شوند :

الف. عنکبوتیان : بند این جانوران دو قسمتی است. عقب و جانوران شبیه آن ها را در گروه عنکبوتیان طبقه بندی می کنند. کنه ها و مورچه ها در این طبقه بندی جای می گیرند.

ب. **سخت پوستان** : بدن سخت پوستان از سر، سینه و شکم و هر کدام از آنها از چند قطعه تشکیل شده است. این جانوران دو جفت شاخک دارند و سطح بدنشان را پوششی دارای مواد آهکی می پوشانند. انواع خرچنگ پهن و دراز، میگو و خرچاک در این گروه قرار دارند.

ج. **هزارپاها** : بدن هزارپا از دو بخش سر و تنه تشکیل شده است. در بیشتر قطعات بدن این جانوران دو جفت زائده وجود دارد.

د. **حشرات** : حشرات بدنی سه قسمتی شامل سر، سینه و شکم دارند. زائده ها (پا، گیره) بیشتر روی سر و سینه قرار دارند. اسکلت خارجی سخت و محافظ آنها از تبخیر آب بدنشان جلوگیری می کند.

✓ گام سوم : استفاده از محتوای آموزشی (فیلم، عکس و ...) برای تفهیم نکات مهم

محتوای مورد نظر شامل فیلم، عکس و اسلایدهای نمایشی می باشند که به کمک ویدئوپرژکتور ارائه می شوند.

ابزار و رسانه های آموزشی و کمک آموزشی یکی از لوازم فرآیند یادگیری است و بر عمق و وسعت یادگیری می افزاید و به توانایی دانش آموزان ارتقا می بخشد. استفاده از رسانه ها، بی تردید امروزه یکی از کاربردی ترین و موثرترین ابزار در امر یادگیری و تسهیل آن به شمار می رود.

رسانه آموزشی ترجمه Media Instruction است که در لغت به واسطه، وسیله، ماده وسط، رابط دو چیز، حد فاصل و بالاخره وسیله نقل و انتقال تعریف شده است. تمام این معانی با آنچه اصطلاحاً رسانه آموزشی نامیده می شود مطابقت دارد. رسانه آموزشی ابزاری برای آرایه آموزش به فراگیر و طبیعتاً جزیی از فریند آموزش و تکنولوژی است، نه تمام آن.

علت دیگر استفاده از وسایل کمک آموزشی نقشی است که حواس مختلف در یادگیری دارا هستند. حواس مختلف نقش واحدی در یادگیری دارا نیستند.

۷۵٪ یادگیری از طریق کاربرد حس بینایی صورت می گیرد.

۱۳٪ یادگیری از طریق کاربرد حس شنوایی صورت می گیرد.

۶٪ یادگیری از طریق کاربرد حس لامسه صورت می گیرد.

۳٪ یادگیری از طریق کاربرد حس بویایی صورت می گیرد.

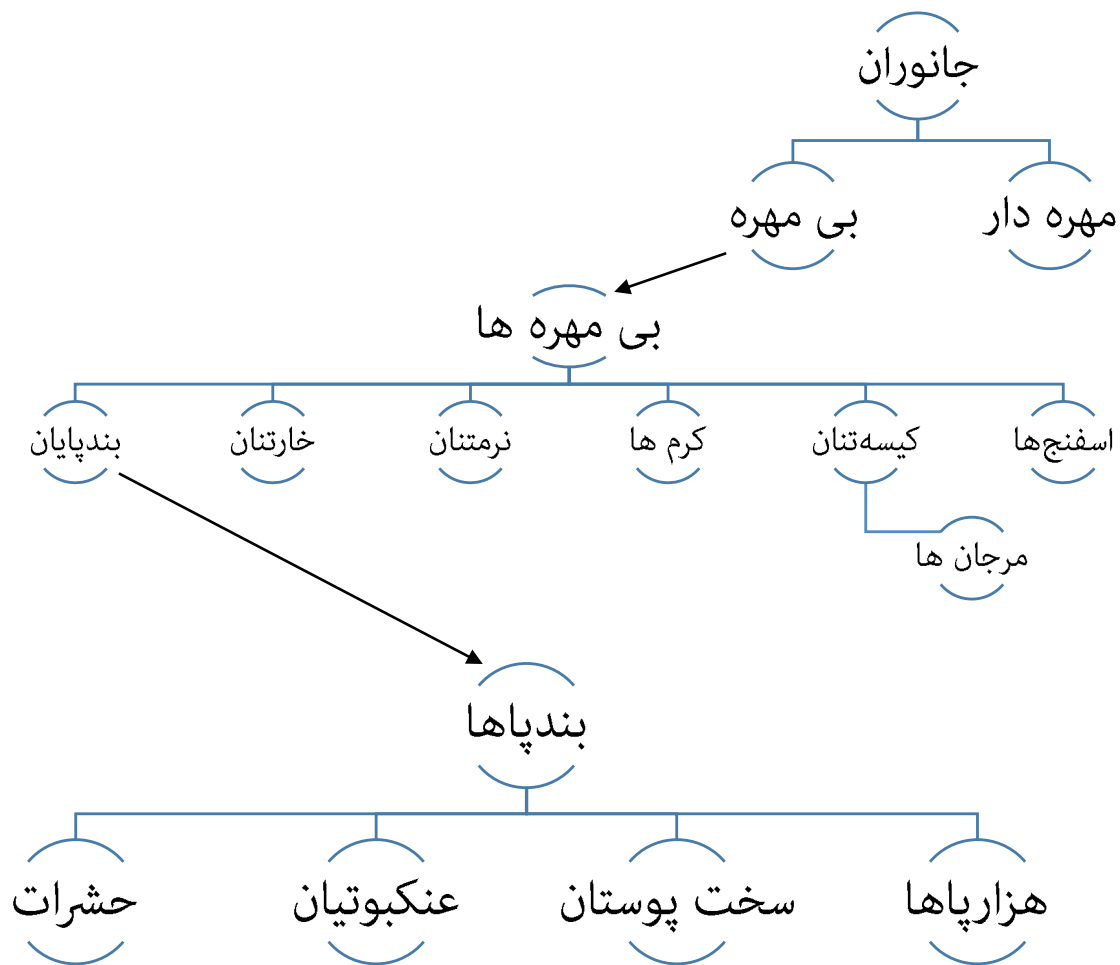
۳٪ یادگیری از طریق کاربرد حس چشایی صورت می گیرد.

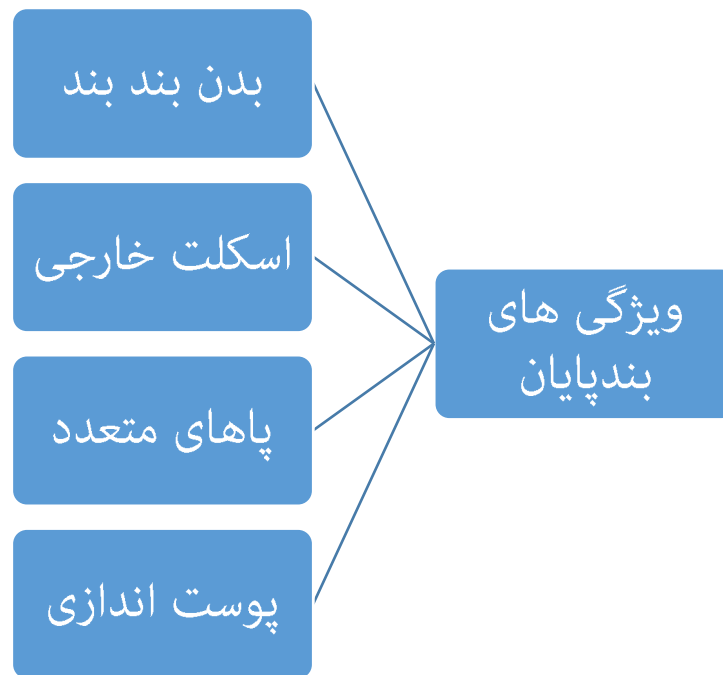
قسمت اعظم یادگیری در انسان از طریق حس بینایی است.

✓ گام چهارم : خلاصه نویسی (به صورت نقشه مفهومی در نظر گرفته شده است).

در این مرحله از فعالیت یادگیری خلاصه ای از درس پس دادن توضیحات لازم و ارائه ای محتواهای دیداری و شنیداری مناسب، خلاصه ای درس به صورت نقشه مفهومی به کلاس ارائه می شود.

نقشه مفهومی درس به صورت زیر است :





✓ گام پنجم : بسط و گسترش (توضیح درس با استفاده از روش سخنرانی)

در این مرحله به توضیح . تفسیر تصاویر، نمودارها و ... می پردازیم. در حقیقت در مرحله از روش سخنرانی استفاده می شود.

این روش که سابقه ای طولانی در نظامهای آموزشی دارد به ارائه مفاهیم به طور شفاهی از طرف معلم و یادگیری آنها از طریق گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف شاگرد می پردازد. در این روش یک نوع یادگیری و رابطه ذهنی بین معلم و شاگرد ایجاد می شود.

محاسن روش سخنرانی به قرار زیر هستند :

روش سخنرانی، مختص کلاسهای پرجمعیت است. روش بسیار ارزانی است. این روش می تواند تا حد زیادی با برنامه معلم تطبیق یابد. با توجه به موقعیتهای زمانی و مکانی و مجموعه تجهیزات، روش سخنرانی بسیار انعطاف پذیر است موقعیت سخنرانی ممکن است سبب تقویت اجتماعی، ذوق زیبایی، علاقه، اعتماد به نفس و کاهش احساس تنهایی شود.

مواد و منابع :

وسایل مورد نیاز که در این فعالیت مورد استفاده قرار می گیرد در زیر آورده شده اند.

۱. کتاب درسی "علوم تجربی" پایه ی چهارم دبستان

کتاب درسی از مهم ترین و در دسترس ترین رسانه های آموزشی می باشد که نقش ارزشمندی را در نظام تعلیم و تربیت ایفا می کند. بسیاری از پژوهشگران، کتاب درسی را به عنوان یکی از رسانه های کارآمد و اثربخش آموزشی محسوب کرده اند که می تواند زمینه ی یادگیری و خودآموزی را برای فراگیران فراهم نماید.

یکی از منابعی که مهمترین منبع و وسیله ی مورد استفاده در این فعالیت کتاب درسی می باشد. تمامی دانش آموزان کلاس باید کتاب درسی خود را به همراه داشته باشند.

۲. ویدئوپرژکتور و رایانه

امروزه با پیشرفت دنیای تکنولوژی، کارها بسیار ساده و آسان شده است البته یکی از موانع راه، عدم آشنایی ما از این امکانات است که خود ایجاد مقاومت می کند.

عدم استفاده از این امکانات و روی آوردن به روش های قدیمی، دقیقاً مانند این است که برای سفر به جای استفاده از اتومبیل و قطار و هواپیما، به سراغ همان مرکب های قدیمی برویم. هم راه را طولانی کرده ایم هم از وقت استفاده بهینه نکرده ایم و هم همراهان را دچار خستگی و ملال نموده ایم.

امر تدریس هم صدا البته از این قاعده مستثنی نیست و لازم است که همه همکاران محترم به استفاده از این امکانات روی آورند.

ابزارهایی که می تواند راهگشای مشکلات ما در تدریس باشد:

۱- استفاده از کامپیوتر یا لپ تاپ: می توان موارد تجریدی و انتزاعی را به کمک رایانه به مطالب عینی تر نزدیک تر کنیم و آن مطلب را برای دانش آموزان ملموس تر کنیم.

۲- استفاده از ویدئو پروژکتور (دیتا پروژکتور) برای ارائه درس: استفاده از این وسیله کمک شایانی به ما در نمایش فیلم، کلیپ، تصویر، مطالب مهم و ... می کند.

۳. تصاویر و فیلم های آموزشی و برای ایجاد انگیزه و بیان مفاهیم

از فیلم ها و تصاویر مرتبط با مفاهیم و درس مورد نظر می توان نهایت استفاده را برد. اما این موضوع باید مد نظر باشد که باید از محتواهای متناسب و با ضرورت بالا استفاده کرد. محدودیت وقت کلاس باعث می شود که نتوان از تمامی محتواهای سمعی و بصری استفاده کرد.

فیلم ها و تصاویر مناسب می توانند برانگیزنده های مناسبی باشند تا دانش آموز ترغیب شود تا به ادامه ی درس با دقت بیشتری گوش فرا دهد.

همانطور که پیش تر گفته شد، به ترتیب ۷۵ و ۱۳ درصد یادگیری توسط حس بینایی و شنوایی صورت می گیرد. این بدین معناست که استفاده از فیلم، کلیپ و تصاویر می تواند یادگیری را چند برابر بالا ببرد.

۴. کتاب راهنمای تدریس علوم چهارم دبستان

در برنامه ریزی برای اجرای این فعالیت لازم دانسته شد تا از کتاب "راهنمای معلم علوم چهارم دبستان" استفاده شود. کتاب های راهنمای معلم به خصوص کتاب های مربوط به علوم تجربی شامل جهت گیری های کلی برنامه ی درسی، اهداف و پیامدهای هر مبحث و درس؛ که انتظار می رود معلم با تدریس کتاب در رسیدن به آنها نظام آموزشی را یاری دهد، اهمیت آموزش درس مورد نظر و همچنین مفاهیم و نکاتی که لازم است تا معلم از آنها اطلاع داشته باشد را به ارائه می دهد.

۵. کتاب مبانی آموزش علوم تجربی

در این کتاب نیز در مورد اهداف، الگوهای تدریس، روش های مناسب تدریس و محاسن و معایب هر یک را توضیح می دهد تا معلم با استمداد از آنها بهترین و مناسب ترین روش تدریس را با توجه به تعداد دانش آموزان، ویژگی های فردی آنها، شرایط محیطی و ... برگزیند و در کلاس درس اجرا کند.

روش بازخورد دادن

برای بازخورد دادن به فعالیت باید اطمینان حاصل کنیم که پاسخ به دو پرسش زیر مثبت است :

۱- آیا دانش آموزان نکات مهم را از نکات غیر مهم تشخیص می دهد ؟

۲- آیا دانش آموزان نقشه ی مفهومی درس را درک کرده اند ؟

که با طرح کردن چند پرسش می توان به پاسخ سؤالات فوق دست پیدا کرد. در واقع یک تیر و دو نشان است. به این معنی که با پرسیدن چند پرسش مناسب هم از آموخته ها سنجش به عمل می آوریم و هم بازخوردی از فعالیت به دست می آید.

برای مثال می توان سؤالاتی نظیر سؤالات زیر از دانش آموزان پرسید :

سؤالات مربوط به درس جانوران بی مهره

سؤالات تکمیلی

۱. فراوان ترین گروه بند پایان است .
۲. از بی مهر هایی که در خشکی زندگی می کنند ، کرم ها و هستند .
۳. همه ی حشرات دارای پا و همه ی عنکبوت ها دارای پا هستند .
۴. عروس دریایی یک جانور بی مهره از گروه می باشد .
۵. به موجودی که غذای خود را از بدن موجود زنده ی دیگر می گیرد می گویند .
۶. کرم آسکاریس از گروه کرم های است .
۷. توتیا جزو دسته ی از بی مهرگان می باشد .
۸. کرم موجب خارش های شدیدی در انتهای لوله ی گوارش می شود .
۹. به جانورانی که اسکلت استخوانی در بدن خود ندارد می گویند .
۱۰. فراوان ترین جانوران روی زمین هستند .

سؤالات مربوط به درس جانوران بی مهره

سؤالات صحیح و غلط

جمله ی صحیح یا غلط را با علامت (×) مشخص کنید .

- | | | |
|---|---|---|
| ۱. بیش تر ، کودکان به انگل کرم کدو دچار می شوند . | ص | غ |
| ۲. همه ی عنکبوت ها سمی هستند . | ص | غ |
| ۳. کرم کدو برای کشاورزی مفید است . | ص | غ |
| ۴. کرمک از انواع کرم های لوله ای است که در انتهای لوله ی گوارش انسان زندگی می کند . | | |
| ۵. میگو در گروه خرچنگ ها قرار دارد . | ص | غ |
| ۶. کرم خاکی در باغچه ها فراوان است و در گروه کرم های پهن قرار دارد . | ص | غ |
| ۷. فراوان ترین جانوران روی زمین بند پایان هستند . | ص | غ |
| ۸. فراوان ترین جانوران روی زمین ، کرم ها هستند . | ص | غ |
| ۹. عنکبوت ها هشت پا دارند . | ص | غ |
| ۱۰. کرم خاکی برای خاک مفید نیست . | ص | غ |
| ۱۱. بدن کرم های لوله ای از قطعه های پهن درست شده است . | ص | غ |

سؤالات مربوط به درس جانوران بی مهره

سؤالات چهار گزینه ای

۱. شقایق دریایی جزء کدام گروه بی مهره می باشد ؟

الف (کیسه تنان ب (خارتنان

ج (نرم تنان د (بند پایان

۲. محل تخم ریزی کرم کدو ، در کدام قسمت از اندام های داخلی انسان است ؟

الف (کلیه ب (روده

ج (شش د (مثانه

۳. در کدام گروه زیر ، صدف و حلزون را می توان قرار داد ؟

الف (خارتنان ب (مرجان ها

ج (نرم تنان د (بند پایان

۴. کدام کرم در روده ی انسان وماهیچه ی گاوزندگی می کند ؟

الف (خاکی ب (کدو

ج (آسکاریس د (زالو

۵. بیش ترین گروه بی مهره ها در کجا زندگی میکنند ؟

الف (دریاها ب (روی درختان

ج (زیر زمین د (روی زمین

۶. فراوان ترین گروه بند پایان چه نام دارند ؟

الف (هزار پاها ب (حشرات

ج (خرچنگ ها د (عنکبوت ها

۷. کدام یک از جانوران زیر از دسته نرم تنان هستند ؟

الف (ستاره ی دریایی ب (حلزون

ج (مرجان د (عروس دریایی

یادگیری مشارکتی

(فعالیت شماره ۲)

فعالیت شماره ۲ : یادگیری مشارکتی



نام فعالیت : یادگیری مشارکتی مقطع آموزشی : چهارم دبستان

نوع فعالیت : گروهی (برای کل کلاس)

موضوع : زیستگاه (درس سیزدهم - کتاب علوم چهارم دبستان)

عنوان فعالیت : آموزش درس "زیستگاه" به روش یادگیری مشارکتی

تاریخ اجرای فعالیت : ۱۳۹۵/۰۱/۳۰

امضای معلم راهنما

پيامد (اهداف)	دانش آموزان بتوانند به کمک یکدیگر موجودات زنده را از غیرزنده، جانوران را از گیاهان و زنجیره ی غذایی هر جانور را طبقه بندی کنند.
گام های اجرایی	۱. دانش آموزان کلاس گروه بندی می شوند.
	۲. تصاویری از جانوران و گیاهان بر روی پرده نمایش داده می شود.
	۳. جداولی در بین گروه ها تقسیم می شود و از دانش آموزان خواسته می شود تا با توجه به تصاویر آن ها را تکمیل کنند.
	۴. از هر گروه یک نفر به صورت تصادفی انتخاب می شود تا یافته های گروه خود را به کلاس ارائه دهد.
	۵. معلم یا کارورز توضیحات لازم را به کلاس ارائه می دهد.
ارزشیابی گام ها	۱. آیا گروه بندی تصادفی است و مطابق با قواعد می باشد؟
	۲. آیا تصاویر با هم مربوط هستند و ما را در رسیدن به هدف یاری می کنند؟
	۳. آیا جدول های توزیع شده بین دانش آموزان برای آن ها قابل فهم و تکمیل می باشد؟
	۴. آیا فرد منتخب به صورت تصادفی انتخاب می شود؟ آیا فرد منتخب می تواند یافته های گروه خود را به کلاس ارائه دهد؟
مواد و منابع آموزشی مورد نیاز	✓ ویدئوپرژکتور و رایانه ✓ تصاویر مرتبط ✓ کاغذهای رنگی ✓ جدول های طبقه بندی (چاپ شده بر روی کاغذ)

روش بازخورد دادن	بهترین روش برای گرفتن بازخورد از فعالیت اجرا شده، همان سخنرانی نماینده های گروه می باشد که معلوم می کند آیا به اهدافمان رسیده ایم یا خیر؟
بازخورد	۱. وقت کم آوردم. ۲. برخی دانش آموزان خیلی هیجان زده شده بودند. ۳. برخی گروه ها جلوتر از کلاس پیش می رفتند. ۴. تصویر نمایش داده شده وضوح لازم را نداشت. ۵. دانش آموزان به وضع مطلوب از یادگیری مطالب رسیده بودند.



توضیح جدول :

تعریف یادگیری مشارکتی :

تعریف های زیادی از یادگیری مشارکتی ارائه شده است. مثال اینکه روشی از آموزش و یادگیری است که در آن دانش آموزان در گروه های کوچک کار می کنند تا به اهداف آموزشی دست یابند؛ اهدافی که عمدتاً با فعالیت های یادگیری مشخص می شود و دانش آموزان را به استدلال و مسئولیت پذیری فردی تشویق می کند (جانسون و هالوبی، ۲۰۰۳).

از نکات مهم در یادگیری مشارکتی این است که دانش آموز و معلم هر دو از آن بهره می برند و برای همه مفیدتر و بانشاطتر است. به طور خاص می توان مزایایی برای این آموزش برشمرد، به شرح زیر:

۱. **مزایای اجتماعی :** اگر به طور منظم کار کردن با دیگران را به دانش آموزان آموزش دهیم، آن دسته از مهارت های اجتماعی را که به آن ها امکان می دهد با گروه وسیعی از افراد کلاس یا خارج از کلاس به راحتی کار یا بازی کنند کسب می کنند.

۲. **مزایای تحصیلی :** از جمله مزایای تحصیلی یادگیری مشارکتی افزایش مدت زمانی است که دانش آموزان حواسشان متوجه درس یا کار گروهی است. معلمان این را که در کار گروهی دیگر مجبور نیستند دائم تک تک افراد کلاس را متوجه انجام تکالیف و وظایف خود کنند، خیلی دوست دارند. در واقع، یادگیری از طریق مشارکت باعث افزایش بحث و گفتگو می شود. وقتی دانش آموزان به طور مرتب با نظرات و عقاید مخالف خودشان مواجه می شوند، یاد می گیرند عقاید خود را واری و در صورت لزوم آن را اصلاح کنند.

۳. افزایش اعتماد به نفس : یادگیری از طریق مشارکتی در پرورش اعتماد به نفس دانش آموزان بسیار مؤثر است. وقتی دانش آموزی موفقیت های گروه و نیز حمایت از خود را در گروه تجربه می کند و اگر دانش آموزی دیگر از او سؤالی بپرسد که به مشارکت آن احتیاج دارد، خود را جزئی از فراگیرندگان باکفایتی در کلاس می بیند که قدر همکلاسی هایشان را می داند و لذا رفتارهای توأم با یأس در او کاهش می یابد (جانسون و هالوبی ۲۰۰۳).

۴. افزایش رابطه دوستانه بین معلم و دانش آموز : امتیاز دیگر یادگیری مشارکتی این است که، از نظر دانش آموزان، معلمی که از شیوه های یادگیری فعال استفاده می کند غالباً منصف تر از معلمی است که از این شیوه استفاده نمی کند و بچه ها نیز این معلم را بیشتر دوست دارند. به عبارت دیگر، چنین معلمی تنها به صحبت کردن و القای نظرات خود توجه ندارد بلکه می کوشد همه ی دانش آموزان در فعالیت های یادگیری درگیر شوند (اسکاف و همکاران ۱۳۷۷).

۵. افزایش حس مسئولیت پذیری : اگر به عنوان یک مسئول یا معلم، دانش آموزان را به همکاری و مشارکت در امر برنامه ریزی موضوعات گوناگون و جنبه های ویژه فعالیت های مورد علاقه آن ها تشویق کنیم، درمی یابیم که آنان نسبت به یادگیری مفاهیم و مطالب گوناگون درس مسئولیت بیشتری احساس می کنند. چنین دانش آموزانی نسبت به کسانی که توانایی های مشارکتی ندارند، کارهای بیشتری می توانند انجام دهند (یغما، ۱۳۷۰).

منظور از طراحی فعالیت یادگیری برای کار مشارکتی، یادگیری در قالب پژوهش گروهی به عنوان یک الگوی یاددهی یادگیری رخ می دهد و می تواند در حوزه موضوعات مختلف کاربرد داشته باشد. این الگو اهداف کاوش علمی، وفاق اجتماعی و یادگیری فرایندهای اجتماعی را با هم ترکیب می کند. فرض های زیربنایی پژوهش گروهی (کار مشارکتی) این است که این نوع فعالیت به همافزایی، یادگیری از یکدیگر، تحرک و غنای شناختی، احساسات مثبت، ایجاد احساس توجه و اعتماد به نفس و تجربه وظایفی که نیازمند همیاری است، می انجامد.

پیامدها :

پیامد اصلی که در این فعالیت دنبال می شود و انتظار داریم در پایان به آن دست یافته باشیم به شرح زیر می باشد:

" دانش آموزان بتوانند به کمک یکدیگر موجودات زنده را از غیرزنده، جانوران را از گیاهان و زنجیره ی غذایی هر جانور را طبقه بندی کنند. "

گام های اجرایی :

✓ گام اول : دانش آموزان کلاس گروه بندی می شوند.

اولین وظیفه معلم در تدریس مشارکتی گروه بندی دانش آموزان در گروه های کوچک است اما آنچه که مهم است این است که در گروه بندی دانش آموزان بایستی ، قواعدی را رعایت نمود تا حداکثر نتیجه حاصل شود وگرنه ممکن است نتوانیم از تشکیل گروه به نتایج دلخواه خود دست پیدا کنیم. اعضای تشکیل دهنده ی هرگروه از قانون علمی " آستانه تحمل" پیروی می کند. آستانه تحمل کودکان با نوجوانان و بزرگسالان کاملاً متفاوت است. کودکان آستانه تحمل کمتری نسبت به بزرگسالان دارند. زود خسته می شوند، در یک زمان واحد نمی توانند با تعداد بیشتری از افراد رابطه برقرار ساخته و آن را تا مدتی حفظ نمایند . لذا باید در گروه بندی دانش آموزان، این عوامل را مورد توجه قرار داد. یعنی تعداد اعضای هر گروه، رابطه مستقیمی با سن دانش آموزان دارد. هر چه سن دانش آموزان کمتر ، تعداد اعضای گروه نیز کمتر و هرچه سن فراگیران بالاتر، تعداد اعضای گروه نیز می تواند بیشتر باشد. بهتر است، تعداد اعضای گروه دانش آموزان دوره ی ابتدایی ۲ تا ۳ نفر، دانش آموزان دوره راهنمایی ۳ تا ۴ نفر و دانش آموزان دوره های متوسطه و بالاتر ۴ تا ۷ نفر باشد (پورشیخ، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه گفته شد تعداد اعضای گروه در این کلاس ۳ نفر می باشد. با توجه به اینکه جمعیت کل کلاس ۳۵ نفر می باشد؛ ۱۱ گروه سه نفره و ۱ گروه دو نفره باید تشکیل شود. البته لازم به ذکر است که ممکن است یک یا تعدادی از دانش آموزان غایب باشد و گروه دو نفره تشکیل نشود.

برای گروه بندی دانش آموزان از روش تصادفی زیر استفاده می شود :

در کیسه ای که داخل آن معلوم نباشد به تعداد دانش آموزان کلاس کاغذ رنگی ریخته می شود. تنوع رنگ ها به تعداد گروه ها و تعداد فراوانی هر رنگ به تعداد اعضای هر گروه (۳ نفر) می باشد. کیسه را در کلاس می گردانیم تا هر دانش آموز یک کاغذ بردارد. در پایان دانش آموزانی که کاغذ هم رنگ را برداشته اند در یک گروه جای می گیرند.

مزیت استفاده از روش فوق این است که ذوق دانش آموزان را برای انجام کار گروهی بالا می برد و همچنین اعتراضات دانش آموزان را در جابجایی بین گروه ها به حداقل ممکن کاهش می دهد.

✓ گام دوم : تصاویری از جانوران و گیاهان بر روی پرده نمایش داده می شود.

استفاده از تصویر در آموزش برای یادگیری هرچه بهتر مطالب سالهاست که مورد استفاده قرار می گیرد و تاثیر خود را در یادگیری عمیق دانش آموزان گذاشته است، استفاده از تصویر در آموزش بدین معنی است که ما درس ها را از حالت انتزاعی و شنوایی مفرط خارج کنیم و حواس بیشتری از کودکان را مورد درگیری قرار دهیم. چون کودکان در سنین عینی گرای هستند یعنی باید بک چیز را ببینند تا بتوانند درک درستی نسبت به آن داشته باشند. مسئولان آموزش باید تدابیری بیاندیشند تا از حواس پرتی کودکان جلوگیری و تمرکز حواس آنان را بر مطلب مورد نظر جلب کنند و یادگیری عمیقی در بچه ها ایجاد کنند.

استفاده از تصویر در آموزش مطالب درسی باعث می شود که از شیوه گویندگی و شنوندگی فاصله بگیریم، یعنی اینکه معلم مطالب را بیان کند و دانش آموز تنها شنونده مطلب باشد و این قضیه مهم نباشد که دانش آموز چقدر و چطور مطلب را یاد گرفته است (آقایی، ۱۳۹۰).

تصاویر باید با سؤالاتی که از دانش آموزان پرسیده می شود بیشترین قرابت را داشته باشند. و دانش آموزان بتوانند در فرصت اندکی که دارند به جواب مورد نظر برسند.

در مرحله باید به دانش آموزان فرصت کافی داده شود تصاویر را به دقت مشاهده کنند. البته لازم به ذکر است برای پررنگ تر شدن کار گروهی فرصت را کمی کاهش می دهیم تا اعضای هر تیم برای رسیدن به موفقیت همکاری بیشتری با یکدیگر بکنند.

✓ گام سوم : جداولی در بین گروه ها تقسیم می شود و از دانش آموزان خواسته می شود تا با توجه به تصاویر آن ها را تکمیل کنند.

۱. طبقه‌بندی موجودات زنده و غیرزنده :

۲. ویژگی‌های موجودات زنده :

نام گروه : نام اعضای گروه :
با مشورت با اعضای گروه خود ویژگی‌های موجودات زنده را نام ببرید.

۳. تقسیم بندی موجودات زنده به دو دسته "گیاهان" و "جانوران" :

در این بخش از دانش آموزان می خواهیم تا علاوه بر جانورانی که در طول فعالیت ها از آن ها نام برده اند، جانورانی را که در زندگی روزمره با آن ها برخورد کرده اند یا می شناسند را نام ببرند. هدف از انجام این کار این است که علاوه بر افزودن بر تعداد جانورانی که از دانش آموزان می خواهیم آن ها را تقسیم بندی کنند، درس را با زندگی دانش آموزان بیشتر مرتبط می سازیم در واقع از روش تماتیک (زمینه محور) استفاده می بیشتری می بریم.

۴. تقسیم بندی جانوران به سه دسته گیاه خوار، گوشت خوار و همه چیز خوار :

نام گروه :			نام اعضای گروه :		
در جدول زیر تعدادی از جانوران را که در تصویر می بینید و همچنین جانورانی که در اطراف محل زندگی شما مشاهده می شوند را در ستون مخصوص به خود بنویسید.					
گیاه خوار		گوشت خوار		همه چیز خوار	

این جدول ها بسیار شبیه به جدول های کتاب (صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱) هستند. اعضای هر گروه پس از مشاهده تصاویر ستون ها جدول ها را تکمیل می کنند.

۱. آموزش زمینه محور (تماتیک) : زمانی که قرار است مفهومی را به دانش آموزان آموزش دهیم، یادگیری بسیار راحت تر صورت می گیرد اگر دانش آموزان بتوانند برای آن چه آموزش داده می شود، دلیل و معنایی در محیط اطراف بیابند. هالبروک اظهار می دارد که: "آموزش می تواند درخلاً اتفاق افتد. آموزش نیازمند بافت و زمینه است تا برای آن چه به مخاطب می آموزد دلیل وجایی در زندگی روزمره وی پیدا کند. درس علوم تجربی شامل محتوا، موضوع ها و مفاهیمی است که می تواند به محیط زندگی یادگیرنده انتقال داده شود. این شیوه کار از ایده هایی که مفاهیم و موضوعات را در موقعیت های اصلی و واقعی آن ها به کار می گیرد استفاده می کند و می تواند موجب بالندگی دانش آموزان شود.

پس از تکمیل جدول شماره ۳ از یکی از دانش آموزان خواسته می شود تا متن وسط صفحه ی ۱۰۱ را با صدای بلند برای کلاس بخواند. قسمت ذکر شده به صورت زیر به توضیح جانوران گیاه خوار، گوشت خوار و همه چیز خوار می پردازد :

"به جانورانی که از گیاهان تغذیه می کنند، گیاه خوار می گویند. به جانورانی که از جانوران دیگر تغذیه می کنند، گوشت خوار می گویند. به جانورانی که هم گیاه و هم گوشت می خورند، همه چیز خوار می گویند."

پس از اطمینان از اینکه همه ی دانش آموزان مطلب را درک کرده اند از آن ها می خواهیم که تقسیم بندی خواسته شده در جدول شماره ۴ را انجام دهند.

وقتی که جدول شماره ۴ توسط تمامی گروه ها تکمیل شد از اعضای گروه ها می خواهیم که قسمت "زنجیره ی غذایی" را مطالعه کنند آن را برای سایر اعضای گروه شان توضیح دهند. پس از آن هر گروه باید یک زنجیره ی غذایی (متفاوت با زنجیره های غذایی مثال زده شده در کتاب) ارائه دهند.

سپس هر گروه بخش "شبکه ی غذایی" را از صفحه ی ۱۰۲ تا صفحه ی ۱۰۴ با کمک سایر اعضای گروه خود فرامی گیرد و با همفکری و مشورت یکدیگر یک شبکه ی غذایی مثال می زنند.

پس از آن دانش آموزان مبحث "زیستگاه" را که آخرین مبحث درس می باشد را در ابتدا برای خود مطالعه می کنند و سپس با تبادل برداشت هایشان از توضیحات ارائه شده در کتاب به مفهوم زیستگاه دست می یابند.

✓ **گام چهارم :** از هر گروه یک نفر به صورت تصادفی انتخاب می شود تا یافته های گروه خود را به کلاس ارائه دهد :

در این مرحله از یکی از دانش آموزان خواسته می شود تا هر آنچه را از فعالیت گروهی آموخته اند به کلاس توضیح دهند.

✓ **گام پنجم :** معلم یا کارورز توضیحات لازم را به کلاس ارائه می دهد.

وظیفه ی معلم و کارورز در این برهه ی زمانی اصلاح بدفهمی ها و کج فهمی هایی که ممکن است در گروه ها و دانش آموزان به وجود آمده باشد، می باشد.

ارزشیابی گام ها :

✓ گام اول : آیا گروه بندی تصادفی است و مطابق با قواعد می باشد؟

اگر می خواهید شاگردان خود را برای فردا آماده کنید، کار گروهی را به آن ها آموزش بدهید.

گروه یا تیم؟

با آوردن نام گروه بی فاصله به یاد سرگروه و در پی آن تقسیم کار و ... می افتیم. در یک کار تیمی، همه ی اعضا فکر می کنند و همه ی اعضا کار انجام می دهند. شاید مهم ترین کار در گام اول زدودن این گونه طبقه بندی ها از ذهن اعضا است. اجازه ندهید به هیچ عنوان کار در دست فرد یا افراد خاصی از گروه بچرخد. در یک کار تیمی، همه ی اعضا به یک چیز می اندیشند: گل زدن.

گوش دادن و احترام گذاشتن به نظر دیگران خیلی مهم است. هر عضو تیم باید فرصت گفتگو داشته باشد و نظر خود را با دیگران به اشتراک بگذارد. در پایان این تیم است که به تصمیم گیری یکسانی می رسد. پس از آن نوبت کار است. همه ی افراد برای کاربردی نمودن اندیشه ها دست به کار می شوند و آستین ها را بالا می زنند.

بهترین گونه ی تشکیل یک گروه، گردهمایی اعضایی با توانایی های گوناگون است. هر عضو توانایی های خود را دارد. او این توانایی ها را به دیگران می آموزد.

فرض کنید در یک گروه یک نفر توانایی بیشتری در فوتبال دارد. او این مهارت را به دیگر اعضای تیم می آموزد، دیگری با ریاضیات آشناست و مهارت های ریاضی را به سایر افراد تیم یاد می دهد. این یادهی و یادگیری گونه ای "بده بستان" است، پس همه، چیزی برای عرضه و چیزی برای دریافت دارند.

ما این تیم طبیعی را به شکلی غیر طبیعی به وجود می آوریم، همه چیز تقسیم بندی می شود، جای هر کسی مشخص می شود، آموزگار باید پشت میز خودش بنشیند و درس بدهد و دانش آموزان پشت به هم و رو به تخته سیاه و گوش بدهند. هر کسی باید نمره ی خودش را بگیرد و خودش را به پایه ی بالاتر برساند.

این بدترین شکل گردهمایی است! اما چون خود ما در چنین جایگاهی تربیت شده و رشد یافته ایم، آن را طبیعی می انگاریم.

به تشکیل تیم در کلاس درس بیانید و ساختارها را در هم بشکنید. اجازه بدهید تیمها تدریس کنند و تیمها نمره بدهند و تیمها نمره بگیرند. اجازه بدهید تا تیمها، تیمها را (نه فرد را) نقد و ارزیابی کنند و به آنها ایده های نو بدهند و اشتباهاتشان را گوشزد کنند.

این فرصت را به تیمها بدهید تا ایده های خود را داشته باشند.

اجازه بدهید تا کودکان در کنار هم بودن را تجربه کنند و سازگاری با تیم را یاد بگیرند.

✓ گام دوم: آیا تصاویر با هم مربوط هستند و ما را در رسیدن به هدف یاری می کنند؟

در برخی از درسها به لحاظ ماهیت موضوع به جهت بیان و تحقق اهداف آموزشی، بخشی از محتوا به صورت تصویر بیان می شود. استفاده از تصویر برای انتقال پیام آموزشی سابقه دیرینه دارد.

در این فعالیت به دلیل ضیق وقت، فرصت فراهم نشد تا دانش آموزان را به زیستگاهی طبیعی و قابل محسوس ببریم؛ فلذا از تصویر استفاده شده است.

تصاویری که استفاده می شوند باید به طور واضح زیستگاه های مختلف و ارتباط بین جانداران و موجودات غیرزنده هر زیستگاه را نشان دهد. برای دسترسی به بهترین نتیجه از تصاویر کتاب درسی و تصاویر مشابه استفاده می شود.

برای مثال تصویر زیر (تصویر شماره ۱۵) برای دانش آموزان کلاس ارائه می شود.



✓ **گام سوم :** آیا جدول های توزیع شده بین دانش آموزان برای آن ها قابل فهم و تکمیل می باشد؟

جداول استفاده شده در فعالیت مذکور بسیار مشابه جداول کتاب هستند. همچنین معلم و کارورز در بین دانش آموزان حضور دارند و اگر مشکلی پیش آید و یا فهم قسمت یا سؤالی برای دانش آموزان پیش آید، توضیحات لازم داده می شود. فلذا لازم به ذکر است که باید سؤالات متداولی که توسط دانش آموزان پرسیده می شود در قسمت بازخوردها ذکر شود.

✓ **گام چهارم :** آیا فرد منتخب به صورت تصادفی انتخاب می شود؟

دانش آموز منتخب کلاس باید به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شود تا اعتراضات بقیه دانش آموزان کلاس به حداقل برسد و همچنین توجه دانش آموزان کلاس به دلیل احترام به انتخاب معلم، افزایش می یابد.

مواد و منابع آموزشی مورد نیاز

۱. ویدئوپرژکتور و رایانه :

از این وسایل و تکنولوژی ها برای نمایش اسلایدها، تصاویر و کلیپ های مرتبط با مبحث آموزشی استفاده می شود. بنا به ضرورت مطلب لازم است درمورد تکنولوژی آموزشی توضیحات مختصری آورده شود.

تکنولوژی آموزشی چیست؟

قبل از کاربرد مفهوم جدید تکنولوژی، برنامه ریزان و معلمان در راه بهبود امر تدریس و حصول نتایج بهتر آموزش از مواد و وسایل آموزشی با مفهوم « سمعی و بصری » آن کمک می گرفتند.

امروزه تکنولوژی آموزشی - سطحی وسیع تر از مفهوم قبلی داشته و صرفاً در کاربرد مواد و وسایل خلاصه نمی شود.

تکنولوژی آموزشی را می توان به « مهندسی آموزشی » تشبیه نمود که می تواند با استفاده از تکنیک هایی که می داند برای آموزشی طرحی ارائه دهد که ضمن تسهیل آن، یادگیری سریع تر، موثرتر و پایدارتری را به همراه داشته باشد.

تعاریف تکنولوژی آموزشی

- تعریف لغوی : تکنو به معنی فن و روش و لوژی به معنای شناخت
- معنی اصطلاحی : استفاده از یافته های علمی برای مقاصد آموزشی

تأثیر استفاده از تکنولوژی آموزشی در فرآیند یادگیری

جوامع بشری با سرعتی شگفت انگیز در حال توسعه ، تغییر و تحولند و این تحولات جنبه های مختلف زندگی را دربرمی گیرد. پیشرفت علوم و فنون دانش های جدیدی را مطرح می سازد که نیازهای جدیدی را نیز برای انسان ها ایجاد می کند. بنابراین آموزش باید با سرعت و کیفیت بیشتر انجام شود. به همین دلیل بسیاری از روانشناسان و صاحب نظران در مباحث تربیتی به بهره گیری از تکنولوژی آموزشی توصیه می کنند. چرا که تکنولوژی آموزشی باعث سهولت ، سرعت و دقت در امر آموزش و یادگیری می گردد .

● تاریخچه و سیر تحولی

تکنولوژی آموزشی به معنای اعم چیز تازه ای نیست و قدمت آن را می توان همزمان با قدمت تعلیم و تربیت دانست. اما تکنولوژی آموزشی به معنای خاص آن شاید کمتر از یک قرن است که مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت غربی قرار گرفته است. در سال ۱۹۰۰ در آمریکا اصطلاحاتی از قبیل وسایل

دیداری، شنیداری و وسایل کمک آموزشی وارد جریان آموزش و پرورش شد. و تقریباً در حدود سال ۱۹۵۰ به بعد روانشناسان استفاده از روش های مختلف ارائه دانش یعنی استفاده از تکنولوژی آموزشی را به عنوان یک تکنیک یا روش در امر آموزش فراگیران مطرح کردند اما همچنان استفاده از ابزارهای آموزشی شدیداً مورد توجه قرار داشت.

● نقش و تاثیر در زندگی

- ✓ تغییر در تفکر و نحوه یادگیری و یاددهی: تفکر کلیشه ای هرگز به شخص اجازه نمی دهد و در غیر آنچه آموخته است، بیندیشد.
- ✓ تغییر در گرایش: معلم می تواند روش های عادی خود را تغییر دهد و نسبت به تکنولوژی آموزشی که شامل راهها و ابزارهای کمکی فراوانی برای یاددهی و آموزش است، دید و نگرش مثبتی داشته باشد.
- ✓ مطالعه مجدد در روانشناسی یادگیری: تکنولوژی آموزشی محصول یافته های جدید در روانشناسی یادگیری است. بنابراین معلمان برای استفاده از آنها باید به مطالعه مجدد آنها بپردازند.
- ✓ مطالعه مداوم و بنابراین کشف وسایل و روش های جدید در امر آموزش توسط معلمان و حتی تشویق دانش آموزان.

۲. تصاویر مرتبط :

همانطور که پیش تر گفته شد، به دلیل کمبود وقت و همچنین سایر موانع و مشکلات پیش رو، فرصت بردن دانش آموزان به زیستگاهی طبیعی مانند بوستان، فراهم نشد. فلذا به ناچار با استمداد از تکنولوژی تصاویری را برای دانش آموزان به ارائه می گذاریم.

۳. کاغذهای رنگی :

از کاغذهای رنگی برای گروه بندی دانش آموزان استفاده می شود. همانگونه که در گام اجرایی اول همین فعالیت ذکر شده است، در یازده رنگ (تعداد گروه ها) و هر رنگ سه برگه (تعداد اعضای هر گروه) تهیه می شود و در ابتدای ارائه سناریو در کیسه ای که درون آن قابل مشاهده نباشد قرار می دهیم و در بین دانش آموزان توزیع می کنیم تا هر کدام یک برگه بردارند. سپس افرادی که در کاغذهای یک رنگ را برداشته اند در یک گروه قرار می گیرند.

بر روی هر برگه یک عدد می نویسیم. این عمل به این دلیل انجام می شود که در طول کلاس برای انتخاب تصادفی افراد از این اعداد کمک می گیریم.

۴. جدول های طبقه بندی (چاپ شده بر روی کاغذ):

این جداول که در قسمت گام های اجرایی آورده شده اند، بسیار شبیه به جدول های ذکر شده در کتاب می باشند. برای هر گروه یک سری از جدول ها داده می شود. در هر نوبت یکی از چهار جدول یا فرم با توال خاصی به دانش آموزان داده می شود. قبل از تحویل جدول به گروه ها باید اطمینان حاصل کنیم که دانش آموزان به مفاهیم پیش نیاز دست یافته اند.

رفع بدفهمی

(فعالیت شماره ۳)

فعالیت شماره ۳: رفع بدفهمی

مقطع آموزشی: چهارم دبستان

نام فعالیت: رفع بدفهمی های دانش آموزان

نوع فعالیت: گروه های کوچک

موضوع: تفاوت مخلوط ها و محلول ها (درس دوم)

عنوان فعالیت: رفع بدفهمی از آموخته های برخی دانش آموزان پیرامون "مخلوط ها و محلول ها"

امضای معلم راهنما

تاریخ اجرای فعالیت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

پیامد (اهداف)	دانش آموزان تفاوت دو مفهوم مخلوط و محلول را بفهمند و این دو مفهوم را به جای دیگری به کار نبرند.
گام های اجرایی	۱. تشخیص این که مسئله پیش آمد بدفهمی است یا خطای سهوی؟
	۲. تشخیص اینکه علت این بدفهمی چه مورد یا چه مواردی می تواند داشته باشد؟
	۳. یافتن نقطه ی مسئله خیز، یافتن رابطه های ناقص و یا غلط در طرحواره ی ذهنی.
	۴. ارائه تعریف های کامل و جامع با توجه به سطح فهم دانش آموزان.
	۵. ارائه ی مثال ها قابل درک و زمینه محور برای تفهیم کامل مفاهیم.
	۶. ارزیابی
ارزیابی گام ها	۱. آیا مسئله ی پیش آمده بدفهمی است یا خطای سهوی؟
	۲. آیا علت بدفهمی تشخیص داده شده است؟
	۳. آیا نقطه ی مسئله خیز مشخص شده است؟
	۴. آیا تعاریف ارائه شده کامل می باشند و ابهام زدایی می کنند؟
	۵. آیا مثال ها برای دانش آموزان قابل درک می باشند؟
	۶. آیا ارزیابی باعث تثبیت یادگیری مفاهیم مورد نظر می گردد؟
مواد و منابع آموزشی مورد نیاز	✓ ویدئو پرژکتور و رایانه ✓ کلیپ ها و اسلایدهایی برای معرفی مخلوط ها و محلول ها ✓ تصاویری از مثال های گوناگون از مخلوط ها و محلول ها
روش بازخورد دادن	برای بازخورد دادن، از ارزیابی امتحانات کاغذ-قلمی، بلافاصله پس از اجرای سناریو، استفاده می شود.

بازخورد	۱. از آنجا که با مثال به رفع بدفهمی دانش آموزان پرداخته شد، نتیجه مطلوب بود و فراگیران به هدف مورد نظر نایل شدند. ۲. زمان متناسب با برنامه از پیش تعیین شده پیشرفت و وقت کم نیامد. ۳. امکانات و تکنولوژی آموزشی که از قبل برای استفاده از آن ها برنامه ریزی شده بود آماده نبودند و مقداری از وقت تلف شد.
---------	---

توضیح جدول :

بدفهمی برای بیان موقعیتی به کار می رود که در آن، ممکن است درکی که دانش آموز از یک مفهوم در ذهن دارد با دیدگاه کارشناسان آن علم در تقابل باشد. این موقعیت با جایی که در آن خطای سهوی اتفاق می افتد، تفاوت دارد، زیرا موجب بروز خطاهای مفهومی نظام مند می شود. یعنی اشتباهاتی که در موقعیت های مشابه نیز اتفاق می افتد (گویا، حسام، ۱۳۸۶). مهمترین علت های بدفهمی، درک ناقص از مفهوم، تداخل تجربیات قبلی و دانش ناکافی است.

برخی از روش های درمان بدفهمی ها که در تحقیقات نیز ثابت شده اند به شرح زیر هستند:

۱. کودکان باید در برنامه ی درمان خود دخیل باشند.
۲. طرح آموزش جبرانی باید با آموزش های قبلی متفاوت باشد.
۳. باید زمینه ی تجاربی ایجاد شود که به استفاده ی چند حسی از حواس پنجگانه ی دانش آموز نیاز داشته باشد.
۴. به کمک ابزارهای واقعی کودک به سوی درک شهودی از اندیشه های ریاضیات راهبری شود.

پیامدها

پیامد در واقع هدفی است که انتظار داریم پس از طراحی و اجرای فعالیت یادگیری به آن دست بیابیم.

پیامد و هدفی که از طراحی و اجرای این فعالیت مورد انتظار است به شرح زیر می باشد :

" دانش آموزان تفاوت دو مفهوم مخلوط و محلول را بفهمند و این دو مفهوم را به جای دیگری به کار نبرند."

گام های اجرایی

۱- گام اول : تشخیص این که مسئله پیش آمد بدفهمی است یا خطای سهوی ؟

همانطور که پیشتر گفته شد، بدفهمی موجب بروز خطاهای موضوعی نظام مند می شود؛ به این معنی که در موقعیت های مشابه نیز رخ می دهند. حال آن که خطای سهوی به صورت موردی است و ناشی از برداشت و یادگیری اشتباه فرد در موضوع مورد نظر نمی باشد.

۲- گام دوم : تشخیص اینکه علت این بدفهمی چه مورد یا چه مواردی می تواند باشد؟

علت بدفهمی پیرامون موضوع مورد نظر شباهت این دو مفهوم به یکدیگر می باشد. یعنی اینکه یک مفهوم (محلول) در دل مفهوم دیگر (مخلوط) قرار دارد و اکثر اشتباهات ناشی از همین برداشت اشتباه است.

علت دیگری که باعث این بدفهمی می شود این است که در اجتماع این دو مفهوم جای یکدیگر به کار می روند.

۳- گام سوم: یافتن نقطه ی مسئله خیز، یافتن رابطه های ناقص و یا غلط در طرحواره ی ذهنی.

نقطه ی کانونی و مسئله خیز در این مبحث اشتباه در برداشت از مفهوم ارائه شده و استفاده از آن ها به جای یکدیگر است.

۴- گام چهارم: ارائه تعریف های کامل و جامع با توجه به سطح فهم دانش آموزان.

تعاریفی که ارائه می شود باید برای دانش آموزان ملموس تر و محسوس تر باشند تا آن ها بتوانند این تعریف را با تعاریف موجود در کتاب ارتباط دهند. در این گام از فیلم های آموزشی استفاده می شود تا علاوه بر حس شنوایی دانش آموز حس بینایی دانش آموز نیز درگیر می شود. همچنین پرسش هایی که در خلال فیلم از دانش آموزان پرسیده می شود با سن آن ها متناسب است و باعث استفاده از قدرت تجسم آن ها می شود. تعاریف ارائه شده با استفاده از فیل به صورت زیر می باشند:

✓ مخلوط: به موادی گفته می شود که از چند ماده مختلف تشکیل شده باشد. مثل : آجیل و سالاد؛

✓ محلول (مخلوط یکنواخت): به مخلوطی گفته می شود که مواد تشکیل دهنده ی آن را نتوانیم ببینیم و مواد تشکیل دهنده ی آن را نتوانیم به سادگی جدا کنیم. مثل : چای شیرین صبحانه و هوایی که تنفس می کنیم؛

۵- گام پنجم: ارائه ی مثال ها قابل درک و زمینه محور برای تفهیم کامل مفاهیم.

دانش آموزان در این سن باید با استفاده از مثال های واضح و روشن که در محیط اطرافشان قابل مشاهده باشند به خوبی مفهوم را درک کنند. هرچه مثال ها محسوس تر باشند دانش آموزان مفاهیم مورد نظر را بهتر درک می کنند.

۶- گام ششم: ارزشیابی

ار آنجا که تعاریف "مخلوط" و "محلول" در فیلم های نمایشی به صورت گذرا ارائه می شوند و در پایان وقت ستاریو در دید دانش آموزان نیستند، می توان از این فرصت نهایت استفاده را برد. به این گونه که در پایان از دانش آموزان می خواهیم تعاریفی را که از مخلوط ها و محلول ها فهمیده اند را بر روی برگه ای بنویسند و تحویل دهند.

ارزشیابی گام ها

۱- گام اول: آیا مسئله ی پیش آمده بدفهمی است یا خطای سهوی ؟

همان گونه که پیش تر گفته شد تفاوت بدفهمی با خطای سهوی در این است که موجب بروز خطاهای مفهومی نظام مند می شود. یعنی اشتباهاتی که در موقعیت های مشابه نیز اتفاق می افتد پس می توان گفت که اشتباهاتی که در کاربرد کلمات محلول و مخلوط رایج است یک بدفهمی است و با خطای سهوی تفاوت دارد.

۲- گام دوم: آیا علت بدفهمی تشخیص داده شده است ؟

عمده ترین دلیل بروز این بدفهمی در بین مردم به خصوص دانش آموزان می تواند این باشد که محلول در واقع نوعی مخلوط است که و نوع همگن آن را شامل می شود. با ریشه یابی و مراجعه به اساتید و متخصصان این علت تایید شد که به کاربردن این دو مفهوم به جای دیگری سبب بروز بدفهمی می شود.

۳- گام سوم: آیا نقطه ی مسئله خیز مشخص شده است ؟

همان طور که پیش تر گفته شد نقطه ی مسئله خیز تعامل با افرادی است سواد کافی و لازم ندارند و به دلیل ندانستن این دو را به جای یکدیگر به کار می برند.

۴- گام چهارم: آیا تعاریف ارائه شده کامل می باشند و ابهام زدایی می کنند ؟

از آنجا که تعاریف مفاهیم همان تعاریف کتاب هستند اما با زبانی ساده تر که به دنیای دانش آموزان نزدیک تر است استفاده می شود و همچنین در خلال تعاریف از مثال هم استفاده می شود، پس تعاریف باید قابل درک برای دانش آموزان عادی و سالم باشند.

۵- گام پنجم: آیا مثال ها برای دانش آموزان قابل درک می باشند ؟

مثال هایی که انتخاب شده اند در زندگی روزمره فراگیران وجود دارند و همه ی دانش آموزان در دنیای بیرون از مدرسه به تعداد دفعات زیاد با آن ها برخورد داشته اند و تقریباً ویژگی های آن ها را می دانند. فلذا این مثال ها می توانند در رفع ابهام کمک شایانی به معلم و کارورز بکنند.

۶- گام ششم: آیا ارزیابی باعث تثبیت یادگیری مفاهیم مورد نظر می گردد ؟

استفاده از آزمون کاغذ و قلمی، یعنی شرایطی که در آن فراگیر بر روی برگه ای مفهوم خواسته شده را به صورت کامل و واضح توضیح دهد، می تواند بهترین راهکار ارزشیابی و حتی دادن بازخورد باشد. در واقع دانش آموز باید هر آن چه را که فهمیده است بر روی کاغذ توضیح دهد. در ذیل به تأثیری که نوشتن بر یادگیری و قسمت های مختلف حافظه و مغز دارد را ذکر می گردد :

۱. تأثیرنوشتن بر تقویت یادگیری مغز:

نوشتن با دست قسمت بسیار حیاتی از مغز را به منظور یادگیری فعال می کند که متأسفانه در صورت اجتناب از نوشتن برای مدت طولانی این توانایی از دست خواهد رفت. به گزارش ایسنا پژوهشگران فرانسوی و نروژی دریافته اند که نوشتن تأثیر بسیار عمیقی در یادگیری دارد، این پژوهشگران تأکید دارند که احساس گرفتن قلم در دست و کشیدن آن روی کاغذ قسمتی از مغز را بنام موتور حافظه SENSORY MOTOR را فعال می کند، با استفاده از قلم و نوشتن، شناخت بصری فرد از حروف و کلمات تقویت می شود و باعث می شود فرد به کلماتی که می نویسد فکر کند.

۲. تأثیرنوشتن در میزان تمرکز و حفظ یادگیری

اگر تا به حال نوشتن مطلبی که می خواهید یاد بگیرید را تجربه نکرده اید می توانید یک بار این کار را انجام دهید تا تفاوت خواندن و گوش دادن با نوشتن را احساس کنید.

برای اینکه این تفاوت را بهتر لمس کنید باید حداقل یک بار تجربه پیاده روی از خیابانی که همیشه با اتومبیل از آن عبور می کنید را داشته باشید. اگر بخواهید بعد از هر کدام از دو حالت اتومبیل سواری و پیاده روی مناظر آن خیابان و آنچه را که دیده اید توصیف کنید، در حالت اتومبیل سواری شاید یک

یا دو صفحه بیشتر نتوانید بنویسید و شرح دهید ولی در حالت پیاده روی می توانید چند برابر حالت قبل راجع به مناظری که دیده اید، توضیح دهید و چندین صفحه بنویسید درحالی که هنوز از توضیحاتان راضی نیستید، در واقع پیاده روی صحنه آهسته اتومبیل سواری و نوشتن، صحنه آهسته خواندن و گوش کردن است.

وقتی صرفاً می خوانید و یا گوش می کنید میزان حواس پرتی تان بیشتر است چرا که فقط چشم یا گوش شماست که مجبور به دیدن یا شنیدن است ولی حین نوشتن دستتان نیز دخیل است و ذهنتان هم باید دقت بکند که درست بنویسید این باعث می شود که تمرکزتان بر آنچه می نویسید بیشتر باشد و تمرکز بیشتر هم شرایط را برای فهم بهتر و کامل تر مهیا می کند. خیلی وقت ها که چیزی را یاد نگرفته اید، حین نوشتن در ذهنتان جرقه می زند و فهمتان نسبت به آن چیز کامل می شود. از طرفی برای حفظ و یادگیری یک عبارت، فرمول یا هر چیز دیگری، حین نوشتن آن در واقع جزئیات آن را نیز زیر ذره بین قرار می دهید و به ریز و درشت مفاهیم آن مطلبی که قرار است فرا گرفته شود دقت می کنید، در نتیجه ماندگاری آن در ذهنتان بیشتر می شود.

در فرایند نوشتن همراه با خواندن یا گوش دادن تعداد زیادی از حواس افراد دخالت دارند و هنگام نوشتن با دست مغز بازخوردی از ماهیچه ها و نوک انگشتانمان دریافت می کند و مکانیزم یادگیری را قوی تر می کند. این برای تمام کسانی که فقط یک بار مطلبی را که می خواهند یاد بگیرند، نوشته اند کاملاً اثبات شده است. همچنین می دانیم که نوشتن نیاز به فعالیت و تلاش فکری بیشتر و همچنین زمان بیشتری دارد و در نتیجه به یاد سپاری مطالب کمک زیادی می کند. پروفیسور ان مانگن از دانشگاه استاونگر نروژ می گوید: «از آنجایی که نوشتن با دست نیاز به زمان بیشتری نسبت به خواندن یا گوش کردن دارد، بخش تپورال مغز که در یادگیری نقش دارد، نیز فرایند یادگیری را تحت تاثیر قرار می دهد، ایشان در همین زمینه مطالعه ای بر روی ۲۰ نفر از افراد بزرگسال در دو گروه انجام دادند که در این مطالعه از افراد شرکت کننده خواسته شد یاد بگیرند، با الفبایی ناشناخته که حداکثر از ۲۰ حرف تشکیل شده، بنویسند و روند یادگیری در بین اعضای یک گروه به وسیله نوشتن، و در گروه دیگر از طریق خواندن و گوش دادن صورت گرفت. طی دو مرحله و پس از سه و شش هفته از آغاز آزمایش شرکت کنندگان از نظر بازیابی و سرعت تشخیص حروف، مورد بررسی قرار گرفتند. افرادی که به کمک نوشتن حروف را آموختند در تمامی آزمون ها بهترین نتایج را کسب کردند.

از آنچه در این مقاله گفته شد نتیجه می گیریم برای یادگیری بهتر مطالب گفته شده در جزوات و همچنین سی دی های درسی و سمعی-بصری و یا هر مطلب دیگر در هر جا بهتر است که آن مطلب را بنویسیم اما این واقعیت را نیز خوب می دانیم که مطالب مختلف هر چند با تمرکز فراوان همراه با

نوشتن یا هر روش دیگری فراگرفته شوند، باز هم فرار هستند و پس از مدتی بخشی از آن‌ها از حافظه انسان پاک می‌شود.

بنابراین بهتر است که پس از نوشتن کامل مطلبی که می‌خواهیم یاد بگیریم چکیده یا برداشتی از آن را به زبان ملموس و قابل درک برای خودمان بنویسیم؛ چرا که این برداشت زمان مرور دوباره مطلب بسیار کوتاه خواهد کرد. می‌توانیم از مطلبی که می‌خواهیم یاد بگیریم، پس از نوشتن و یادگیری آن تعدادی سوال استخراج کنیم و اینگونه با پاسخ به سوالاتی که استخراج می‌شود می‌توانیم سطح یادگیری خود را محک بزنیم در پایان اینگونه نتیجه می‌گیریم که هر توصیه ای که از سمت راهنمایان عزیز به ما گفته می‌شود، علاوه بر اینکه بارها و بارها تجربه شده و صحت آن به اثبات رسیده است و حتماً پایه‌ی علمی دارد و وظیفه ما این است که این توصیه‌ها را دقیق و کامل اجرا کنیم.

مواد و منابع آموزشی مورد نیاز

۱. ویدئوپرژکتور و رایانه :

از این وسایل و تکنولوژی‌ها برای نمایش اسلایدها، تصاویر و کلیپ‌های مرتبط با مبحث آموزشی استفاده می‌شود. بنا به ضرورت مطلب لازم است درمورد تکنولوژی آموزشی توضیحات مختصری آورده شود.

تکنولوژی آموزشی چیست؟

قبل از کاربرد مفهوم جدید تکنولوژی، برنامه ریزان و معلمان در راه بهبود امر تدریس و حصول نتایج بهتر آموزش از مواد و وسایل آموزشی با مفهوم «سمعی و بصری» آن کمک می‌گرفتند.

امروزه تکنولوژی آموزشی سطحی وسیع‌تر از مفهوم قبلی داشته و صرفاً در کاربرد مواد و وسایل خلاصه نمی‌شود.

تکنولوژی آموزشی را می‌توان به «مهندسی آموزشی» تشبیه نمود که می‌تواند با استفاده از تکنیک‌هایی که می‌داند برای آموزشی طراحی ارائه دهد که ضمن تسهیل آن، یادگیری سریع‌تر، موثرتر و پایدارتری را به همراه داشته باشد.

تعاریف تکنولوژی آموزشی

- تعریف لغوی : تکنو به معنی فن و روش و لوژی به معنای شناخت
 - معنی اصطلاحی : استفاده از یافته های علمی برای مقاصد آموزشی
۲. کلیپ ها و اسلایدهایی برای معرفی مخلوط ها و محلول ها

این کلیپ ها از قبل تهیه می شوند و با استفاده از تکنولوژی در دسترس، آن ها را برای فراگیران به نمایش می گذاریم. همچنین طرز گویشی که در فیلم ها استفاده می شود، گویشی کودکانه و متناسب با سن دانش آموزان است.

۳. تصاویری از مثال های گوناگون از مخلوط ها و محلول ها

برای درگیر نمودن حس بینایی دانش آموزان از تصاویر نیز در خلال اجرای فعالیت استفاده می شود. البته نباید در وهله اول تصاویر را به نمایش گذاشت؛ به معنا که ابتدا باید قوه ی تجسم و بازاندیشی دانش آموزان به کار گرفته شود و زمانی که تقریباً همه ی آن ها به هدف مورد نظر دست یافتند از تصاویر استفاده می شود تا معنی واحدی برای مفاهیم در ذهن فراگیر ایجاد شود.

روش بازخورد دادن :

همان طور که پیشتر گفته شد از آزمون کاغذ قلمی برای گرفتن بازخورد از میزان دستیابی به اهداف استفاده می شود.

بدین منظور برگه هایی در بین دانش آموزان توزیع می گردد و از آن ها خواسته می شود تا هر آنچه را از تعریف محلول و مخلوط دریافته اند بر روی آن به صورت مکتوب بنویسند.

رفع عقبتاری تحصیلی

(فعالیت شماره ۴)

فعالیت شماره ۴ : رفع عقب ماندگی تحصیلی

نام فعالیت : رفع عقب ماندگی تحصیلی دانش آموز

مقطع آموزشی : چهارم دبستان

نوع فعالیت : فردی

عنوان فعالیت : رفع عقب ماندگی یکی از دانش آموزان کلاس به نام م.ج.

امضای معلم راهنما

تاریخ اجرای فعالیت : ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

پیامد (اهداف)	دانش آموز مورد نظر بتواند در کوتاه ترین زمان ممکن، از نظر تحصیلی خود را به همکلاسی هایش برساند و از نظر درسی نهایت پیشرفت ممکن را بکند.
گام های اجرایی	۱. انتخاب دانش آموز مورد نظر با مشورت با معلم راهنما؛
	۲. ارائه دلایل و فرضیاتی برای علل عقب ماندگی؛
	۳. بررسی پرونده ای سلامت دانش آموز با کمک مربی بهداشت مدرسه؛
	۴. مشاهده رفتار دانش آموز در حین انجام تکالیف داخل کلاس؛
	۵. مشورت با اساتید و صاحب نظران در مورد مشکل موجود؛
	۶. بررسی وضعیت روحی و روانی با مشورت با اولیا یا سرپرست؛
	۷. طراحی تکالیف و فعالیت هایی برای جبران عقب ماندگی؛
	۸. ایجاد اعتماد به نفس و انگیزه برای تمرین های دائمی.
ارزشیابی گام ها	۱. آیا دانش آموز منتخب واقعاً عقب ماندگی تحصیلی دارد؟
	۲. کدام یک از فرضیات و دلایل منطقی و همسو با مشاهدات می باشد؟
	۳. آیا سلامت جسمی دانش آموز در پیشرفت تحصیلی یا عقب ماندگی تحصیلی مؤثر است؟
	۴. آیا دانش آموز در جریان کار قرار دارد که زیر نظر می باشد؟
	۵. آیا ولی یا سرپرست دانش آموز همکاری لازم را می کند و اطلاعات صحیحی در اختیار می گذارد؟
	۶. آیا تکالیف مطابق با استانداردها و شرایط می باشند؟
	۷. آیا فعالیت ها باعث ایجاد انگیزه ای دائمی در دانش آموز می شوند؟
مواد و منابع آموزشی مورد نیاز	✓ منابع و کتاب هایی برای تقویت مهارت روخوانی و درک مطلب در دانش آموز؛ ✓ هدایا و جوایزی برای ایجاد اعتماد به نفس و انگیزه در دانش آموز؛

۱. ترجیح داده شده است نام دانش آموز افشا نگردد.

✓ کتاب ها و مقالات تأیید شده پیرامون مشکلات روحانی افراد.	
دانش آموز بتواند از روی متنی فارسی به راحتی بخواند و مطلب آن را درک کند. همچنین اشتیاق به مطالعه کردن در وی زنده شود.	روش بازخورد دادن
۱. دانش آموز مورد نظر با چند بار خواندن از روی متن توانست جلوی بقیه دانش آموزان به راحتی از روی متن بخواند. ۲. آنطور که انتظار می رفت دانش آموز تمرین کافی نکرده بود و نصف داستان را بیشتر نخوانده بود. ۳. بقیه دانش آموزان کلاس همکاری نمی کردند و در ابتدا به اعتراض کردن پرداختند.	بازخورد
- بهتر بود معلم یا کارورز از یکی از همکلاسی های دانش آموز می خواست تا در خارج از مدرسه و یا زنگ های تفریح با او تمرین کند. - در صورت امکان کارورز می توانست در خارج از ساعت مدرسه با دانش آموز مورد نظر کار کند.	پیشنهاد

توضیح جدول

عقب ماندگی تحصیلی، وضعیتی است که دانش آموز به دلایلی از سایر دانش آموزان همکلاس خود، به اهداف مورد نظر آموزشی دست نیافته است. علت های مختلفی برای عقب ماندگی تحصیلی می توان برشمرد که برخی از آن ها عبارتند از: اختلال یادگیری در یک زمینه، اختلالات رفتاری نظیر بیش فعالی، اختلالات روانی مانند افسردگی و بیماری های جسمی.

پیامد

پیامدی که در این فعالیت در نظر گرفته شده است به شرح زیر است :

" دانش آموز مورد نظر بتواند در کوتاه ترین زمان ممکن، از نظر تحصیلی خود را به همکلاسی هایش برساند و از نظر درسی نهایت پیشرفت ممکن را بکند."

در واقع علت عقب ماندگی تحصیلی دانش آموز کشف شود و مورد بررسی قرار گیرد. پس از آن کارورز بسته به میزان عقب ماندگی، شرایط سنی فراگیر، علت عقب ماندگی و ... به کمک سایر کادر آموزشی و یا حتی اداری مدرسه برای رفع عقب ماندگی اقدام کند.

گام های اجرایی :

۱. گام اول : انتخاب دانش آموز موردنظر با مشورت با معلم راهنما؛

در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ پس از مشورت با معلم راهنما، وی دانش آموز م.ج را از معرفی نمودند تا علت عقب ماندگی تحصیلی او کشف شود و تدابیر لازم صورت گیرد.

در این مرحله اطلاعاتی نیز از معلم راهنما در مورد دانش آموز مذکور کسب گردید و ایشان ابراز داشتند که دانش آموز موردنظر از کودکان بدسرپرست است و در آشیانه مهر امام علی (ع) زندگی می کند.

حال که صحبت از آشیانه مهر مهر امام علی (ع) کرمان شد بهتر است از فرصت استفاده کنم تا در مورد این مرکز اطلاعاتی در اختیار خواننده قرار دهم.

معرفی مؤسسه

دی ماه ۱۳۸۲، زمانی که بم لرزید، خانه ها ویران شد و شمار زیادی از هم وطنان جان خود را از دست دادند، دل های بسیاری هم در سراسر ایران و بلکه جهان لرزید و به کمک آسیب دیدگان این فاجعه بزرگ شتافت.



بزرگ بانویی نیز در این خیل عظیم، از تهران آمد تا برای مدتی کوتاه آرامش بخش کودکان بازمانده از زلزله باشد، اما تقدیر برای او که سال های فراغت و بازنشستگی خود را سپری می کرد، چیز دیگری رقم زده بود. کنیز خدیجه دهقان، بازنشسته آموزش و پرورش که سابقه سی سال مدیریت مهد های کودک تهران را در قبل و بعد از انقلاب و ۱۲ سال معاونت مهد کودک وزارت نیرو را بر عهده داشت، با کوله باری از تجربه و با تشویق و همکاری اقوام خود تصمیم به تاسیس خانه ای جهت تسلی دل کودکان بی گناه، گرفت.

زحمات شبانه روزی و خالصانه او و همراهانش در زمان کوتاهی به ثمر نشست و آشیانه ای به نام یاور یتیمان و دستگیر مظلومان، حضرت علی (ع) تاسیس و در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۸۳، تنها شش ماه پس از آن زلزله ویرانگر، افتتاح گردید. آشیانه علی کار خود را با یک خانه و پذیرش ده کودک آغاز کرد و اکنون پس از گذشت ۱۲ سال پذیرای ۵۸ کودک در سه مرکز دخترانه، پسرانه و معلولین خفیف ذهنی می باشد.

اهداف مؤسسه

هدف اصلی خانم دهقان از تاسیس این مرکز در وهله اول تامین آرامش و امنیت روحی و روانی کودکان با ایجاد محیطی خانوادگی (و نه خوابگاهی) بود. توجه همیشگی به سلامت جسمی، تغذیه سالم، پوشاک مناسب و در کنار آن آموزش نکات تربیتی، آداب معاشرت، روابط انسانی و ارائه اطلاعات دینی و نقش آن در زندگی انسان، نیز، همزمان مد نظر قرار گرفت.

بر این اساس اهداف و وظایف زیر در دستور کار آشیانه قرار گرفته است :

- پذیرش کودکان از حداقل دو سالگی تا رسیدن به سن قانونی و بالاتر
- فراهم نمودن زمینه های لازم برای ایجاد محیطی خانوادگی
- فراهم نمودن امکانات تحصیلی در کلیه مقاطع تا سطح آموزش عالی
- ایجاد انگیزه و زمینه لازم (اعم از آموزش و تهیه سرمایه) جهت اشتغال فرزندان آشیانه در حرفه های مختلف
- فراهم نمودن شرایط ازدواج برای فرزندان و رفع نیازهای مالی آنان در حد توان

آشیانه علی (ع) مفتخر است که تاکنون به یاری خدا و کمک های بی دریغ خیرین بزرگوار در پیش برد اهداف ذکر شده موفق بوده و برای پیمودن مسیری طولانی که در پیش رو دارد همچون گذشته مصمم و امیدوار به لطف حضرت باری و یاری هموطنان نوع دوست می باشد.



گلریزان محبت ...

شماره حساب جام بانک ملت : ۳۴/۶۰۵۴۰۳۱۶

شماره شبا بانک ملت: IR740120000000006054031634

شماره حساب بانک ملی ایران : ۰۱۰۴۳۱۹۹۸۸۰۰۴

شماره کارت مجازی به نام آشیانه علی (ع): ۹۳۹۹ - ۹۰۰۲ - ۶۹۱۹ - ۶۰۳۷

راه های تماس با مؤسسه

آشیانه دخترانه : کرمان ، بلوار حجاج، کوچه ۱۶

تلفن : ۳-۳۲۶۱۷۹۵۲ (۰۳۴۳)

آشیانه پسرانه : کرمان ، بلوار جهاد ، کوچه ۱۶، پلاک ۳

تلفن : ۳۲۴۷۶۶۴۵ (۰۳۴) فاکس: ۳۲۴۷۶۶۴۴ (۰۳۴)

آشیانه معلولین خفیف ذهنی : ابتدای جاده هفت باغ - مجموعه دهکده سلامت ماهان

همراه خانم دهقان : ۰۹۱۳ ۱۹۷ ۳۰۵۷

پیامک : ۱۰۰۰۳۴۱۲۴۷۶۶۴۵

پست الکترونیکی: ashiyaneh_ali@yahoo.com

۲. گام دوم : ارائه دلایل و فرضیاتی برای علل عقب ماندگی؛

فرضیاتی که در نظر گرفته شده است به صورت زیر می باشد:

(۱) ضعف بینایی دانش آموز؛

(۲) ضعف شنوایی دانش آموز؛

(۳) مشکلات ذهنی و روانی دانش آموز؛ ممکن است دانش آموز ضریب هوشی پایین یا ناتوانی در

درک معانی و مفاهیم داشته باشد.

۴) تمرین نکردن و نداشتن ولی یا سرپرستی که پی گیر وضعیت تحصیلی وی باشد؛
 ۵) یاد نگرفتن آموزش های پیشین؛ به این معنا که دانش آموز در سال های تحصیلی پیشین به درستی مفاهیم و مهارت های لازم را یاد نگرفته باشد.
 ۶) عدم علاقه به تحصیل و درس خواندن؛ ممکن است دانش آموز نگرش مثبتی نسبت به درس و درس خواندن نداشته باشد.

۳. گام سوم : بررسی پرونده ای سلامت دانش آموز با کمک مربی بهداشت مدرسه؛

در این گام با مراجعه به مربی بهداشت مدرسه، سر کار خانم فرشاد، پرونده ای سلامت دانش آموز مورد نظر بررسی گردید. در این بررسی معلوم شد که دانش آموز طبق آخرین معاینات صورت گرفته، از نظر جسمی سالم می باشد. پس دو فرضیه ای اول، که معتقد است شنوایی یا بینایی دانش آموز دچار مشکل باشد، نفی می گردد.

۴. گام چهارم : مشاهده ای رفتار دانش آموز در حین انجام تکالیف داخل کلاس؛

یکی از روش های جمع آوری اطلاعات مشاهده است.

تعریف روش مشاهده ای : روشی که در آن رفتار و مشخصات موجودات زنده، اشیاء، پدیده هایی که به صورت سیستماتیک انتخاب شده اند ملاحظه و ثبت می گردند.

در واقع در این مرحله در کلاس درس و حتی خارج از کلاس درس رفتار دانش آموز تحت نظر قرار می گیرد تا :

اولاً؛ سلامت جسمی، بینایی، شنوایی و ... فرد بررسی شود؛

ثانیاً؛ میزان عقب ماندگی وی تعیین شود؛

ثالثاً؛ رغبت و علاقه ای ظاهری دانش آموز نسبت به درس و تحصیل سنجیده شود.

در این گام مشاهده شد که خوشبختانه دانش آموز از نظر جسمی سالم است؛ همانطور که در گام پیش این مورد توسط مربی بهداشت تایید شد. همچنین معلوم شد که دانش آموز به دلیل عدم توجه کافی معلم سعی دارد از زیر کار بگریزد و زیاد علاقه ای نشان ندهد. البته لازم به ذکر است دلیل کمبود توجه معلم به برخی دانش آموزان ناشی از کم کاری یا بی کفایتی معلم نیست، بلکه عمده ترین دلیل می تواند جمعیت زیاد دانش آموزان در کلاس درس باشد.

در قسمتس از روایات همین گزارش می خوانیم که :

... در بین دانش آموزان شروع به قدم زدن کردم تا اگر سؤالی برایشان پیش آمد و یا مشکلی به وجود آمد به آن کمک کنم. به کنار م.ج. رفتم و از او خواستم که مثل بقیه سؤالات را بفواند و حل کند. کتابش را باز کرد ولی دیگر کاری نکرد. کنارش ایستادم و از او خواستم صورت سؤال را بفواند. او شروع کرد به فواندن اما واقعاً به سفتی!

همان طور که توسط کارورز مشاهده شده است، دانش آموز در روخوانی مشکل دارد. به این معنا که سرعت خواندن دانش آموز به قدر پایین می باشد که در برخی کلمات از خواندن منصرف می شود. در صورتی هم که ادامه دهد مفهوم و درک صحیح و کاملی از متن برای وی به دست نمی آید.

در زیر در مورد روخوانی و خواندن توضیحاتی ارائه شده است :

اقرأ باسم ربك الذی خلق؛ بخوان به نام پروردگاری که تو را خلق کرده است. (سوره علق آیه ۱)

خواندن از جمله وسایل مهم فهمیدن در دنیای کنونی است. فرد می تواند نتیجه ی تحقیقات و مطالعات دیگران را که مدّت ها به درازا کشیده است، را از طریق خواندن در مدّت زمان کوتاهی فراگیرد. خوب خواندن از عوامل مهم پیشرفت و سرگرمی و لذّت بردن و رفع خستگی است. امروز باید به کودکان خود خواندن را بیاموزیم تا فردا بتوانند بخوانند و یاد بگیرند. نکته ی مهم در امر خواندن توجه و تأکید بر امر فهمیدن می باشد نه صرفاً که به صورت عادت در آمده است.

یکی از علل ضعف دانش آموزان در درس مخصوصاً ضعف در حل کردن مسئله های ریاضی و نفهمیدن آنها مربوط به ناتوانی آنها در روخوانی و عدم درک مطالب می باشد.

اغلب مشاهده می شود دانش آموزی مطلبی را می خواند یا اولیای او عقیده دارند مرتّب درس می خواند اما نمی فهمد یا دانش آموز دیگری با وجود این که تلاش می کند اما در املانویسی مشکل دارد تمام این اشکالات بر می گردد به ضعف دانش آموز در روخوانی و آگاه نبودن او به روش مطالعه.

یک معلّم آگاه و علاقه مند به شغل معلّمی باید ابتدا روش های مطالعه و روان خوانی را به دانش آموزان خود بیاموزد و سپس در پی برطرف کردن اشکالات در درس دیگر باشد و این مقدور نمی باشد مگر این که خود معلّم از روش های مختلف مطالعه و روان خوانی اطلاع کافی داشته باشد.

خواندن، از مهم ترین مهارت هایی است که کودکان در مقطع ابتدایی، بدان دست می یابند و کسب این مهارت، مبنایی برای کوشش های تحصیلی آینده ی آنها خواهد بود. اما خواندن در تربیت مقوله ی ساده ای نیست. این مهارت دارای فرآیندی بسیار پیچیده و مراحل گوناگونی است. خواندن از مهم ترین مهارت های پایه ای برای رشد توانایی های درونی کودکان است، که مورد توجه محققان فراوانی قرار گرفته است.

ناتوانی در خواندن و نوشتن معمولاً مشکلات زیادی را برای دانش آموز ناتوان در یادگیری به وجود می آورد. یادگیری خواندن در کودکان بهنجار همانند دیگر رفتارهای کودکان دارای مراحل و توالی مشخصی است. تحول مهارت های زبانی، گوش دادن، سخن گفتن، تحول حرکتی، تمیز دیداری و شنیداری، تحول مفهوم و تفکر شناختی، توانایی دقت و تمرکز حواس در انجام فعالیت ها تحت عنوان پیش نیازها، همخوانی بین صوت ها و نمادهای بینایی حروف، شناخت کلمه، لذت بردن از خواندن کلمه ها و در نهایت درک و فهم مطالب، از جمله مهارت های اساسی در فرآیند خواندن محسوب می شوند. اما برخی از کودکان، به رغم دریافت آموزش کافی و برخورداری از بهره هوش بهنجار و با وجود برخورداری کامل از سلامت جسمانی و روانی قادر به یادگیری خواندن حروف و کلمات نیستند و در این زمینه با مشکلاتی روبرو هستند. این کودکان به هنگام خواندن اشتباهات متعدد و گاهاً متفاوتی مرتکب می شوند. که با تجزیه و تحلیل این اشتباهات، می توان راه کارهای مناسبی برای رفع آنها به کار گرفت. هر کدام از ما معلمین موارد زیادی از این گونه دانش آموزان را در کلاس های خود داشته ایم. اما پرسش اینجاست که در برخورد با این گونه دانش آموزان چه کاری می توان انجام داد؟

کرک [۱] و چالفنت [۲] (۱۹۸۸) انواع خطاهای خواندن را در دانش آموزان به گونه ای که در پی می آید طبقه بندی کرده اند:

- ۱- حذف: کودک در موقع خواندن بعضی از کلمه ها یا بخش هایی از جمله را حذف می کند.
- ۲- افزایش: کودک کلمه ای را لا به لای متن قرار می دهد که وجود ندارد.
- ۳- جانشین سازی: کودک لغتی را جانشین لغت دیگر می کند.
- ۴- تکرار: کودک بعضی از کلمه ها را موقع خواندن تکرار می کند.
- ۵- حذف و اضافه کردن حروف.
- ۶- وارونه سازی: کودک در موقع خواندن کلمه «باد» را «داب» می خواند.
- ۷- خواندن سریع و بی دقت و یا کند خواندن و لغت به لغت
- ۸- فقدان درک مطلب

و در ادامه آنچه ما معلمان دوره ابتدایی، بخصوص در پایه اول شاهد آن بوده ایم، از حفظ خوانی متن بدون تشخیص کلمات توسط تعداد زیادی از بچه ها.

پژوهشگران معتقدند که انسان دارای سه توانش زبانی جداگانه است. این سه توانش در سه سطح زبان شنیداری، زبان گفتاری و زبان نوشتاری بروز می کند. برخی از کودکان زبان شنیداری کاملی دارند ولی در زبان گفتاری اشکال دارند مثلاً کتاب را به خوبی می شنوند ولی در گفتار به صورت تتاب بیان می کنند. اگر در گفتگو به آنان تتاب گفته شود ناراحت می شوند، چون زبان شنیداری کاملی دارند. این گونه کودکان در شنیدن درست می شنوند ولی در گفتن درست بیان نمی کنند این دسته در زبان گفتاری مشکل دارند لذا در زبان نوشتاری نیز غلط می نویسند. بسیاری از کودکان در هنگام نوشتن «می کنند» می شنوند ولی «می کند» می نویسند و یکی از نون ها را در نوشتن حذف می کنند یعنی زبان شنیداری و زبان نوشتاری آنها تطابق ندارد.

قطعاً رفع مشکل هر کدام از این اشتباهات و موارد دیگر، نیازمند توجه مضاعف معلمان گرامی است که آموزش انفرادی این گونه کودکان را پیوست آموزش جمعی آنان نمایند.

در برخورد با این گونه مشکلات راه حل های متعددی وجود دارد اما مواردی که در زیر ذکر می گردد به صورت کلی است که لازم است متناسب با نوع ضعف عملکردی دانش آموز از این فعالیتها بهره گرفته شود.

برای برخورد با مشکل خواندن، یکی از مهم ترین راههایی که مورد توجه و تأیید پژوهشهای فراوان بوده است استفاده از روشهای چند حسی است که با عناوین مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند. مجموعه ای از این روشها در زیر ذکر شده است:

- ۱) کلماتی که برای دانش آموز نارساخوان مشکل ایجاد می کند، از مقوای رنگی تهیه و بر وری مقوای سفید بچسبانید. دانش آموز در مرحله ی اول، این واژه ها را با انگشت خود و در جهت نوشتن واژه لمس و تعقیب می کند و در حین انجام این تمرین، تلفظ واژه را نیز یاد می گیرد.
- ۲) تمرین بالا را با ماسه یا نمک نیز می توانید انجام دهید بدین صورت که دانش آموز درون ظرفی پر از ماسه نمناک، حروف یا واژه ها را بر روی آن با انگشت خود می نگارد و هم زمان آن ها را با صدای بلند تکرار می کند.
- ۳) دانش آموز با استفاده از خمیر، حروف الفبا - علائم نقطه گذاری (علامت سؤال، علامت تعجب و ...) - واژه های نامفهوم و مدلی از معنای واژگان را می سازد و تمرین می کند. هدف این تمرینات این است که دانش آموز، معنای واژه ای را که برایش قابل فهم نیست، به صورت تصویر سه بعدی

خلق کند. بدین گونه که وی ابتدا طرح و شکل واژه را با خمیر مدل می کند، سپس از مفهوم آن واژه تصویر ذهنی می سازد و آن تصویر ذهنی را با خمیر، به صورت سه بعدی و عینی تبدیل می کند. پس از آن که واژه و مفهوم آن ساخته شد، دانش آموز واژه را با صدای بلند می خواند و در جمله های متفاوتی به کار می برد.

۴) معلم کلماتی را که کودک می خواهد بخواند بر می گزیند و این کلمات را با حروف درشت می نویسد.
۵) سپس کودک حروف را با انگشتان خود لمس و ردیابی می کند و همراه با آن تلفظ آن حرف را می آموزد. و این عمل را تا هنگامی که کودک بتواند کلمه ای را به صورت جزئی از حافظه ی خود روی کاغذ بیاورد تکرار می کند.

۶) در مرحله ی بعد از کودک خواسته می شود تا با این کلمه جمله بسازد و در باره ی کلمه و جمله ی خود توضیح دهد.

۷) معلم هر کلمه ای را که کودک یاد می گیرد بر روی کارتی می نویسد و به صورت الفبایی بایگانی می کند و از کودک می خواهد تا در روزهای بعد از آن کلمات در جملات و صحبت های خود استفاده کند.

۸) و در نهایت با در اختیار گذاشتن تمام کلمات از کودک می خواهیم تا با نگاه کردن به آنها و ترکیب آنها جملات تازه ای بسازد.

هدف های آموزش خواندن در دبستان :

اساسی ترین منظور خواندن فهمیدن است و اگر همین هدف بر آورده شود سایر اهداف آموزش خواندن با کمی کوشش بر آورده می شود (ص ۲۹ انوشه پور).

۱ - شناخت حرفها کلمه ها و درک معانی آنها

۲ - پرورش قوه ی قضاوت در کودک

۳ - ایجاد توانایی های مطلوب در خواندن

۴ - گسترش خزانه ی لغات

۵ - آشنایی با ویژگی های اجتماعی ، فرهنگی ، اخلاقی جامعه خویش و ایجاد قدرت سازگاری با آن

۶ - پرورش قوای ذهنی چون تفکر ، تحلیل و ...

۷ - ایجاد علاقه به خواندن انواع کتابها و مطالب نوشتاری (ص ۶۷ ناعمی)

۸- توانایی ترکیب اصوات گوناگون

۹- توانایی تفسیر و تعبیر تصاویر و مطالب و حدس زدن معنی لغات در ضمن جمله .

۱۰- افزایش توانایی فهم و تحلیل موضوعهای علمی مانند ریاضیات ، علوم و اصطلاحات علمی

۱۱- ایجاد حس همکاری ، یگانگی و تعاون بین کودکان و پرورش افراد متعهد از طریق درک و برداشت های واقعی از موضوعات.

۱۲- پرورش توانایی تمرکز افکار و تقویت درجه توجه و تمرکز ذهن برای نتیجه گیری از موضوع (ص ۳۰ انوشه پور).

با توجه به این که مهمترین و اساسی ترین هدف خواندن ، فهمیدن مطالب است و خوب خواندن باعث بهتر و سریع تر شدن یادگیری است و این که راه و روش یادگیری بهتر از یاد دادن است تصمیم گرفتم به جای پرسش و پاسخ های مکرر به او در کم شدن مشکلش کمک کنم .

- ضعف در روخوانی باعث ضعف دروس دیگر شده است .

- توانایی کنترل تنفس در بهتر خواندن تأثیر دارد .

- تقویت حافظه ی شنیداری باعث بهتر خواندن می شود .

- تقویت حافظه ی دیداری باعث بهتر خواندن می شود .

- درست خواندن باعث درک بهتر مطالب می شود.

- طرح سوال از درس باعث در ک بهتر آنچه خوانده می شود.

مهارت در «خواندن» یکی از اساسی ترین و مهم ترین نیازهای یادگیری دانش آموزان به خصوص در دوران ابتدایی است. توانایی درک مطلب، تفسیر و نتیجه گیری از متون درسی و غیر درسی، دانش آموزان را با افکار و اطلاعات جدیدی آشنا می سازد تا راه بهتر اندیشیدن و بهتر زیستن را بیاموزند. با کمک "خواندن و فهمیدن" به معنای علمی و جامع آن می توان به ذخایر بی انتهای تجربه بشری دست یافت. "خواندن درست" و یادگیری آن مستلزم تمرین و تسلط بر ریزمهارت های خواندن است و لازمه تسلط بر ریزمهارت های خواندن داشتن آگاهی و استفاده از راهکارها و استراتژی های کارآمد خواندن است. در این مقاله سعی شده مراحل یادگیری مهارت خواندن، روش های آماده سازی دانش آموزان، مشکلات یادگیری در این امر و سپس راه کارهای تقویت این مهارت مورد بررسی قرار گیرد.

مراحل یادگیری مهارت خواندن:

از آنجا که جهت تقویت برنامه های آموزش خواندن و نوشتن به کودکان باید توجه کافی به رشد دو مهارت شفاهی زبان (گفتن و شنیدن) را داشت، لازم است که در امر ارتباط چهار مهارت زبانی یعنی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن کوشش کنیم.

یادگیری مهارت خواندن مستلزم کسب مهارت های

الف: بازشناسی دیداری عناصر زبانی اعم از حروف، کلمات و جملات

ب: درک معنای عناصر آن در رابطه معنایی موجود بین آنها

پ: درک پیام جمله و متن می باشد.

آماده سازی کودکان برای کسب مهارت خواندن:

در مرحله آمادگی، پیش از آن که کودک بخواهد یا بتواند از متن آموزشی یا درسی چیزی یاد بگیرد، باید اطلاعاتی را کسب کند که عبارتند از: دانستنی هایی کلی درباره زبان، دانستن نام حروف الفبا و این که واژه ملفوظ یعنی هرلفظی که بر زبان جاری می شود از چند صدای متفاوت تشکیل شده است. آغاز خواندن:

در سال اول دبستان باید بچه ها را با شکل نوشتاری پاره ای از کلمات که از قبل شنیده اند و معنی آنها را می دانند آشنا نمود و خواندن کلمه را نیز به آنها یاد داد. این کار به دو روش انجام می گیرد: در بعضی از مدرسه ها و نیز پاره ای از کتاب ها از همان ابتدا به کودک یاد می دهند که شکل یک کلمه را به طور کامل بشناسد و معنی آن را یاد گیرد. در دومین روش روی آموزش «آواها» تکیه می کنند. ابتدا صدایی را که هر حرف الفبا نماینده آن است آموزش می دهند و سپس به شناخت کلمه به طور مستقل می پردازند که این روش تقریباً در همه برنامه های زبان آموزی رایج در جهان به کار می رود و بدین ترتیب کودک یاد می گیرد که به طور همزمان، هم صداها را بشناسد و هم کلمه ها را.

راه های تقویت مهارت خواندن:

برای رفع نقیصه و تقویت مهارت خواندن در دانش آموزان هماهنگی بین سه نهاد خانه، مدرسه و رسانه ها لازم است.

نقش خانه و خانواده:

آنچه والدین می توانند برای تقویت مهارت خواندن در فرزندانشان انجام دهند عبارتند از: بازی کردن با اسباب بازی های الفبایی، استفاده از رایانه برای انجام فعالیت مربوط به خواندن، تماشای برنامه های تلویزیونی با زیرنویس، خواندن کتاب قصه، شعر و سرود، بازی با کلمات، خواندن تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی در خیابان برای دانش آموز، شرکت دادن کودکان در بحث های خانوادگی و...

نقش رسانه ها:

لازم است برای تقویت فرهنگ مطالعه و افزایش علاقه مندی و به وجود آوردن انگیزه در دانش آموزان، برنامه های ویژه دانش آموزان ابتدایی در صدا و سیما، مانند خواندن داستان و اخبار متناسب با روحیه آنها، نمایش فیلم با زیرنویس تهیه گردد. همچنین روزنامه ها و مجلات ویژه دانش آموزان بیشتر چاپ و تکثیر گردد تا دانش آموزان را به سوی مطالعه سوق دهد.

نقش مدرسه و مربیان:

باید مهارت اولیه کودکان را در زمینه خواندن قبل از ورود به مدرسه ارزیابی کرده و بر این اساس مهدکودک ها و پیش دبستانی ها را هم به ضرورت تقویت سواد خواندن آگاه کنیم.

الگوهای تدریس و ارزشیابی در مدارس ابتدایی، به ویژه در درس فارسی مبتنی بر درک مطلب باشد و این گونه الگوها به معلمان معرفی و اجرای آن خواسته شود. روش های سنتی تدریس که در آنها مهارت خواندن دانش آموزان تقویت می شود احیا گردد، مانند خواندن متون درس فارسی به صورت گروهی و آهنگین که دانش آموزان را ناخواسته بر سر شوق آورده و مهارت خواندن را تقویت می کند. همچنین از رایانه جهت افزایش سواد خواندن دانش آموزان استفاده شود. به عنوان مثال از دانش آموزان خواسته شود در هر هفته حداقل یک بار دانش آموزان مشق خود را بر روی فلایی تایپ کرده و آن را تحویل معلم دهند.

اشکال مختلف و متفاوت نوشتاری رایج در جامعه به دانش آموزان آموزش داده شود مثلاً از آنها خواسته شود نوشته های روی دیوار و یا تیترو روزنامه ها را خوانده و آن را در کلاس برای دانش آموزان بازخوانی کنند و برداشت های خود را از مطالب محتوایی، به بحث بگذارند.

از دانش آموزان خواسته شود در مورد اعیاد و مراسم ملی، مذهبی، حوادث و وقایع روز، باورها و اعتقادات، کشفیات جدید علمی که از رادیو، تلویزیون یا رسانه ای بوده، سخنرانی کنند. بحث و گفت و گو با دانش آموزان دیگر، بازدید از کتابخانه ها نیز در تقویت مهارت خواندن موثر می باشد.

۵. گام پنجم : مشورت با اساتید و صاحب نظران در مورد مشکل موجود؛

در این مرحله با مراجعه و استمداد از استاد گرانقدر جناب آقای امیر عمرانی، استاد آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، مشکل دانش آموز مورد نظر در میان گذاشته شد. ایشان نیز در گفتند در مرحله ی اول اگر ضعف در روخوانی دانش آموز در تمرین نکردن باشد باید با تمرین و کلاس ها و جلسات تدریس جبرانی این مشکل برطرف گردد. اما اگر این با تمرین و آموزش این مشکل حل نگشت باید جلسات گفتار درمانی تحت نظارت آموزش و پرورش کودکان استثنایی صورت گیرد.

همچنین ایشان ابراز داشتند که باید شرایط روحی و عاطفی دانش آموز مد نظر قرار گیرد.

۶. گام ششم : بررسی وضعیت روحی و روانی با مشورت با اولیا یا سرپرست؛

شماره ی سرپرست دانش آموز از دفتر مدرسه گرفته شد و در اولین فرصت با ایشان تماس گرفته شد. سرپرست دانش آموز مذکور در پاسخ به وضعیت جسمی این گونه پاسخ دادند: «از نظر جسمی این فرد در وضعیت مطلوبی قرار دارد.» و وقتی که نظر و پیشنهاد ایشان را جویا شدم بیان کردند: «فرد مذکور جزء افراد دستی است؛ یعنی دوست دارد با دست کار کند. وقتی اسباب بازی یا وسیله ای برایش تهیه می شود سریعاً آن را باز می کند و می خواهد که وسیله ای از آن را استفاده کند و چیز جدیدی بسازد.»

همچنین وقتی در مورد وضعیت روحی او سؤال شد این پاسخ دریافت شد: «این کودکان از نظر روحی و عاطفی دچار کمبودهایی هستند اما خب این کودک در وضعیت خوبی قرار دارد و وضعیت عاطفی در حدی نیست که باعث عقب ماندگی تحصیلی او باشد.»

۷. گام هفتم : طراحی تکالیف و فعالیت هایی برای جبران عقب ماندگی؛

با مطالعه ی مقالات و متون تأیید شده ی علمی و همچنین مشورت با اساتید مختلف بهترین راه ممکن که در نظر گرفته شد توجه دانش آموز به تمرین و تکرار در امر مطالعه و روخوانی است تا این مهارت در وی تقویت شود. فلذا تصمیم بر آن شد که کتابی داستانی برای او تهیه شود و با دان فرصت کافی از وی بخواهیم تا آن را در جلوی کلاس برای بقیه ی دانش آموز بخواند. این امر نه تنها باعث انگیزش مثبت در فرد می شود بلکه باعث افزایش اعتماد به نفس او نیز می شود.

۸. گام هشتم : ایجاد اعتماد به نفس و انگیزه برای تمرین های دائمی.

برای ایجاد انگیزه و افزایش رغبت دانش آموز نسبت به مطالعه راه های گوناگون متفاوتی وجود دارند که زیر به توضیح و تبیین بیشتر این موضوع می پردازیم.

روش های ایجاد انگیزه و رغبت دانش آموزان به درس، کلاس و مدرسه توسط معلم :

انگیزه به دو نوع درونی و بیرونی قابل تقسیم است. از انگیزه بیرونی می توان به تقویت کننده هایی چون پول، تائید، محبت، احترام، نمره ، و از تقویت کننده های درونی می توان به رضایت خاطر و احساس خوب از یادگیری اشاره کرد.

آنچه که بیشتر موجب رفتار خودجوش می شود، انگیزه درونی است. هدف عمده فعالیت های پرورشی معلم یا مربی این است که دانش آموز به تدریج از انگیزه های بیرونی به سمت انگیزه های درونی هدایت شود.

تفاوت اساسی افراد دارای انگیزه درونی با افراد دارای انگیزه بیرونی این است که افراد با انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند و کمتر به دیگران اجازه می دهند که محرك رفتارشان شوند. این گروه از دانش آموزان، خود تعیین کننده رفتارها هستند و به خاطر کفایتی که در خود احساس می کنند، باور دارند که می توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند.

این گروه از دانش آموزان با انگیزه درون گرا، تصورشان این است که موفقیت و عدم موفقیت در تحصیل به خاطر نحوه رفتار صحیح یا غلط خودشان است. اما برخلاف آن ها، دانش آموزان با انگیزه برون گرا، احساس بی کفایتی یا کفایت کم داشته و همواره تصور می کنند که موفقیت آنها تحت تأثیر عوامل محیطی نظیر:

معلم و سوالات سخت است. این گروه از دانش آموزان حتی اگر درس بخوانند، باز هم موفقیت چندانی نخواهند داشت. چرا که اندک تلاش آنها به خاطر همان انگیزه های بیرونی، همچون فرار از تنبیه یا کسب خواسته معلم است. اینان در صورت کسب موفقیت اندک هم آن را به شانس و تصادف نسبت می دهند و نه به تلاش و استعداد خود.

این دانش آموزان حتی اگر نیم نگاهی به موفقیت داشته باشند، آنقدر آن را صعب الوصول می دانند که دست به عمل نمی زنند، در نتیجه هرگز طعم موفقیت را نخواهند چشید. در حقیقت گام اول در برخورد با این افراد چشاندن طعم موفقیت به آنها و درهم شکستن تصور منفی آنها در مورد دستیابی به موفقیت است. در این صورت است که «موفقیت»، «موفقیت» می آورد. از آنجایی که انسان آمادگی دارد تا فعالیت ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یک درس منجر به موفقیت در دروس دیگر می شود و این موضوع در مورد دروس اصلی هر رشته مهم تر است.

درواقع، ضعف درسی در این دروس منجر به بی علاقه‌گی به تحصیل و گاهی حتی ترك تحصیل می‌شود و البته عکس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان دروس اصلی هر رشته توصیه می‌شود، شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب نمایند و با ارزشیابی‌های مناسب فضای کلاس را لذت بخش کنند.

به طور کلی به منظور افزایش انگیزه دانش‌آموزان و سوق دادن آنها به سمت درونی شدن انگیزه‌ها راهکارهای زیر توصیه می‌شود:

۱. سعی کنیم اولویت تجربه‌های دانش‌آموزان برای آنها جالب باشد، احساس موفقیت اولیه اعتماد به نفس آنها را افزایش می‌دهد. این موضوع در مسابقات ورزشی نیز مشهود است.
۲. برای موفقیت دانش‌آموزان پاداش در نظر بگیریم. منتظر نباشیم تا افت تحصیلی اتفاق افتد و سپس موفقیت را تحسین کنیم.
۳. با احترام گذاشتن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، هرگز آنها را با یکدیگر مقایسه نکنیم.
۴. دانش‌آموزان را در کلاس کمتر درگیر مسائل عاطفی منفی نمائیم و نسبت به حساسیت‌های عاطفی آنان آشنا و در کاهش آن کوشا باشیم. سخت‌گیری و انضباط شدید، تبعیض، بیان قضاوت‌های منفی و خبرهای ناخوشایند از جمله عواملی است که موجب درگیری ذهنی و کاهش علاقه به یادگیری می‌شود.
۵. بلافاصله پس از آزمون یا پرسش کلاسی، دانش‌آموزان را از نتیجه کار آگاه کنید.
۶. برای اینکه دانش‌آموز بداند، در طول تدریس به دنبال آموختن به چیزی باشد، بیان اهداف آموزشی مورد انتظار از او را در ابتدای درس فراموش نکنیم.
۷. چگونگی یادگیری و نحوه انجام کار برای دانش‌آموز مشخص شود.
۸. به منظور افزایش حس کفایت در دانش‌آموز از او بخواهیم مطالب یاد گرفته شده را به دوستان یا کلاس آموزش دهد.
۹. در مورد مشکلات درسی دانش‌آموز و ریشه‌یابی آن، با او تبادل نظر و گفت‌وگو کنیم.
۱۰. تشویق کلامی در کلاس، به صورت انفرادی بسیار حائز اهمیت است.
۱۱. مطالب درسی را به ترتیب از ساده به دشوار مطرح کنیم.
۱۲. از بروز رقابت ناسالم در بین دانش‌آموزان پیشگیری شود.
۱۳. در فرآیند آموزش متکلم وحده نباشیم و یادگیرندگان را در یادگیری مشارکت دهیم.
۱۴. علاقه به دانش‌آموزان و تعلق خاطر و اهمیت دادن به یکایک آنها، سطح انگیزه‌ها را افزایش می‌دهد.
۱۵. آموزش را با «تهدید» پیش نبریم.
۱۶. برای دانش‌آموزان با انگیزه، خوراک علمی کافی داشته باشیم.

۱۷. با محول کردن مسئولیت به دانش آموزان کم توجه، آنان را به رفتارهای مثبت هدایت و علل کم توجهی در آنها را بررسی کنید.
۱۸. شیوه های تدریس را از سنتی به شیوه های روز تغییر داده و با استفاده از تکنولوژی آموزشی، حواس پنجگانه دانش آموزان را به کار گیریم.
۱۹. میان درس کلاس و مسائل زندگی که به وسیله همان درس قابل حل است، ارتباط برقرار کنیم.
۲۰. تدریس را با طرح مطالب و پرسش های جالب توجه آغاز کرده و با تحریک حس کنجکاوی، دانش آموزان را برانگیخته تر سازیم.
۲۱. به وضعیت جسمانی دانش آموزان توجه کرده و علل جسمی بی توجهی و کاهش انگیزه آنان را بیابیم.
۲۲. محیط کلاس را با طراحی زیبا و مناسب، جذاب سازیم تا مانع بروز کسالت روحی شویم.
۲۳. با فرهنگ و تاریخچه زندگی افراد مدرسه یا محله ای که در آن تدریس می کنیم، آشنا شده و در طول تدریس از مثال های آشنا استفاده کنیم. www.zibaweb.com
۲۴. به منظور اطلاع از نتیجه فعالیت درسی دانش آموزان و ارائه بازخورد به موقع و مناسب، تکالیف آنان را بلافاصله در جلسه بعدی ملاحظه و با رفع اشکالات، جنبه های مثبت را تشویق کنید.
۲۵. در گرفتن آزمون و امتحان به قول خود عمل کنیم.
۲۶. زمان یادگیری باید در حد توان دانش آموز باشد. برای تجدید قوا و انگیزه در میان کلاس از وقت تفریح و استراحت غافل نشویم.
۲۷. دانش آموز را از میزان پیشرفت خود آگاه سازیم تا بداند برای رسیدن به هدف چه گام های دیگری بردارد.
۲۸. به لحاظ اخلاقی و ایجاد انگیزه، همیشه خوش اخلاق و خوش رو باشیم.
۲۹. به منظور افزایش حس کفایت و مشارکت در ارائه دروس از نظرات دانش آموزان استفاده کنیم.
۳۰. مطمئن باشیم که توجه دانش آموزان برای شروع تدریس آماده است.
۳۱. تمام مطالب دشوار را یکجا و در یک جلسه آموزش ندهیم.
۳۲. به خاطر داشته باشیم، توجه افراطی به دانش آموزان (قوی یا ضعیف) موجب متشنج شدن فضای کلاس می شود.
۳۳. دانش آموزان را به گروه های «خوب»، «بد» و «ضعیف» تقسیم بندی نکنیم.
۳۴. از ورود به موضوعات حاشیه ای که منجر به انحراف توجه کلاس می شود، بپرهیزیم.
۳۵. با ایجاد جلسات بحث و تحلیل به دانش آموزان فرصت تفکر و اظهار نظر بدهیم.
۳۶. هرگز دانش آموزان را مجبور به انجام فعالیت های تحقیرکننده نظیر «جریمه» نکنیم.

۳۷. به افراد درون‌گرا، کمرو، مضطرب که تمایلی به ابراز وجود ندارند، توجه کرده و با تقویت رفتارهای مثبت، آنها را به مشارکت در بحث‌های کلاسی و کارهای گروهی تشویق کنیم.

۳۸. در روش‌های تدریس، کنفرانس و سمینار را مد نظر قرار دهیم.

۳۹. تأکید بر نمره، اضطراب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و مانع از توجه کامل به موضوع درس می‌شود. این دانش‌آموزان با وجود تلاش زیاد از نمرات پایینی برخوردارند و به تدریج رابطه میان تلاش و نتیجه را نادیده می‌گیرند که در نهایت منجر به از دست رفتن انگیزه خواهد شد.

۴۰. گاهی از تجربه‌های دوران تحصیل و شکست‌ها و موفقیت‌های خود برای دانش‌آموزان صحبت کنید.

با توجه به مطالب گفته شده در بالا و همچنین کاستی‌های مشاهده شده، تصمیم بر آن شد که هدیه‌ای به عنوان جایزه برای دانش‌آموز موردنظر در نظر گرفته شود و پس از روخوانی داستان در جلوی بقیه دانش‌آموزان به وی اهدا شد.

ارزشیابی گام‌ها :

۱. گام اول : آیا دانش‌آموز منتخب واقعاً عقب‌ماندگی تحصیلی دارد؟

عقب ماندگی تحصیلی

هر شاگردی که نتیجه درسی او کمتر از میزان متوسط باشد عقب مانده نامیده می‌شود .

عقب ماندگی تحصیلی ممکن است بر اثر نارسایی‌های هوشی، بدنی، محیطی پدید آید که افراد (معلول) نابرخوردار یا استثنایی را تشکیل می‌دهد. اما اصطلاح استثنایی به کودکان عقب مانده و پیشرفته هر دو اطلاق می‌شود . بدین معنا که بازده کار کودکان استثنایی عقب مانده کمتر از حد بهنجار و استثنایی پیشرفته فراتر از میزان متوسط است .

برای آموزش هر دسته از این کودکان شرایط خاصی وجود دارد، به ویژه از کودکان استثنایی عقب مانده که از نابینایی، ناشنوایی، فلج، نارساخوایی رنج می‌برند یا گرفتار عقب ماندگی ذهنی، فقر اقتصادی و گرفتاری‌های خانوادگی هستند به اختصار سخن به میان می‌آید.

با توجه به اظهارات معلم و پس از مشاهده کارنامه تحصیلی دانش‌آموز، می‌توان با اطمینان بیان کرد که دانش‌آموز موردنظر از نظر تحصیلی عقب‌مانده است.

۲. گام دوم : کدام یک از فرضیات و دلایل منطقی و همسو با مشاهدات می باشد؟

همانطور که پیشتر گفته شد تمرین نکردن دانش آموز و کار نکردن مربیان با وی سبب عقب ماندگی شد که کاملاً منطبق با شواهد و اطلاعات است.

۳. گام سوم : آیا سلامت جسمی دانش آموز در پیشرفت تحصیلی یا عقب ماندگی تحصیلی مؤثر است؟

آمادگی جسمانی دانش آموزان يك امر بنيادي و اساسي است که سلامت و قدرت افراد و اجتماع را تضمین می کند. دانش آموزي که قدرت و کارآيي لازم بدني را دارد، قادر است وظايف و کارهاي روزانه خود را بدون احساس خستگی انجام دهد و توانايي لازم را براي گذراندن اوقات فراغت يا مقابله با پيشامدهاي ناگهاني به دست آورد. چنین فردی از بیماری و نارسایی ها و نواقص جسمی به دور خواهد ماند و استقامت، چابکی، انعطاف پذیری و سرعت از ویژگی های چنین دانش آموزي است.

دانش آموزان باید هر روز به فعالیت های منظم ورزشي براساس قدرت بدني شان بپردازند تا قدم هاي صحيح به سوي آمادگی و کارآيي بدني برداشته شود زیرا توجه به کارآيي بدن موجب می شود استخوان ها، مفاصل و عضله هاي بدن براي انجام حرکات و فعالیت ها نیرومند شوند. دستگاه هاي تنفس و جریان خون نیز تا حد بسياري از اجراي برنامه ها و حرکات هاي صحيح ورزشي سود می برد.

هرچه برنامه هاي مناسب ورزشي، زودتر و در سنين کم تري اجرا شود، ابتلا به امراض قلبي و دیگر نارسايي ها کمتر خواهد بود. ارتباط بين آمادگی بدن و سرعت انتقال، یادگیری، انطباط، سازگاري با محیط، ايجاد صفات اجتماعي و تعاون با دیگران غيرقابل تردید است و مربیان باید به آن توجه کنند. مهارت هاي بدني زايیدن قدرت استقامت و چابکی بدن است و با اجراي برنامه هاي صحيح ورزشي به دست می آید.

همچنین سلامت اندام های حسی (چشم، گوش و ...) بر یادگیری تأثیر واضح و مبرهنی دارد که بر کسی پوشیده نیست.

۴. گام چهارم : آیا دانش آموز در جریان کار قرار دارد که زیر نظر می باشد؟

از آنجایی که کارورز علاوه بر دانش آموز ذکر شده به بقیه دانش آموزان نیز رسیدگی می کند پس دانش آموز مورد نظر این حس را پیدا نمی کند که تحت نظر است تا رفتارش را تغییر دهد.

۵. گام پنجم : آیا ولی یا سرپرست دانش آموز همکاری لازم را می کند و اطلاعات صحیحی در اختیار می گذارد؟

در جمع آوری اطلاعات از طریق سرپرست مدرسه همکاری لازم را کرد. پس از تماس با سرپرست دانش آموز، وی اطلاعات کامل و جامعی در اختیار کارورز گذاشت که در روند پیشبرد اهداف تأثیر به سزایی داشت.

۶. گام ششم: آیا تکالیف مطابق با استانداردها و شرایط می باشند؟

پیشنیاز درست خواندن، برخورداری از تواناییهایی چون دقت شنوایی، ادراک شنوایی و حافظه شنوایی و نیز دقت بینایی، ادراک بینایی و حافظه بینایی است.

روش های درمان مشکلات خواندن

۱- در تمام فصول فعالیت های مربوط به خواندن تأکید بر آموزش از راست به چپ نمائید (در ریاضیات تأکید از چپ به راست می باشد).

۲- کلمه یا جمله را با انگشت یا کارت بپوشانید و از کودک بخواهید به تدریج قسمتی از کلمه یا جمله را که دستتان از روی آن برداشته می شود، را بخواند.

۳- کشیدن خط زیر کلمه یا جمله.

۴- کودک را آموزش دهید تا انگشت خود را زیر کلمه بگذارد و سرعت خواندن خود را با دستش هماهنگ کند.

۵- کشیدن فلش از راست به چپ زیر کلماتی که کودک در خواندن آن ها مشکل دارد.

۶- کلمه ای را بر روی تخته بنویسید و از کودک بخواهید که همزمان با تعقیب حروف با انگشت، صدای آن ها را بلند بخواند.

۷- از تخته مغناطیسی و حروف برجسته استفاده کنید و از کودک بخواهید بعد از لمس کردن حروف با انگشتان، کلمه را بخواند.

۸- برای اینکه توجه کودک را به اهمیت ترتیب مکانی حروف در کلمه جذب کنید، کلمه ای را که کودک اشکال دارد در بالای کلمه ای که برعکس می خواند، بنویسید و از کودک بخواهید که با کشیدن خط، حروف بالا را به حروف پایین وصل کند.

مثال: روز زور (صداها به هم وصل شوند)

فلذا تصمیم بر این شد دانش‌آموز را به خواندن ترغیب کنیم تا با مرور و تمرین بتواند به هدف مورد نظر که روخوانی سریع و درست‌خوانی می‌باشد دست یابد.

۷. گام هفتم: آیا فعالیت‌ها باعث ایجاد انگیزه‌ی دائمی در دانش‌آموز می‌شوند؟

همان‌طور که پیشتر گفته شد دادن جایزه باعث می‌شود تا در فراگیر رغبت و انگیزه‌ای ایجاد شود و تلاش خود را با همت بیشتری ادامه دهد.

مواد و وسایل مورد نیاز

- ✓ کتاب‌ها و مقالات تأییدشده پیرامون مشکلات روخوانی افراد؛
- ✓ هدایا و جوایزی برای ایجاد اعتماد به نفس و انگیزه در دانش‌آموز؛
- ✓ منابع و کتاب‌هایی برای تقویت مهارت روخوانی و درک مطلب در دانش‌آموز.

سخن پایانی

اینجانب حسن زرگری دانشجوی ترم پنج دانشگاه فرهنگیان (ورودی ۹۲)، پردیس خواجه نصیرالدین طوسی کرمان، رشته‌ی علوم تربیتی، در طول این ترم در مدرسه‌ی سلمان فارسی واقع در خیابان بهمنیار، خیابان زهره‌ی کرمانی ساعات کارورزی را گذراندم و وظایف خود را با همکاری و استمداد استاد راهنمای خود جناب آقای دکتر آرمان، معلم راهنمای خود سرکار خانم خالقی و سایر دوستان و همکاران به اتمام رساندم.

جا دارد در پایان نیز از تمامی کسانی که مرا در این مسیر یاره نموده‌اند کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم ...

پدر و مادرم

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر آرمان

سرکار خانم خالقی

سایر اعضای گروه کارورزی و همکلاسی‌های این درس

و ...

سخنی چند از بزرگان :

- من برآینده تاثیر می گذارم چون تدریس می کنم. (مک الیف)
- یک دستور العمل مهم: اول دوست بدار بعد آموزش بده.
- معلم بر ابدیت تاثیر می‌گذارد و هرگز نمی‌تواند نقطه‌ی پایانی برای تاثیرات خود داشته‌باشد. (آدامز)
- معلم دست انسان را می‌گیرد، فکر انسان را باز می‌کند، به قلبش رسوخ پیدا می‌کند و آینده‌ی او را رقم می‌زند. (ماروا کالینز)
- یکی از نشانه‌های مربیان بزرگ این است که استعدادی دارند که می‌توانند دانش آموزان خود را به سرزمین‌هایی هدایت کنند که خود آن را ندیده‌اند. (تامسون گروم)
- آموزگاری، عشق است چنین جایگاهی هیچگاه به دست غیر مباد. (ارد بزرگ)

و در پایان ...

آموزش تجارت نیست، بلکه وظیفه است و نباید وسیله ای برای کسب درآمد باشد. اگر کسی از آنچه به دیگران آموزش می دهد استفاده نکند یا نکرده باشد کلاهبردار است و آموزشی که می دهد فاقد هرگونه ارزش.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی
به صد دفتر نشاید گفت شرح حال مشتاقی

کتاب بلغ منی حیا مع رضاعنی
ان افضل ماری آنی علی عدی و میثاقی

نکویم نسبتی دارم به نزدیکان درگاهت
که خود را بر تو می بندم به سالوسی و زرقانی

اخلائی و احبابی ذرو امن حبه بابی
مریض الشق لایسری و لایسکوالی الرقاقی

نشان عاشق آن باشد که شب باروز پیوندد
تو را که خواب می گیرد نه صاحب در و عشاقی

قم علا و استقی کلنا و دع نایه مسوما
امانت الذی تقی فمین السم تریاقی

قدح چون دور باشد به بشیاران مجلس ده
مرکله از تا حیران باند چشم در ساقی

سمی فی بکلی الشانی و لما یدر ماثانی
انا المنجون لا اعبا با حراق و اغراق

مکر شمس فلک باشد بدین فرخنده دیداری
مکر نفس ملک باشد بدین پاکیزه اخلاقی

لیت الاسد فی الغلات لا تقوی علی صیدی
و هذا الطبی فی شیرازی سینی با حادق

نه حسنت آخری دارد نه سعدی را سخن پایان
بمیرد تشنه مستقی و دریا همچنان باقی